

سیره خانوادگی

شهدای روحانیت

محمدباقر نادم



پیش‌کشی تقدیم به:

شهدای روحانیت؛ خورشیدهای درخشان عرصه علم و فقاہت؛ قمرهای
تابان وادی جهاد و مبارزه و ستارگان درخشان آسمان هدایت، به‌ویژه استاد
شهیدم، علمدار روایتگری حاج شیخ عبدالله ضابط رحمۃ اللہ علیہ که فن سخن و ادب
تبلیغ در عرصه فرهنگ جهاد و شہادت را به من آموخت! روحش شاد و
نامش گرامی باد.

پیام تاریخی امام علیه السلام به روحانیون

صلوات و سلام خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ارواح طیبه شهیدان، خصوصاً شهدای عزیز حوزه‌ها و روحانیت. درود بر حاملان امانت وحی و رسالت، پاسداران شهیدی که ارکان عظمت و افتخار انقلاب اسلامی را بر دوش تعهد سرخ و خونین خویش حمل نموده‌اند.

سلام بر حماسه‌سازان همیشه جاوید روحانیت که رساله علمی و عملی خود را به دم شهادت و مرکب خون نوشته‌اند و بر منبر هدایت و وعظ و خطابه ناس از شمع حیات‌شان، گوهر شب چراغ ساخته‌اند.

افتخار و آفرین بر شهدای حوزه و روحانیت که در هنگامه نبرد، رشته تعلقات درس و بحث و مدرسه را بریدند و عقال تمنیات دنیا را از حقیقت علم برگرفتند و سبکبالان به میهمانی عرشیان رفتند و در مجمع ملکوتیان شعر حضور سروده‌اند.

سلام بر آنان که تا کشف حقیقت تفقه به پیش تاختند و برای قوم و ملت خود، منذران صادقی شدند که بندبند حدیث صداقت‌شان را قطرات خون و قطعات پاره‌پاره پیکرشان گواهی کرده است و حقاً از روحانیت راستین اسلام و تشیع جز این انتظار نمی‌رود که در دعوت به حق و راه خونین مبارزه مردم، خود اولین قربانی‌ها را بدهد و مهر ختام دفترش، شهادت باشد. آنان که حلقه ذکر عارفان و دعای سحر مناجاتیان حوزه‌ها و روحانیت را درک کرده‌اند، در جلسه حضورشان، آرزویی جز شهادت ندیده‌اند و آنان از عطایای حضرت حق در میهمانی خلوص و تقرب، جز عطیه شهادت نخواسته‌اند.

سیره خانوادگی شهدای روحانیت

محمدباقر نادم

تهیه و تدوین:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

گروه تولید محتوا

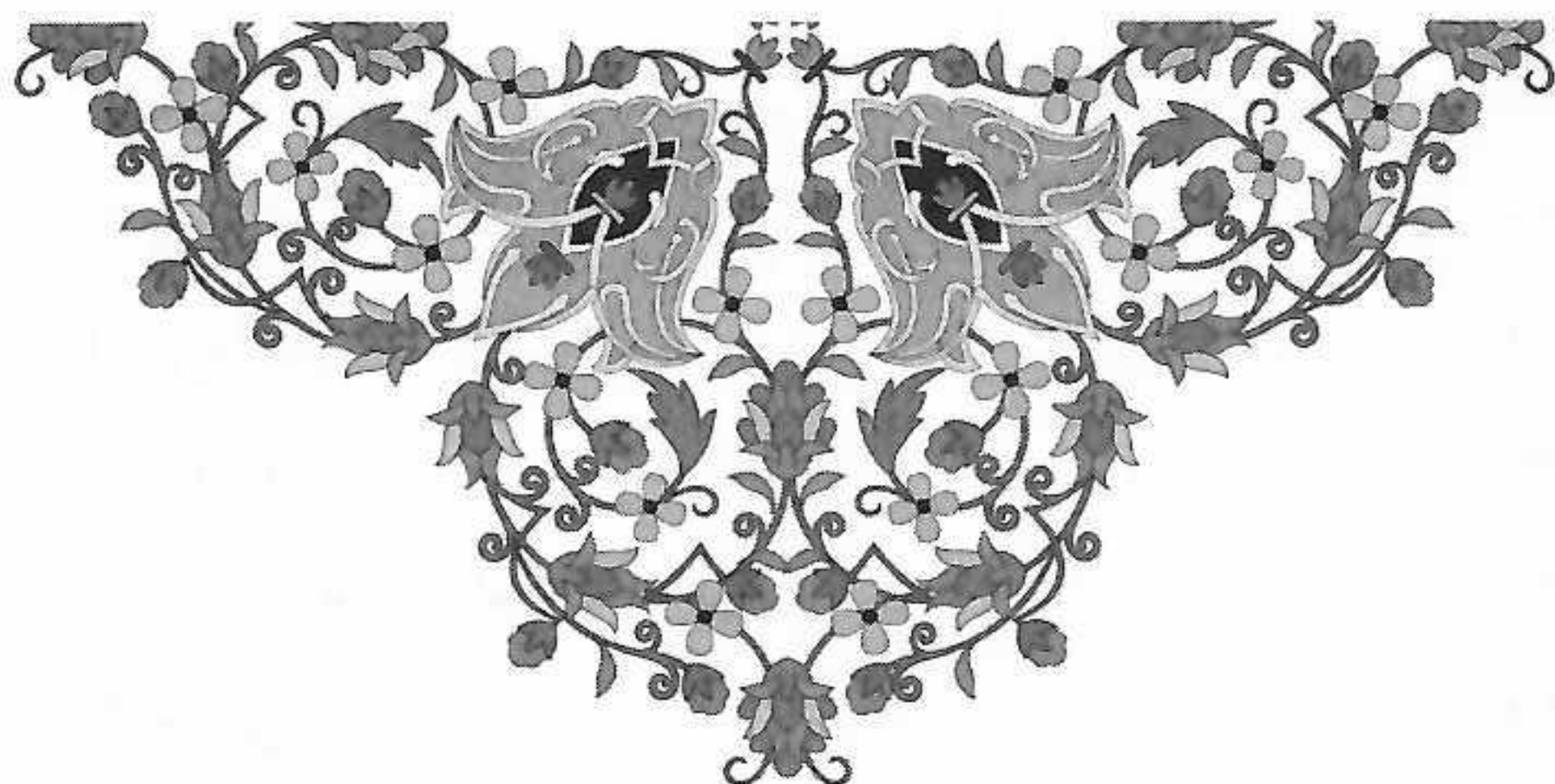
سرشناسه: نادم، محمدباقر، ۱۳۶۱ -
 عنوان و نام پدیدآور: سیره خانوادگی شهدای روحانیت / محمدباقر نادم؛ تهیه و تدوین معاونت فرهنگی و تبلیغی
 دفتر تبلیغات اسلامی
 مشخصات نشر: قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۴۰۱.
 مشخصات ظاهری: ۲۰۷ ص.
 شابک: 978-964-09-2492-1
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۹] - ۲۰۷.
 موضوع: راه و رسم زندگی (اسلام) - Religious aspects - Islam -- *Conduct of life -- زناشویی (اسلام) -
 Marriage -- Religious aspects - Islam - تربیت خانوادگی -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام - Domestic
 *Islam -- Religious aspects -- education - اخلاق اسلامی - Islamic ethics - شهیدان -- ایران -- راه و
 رسم زندگی - Martyrs -- Iran -- Conduct of life
 شناسه افزوده: حوزه علمیه قم. دفتر تبلیغات اسلامی. معاونت فرهنگی و تبلیغی
 رده بندی کنگره: BP۲۵۸
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۷۶۶۷۰
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

سیره خانوادگی شهدای روحانیت

- تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، معاونت فرهنگی و تبلیغی
- مؤلف: محمدباقر نادم
- ویراستار: مرتضی غلامی
- صفحه‌آرا: اکبر اسماعیل‌پور
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت و تاریخ چاپ: زمستان، ۱۴۰۱
- شمارگان: ۲۰۰ نسخه
- قیمت: ۷۴۰۰۰ تومان
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب

تلفن گروه تولید محتوا: ۳۱۱۵۱۲۴۶ - ۰۲۵ پست الکترونیکی: tabligh@dte.ir

تمام حقوق این اثر، برای معاونت فرهنگی و تبلیغی دفتر تبلیغات اسلامی محفوظ است.



فهرست مطالب

سخن اوّل	۹
سخن نویسنده	۱۳

فصل اوّل: آداب ازدواج آسان

اشاره	۲۱
الف) پرهیز از سخت گیری در خواستگاری	۲۶
ب) پرهیز از برگزاری مراسمات تشریفاتی	۳۳
ج) پرهیز از تعیین مهریه های نجومی	۳۸
د) پرهیز از جهیزیه و زندگی تجملاتی	۴۳

فصل دوم: شیوه رفتار با همسر

اشاره	۵۱
الف) مهرورزی و عشق بازی متقابل	۵۴
۱. علاقمندی و ابراز محبت	۵۶

۲. حُسن خلق و شوخ طبعی ۵۸
۳. پرهیز از تندخویی و آزردهن خاطر ۶۰
- ب) پاس داشت اخلاق و حقوق متقابل ۶۲
۱. رازداری، امانت‌داری و حفظ اموال شوهر ۶۷
۲. وجوب احترام و اطاعت از شوهر ۶۸
۳. فضایل اخلاقی و حرمت‌داری ۶۹
- ج) همدلی و همراهی متقابل ۷۰
۱. درک متقابل زوج‌ها ۷۲
۲. همراهی و کمک در کارها ۷۵
- د) آرامش‌بخشی و تکیه‌گاه‌بودن ۸۲
۱. برطرف کردن غم و غصه ۸۳
۲. ایجاد انرژی و نشاط در محیط خانه ۸۵
- ه) سازش و مدارا در زندگی ۸۶
۱. قناعت و سادگی ۸۹
۲. ایثار و فداکاری ۹۱
۳. صبر و تحمل در مشکلات زندگی ۹۷

فصل سوم: آداب فرزندپروری

- اشاره ۱۰۱
- الف) تربیت در دوران جنینی، بارداری و تولد ۱۰۴
- ب) آداب نام‌گذاری بر فرزند ۱۰۸
۱. نام‌گذاری پسندیده ۱۱۰
۲. نام‌گذاری‌های ناپسند ۱۱۴

ج) اهتمام به تربیت فرزند	۱۱۶
۱. در نظر گرفتن توان و ظرفیت کودک	۱۱۷
۲. پاس داشت فطرت پاک و توحیدی فرزند	۱۲۰
۳. دغدغه مندی نسبت به تربیت ایمانی	۱۲۱
د) اظهار محبت و عاطفه	۱۲۴
۱. کمک و حمایت از فرزندان	۱۲۶
۲. بوسیدن فرزند	۱۳۰
۳. سلام دادن به کودکان	۱۳۳
ه) تکریم و احترام به فرزند	۱۳۴
۱. مشورت و هم فکری با فرزندان	۱۳۴
۲. برخورد محترمانه و نیکو با آنها	۱۳۶
۳. پرهیز از رفتار آمرانه و سختگیرانه	۱۳۷
و) تشویق و تنبیه صحیح	۱۳۹
۱. تشویق و انواع آن	۱۴۰
۲. تنبیه و انواع آن	۱۴۱

فصل چهارم: آداب و شیوه های تعامل و مدارا با اعضای خانواده

اشاره	۱۴۷
الف) مهربانی و نیکی به خانواده	۱۴۸
ب) بر آوردن نیازهای خانواده	۱۵۴
ج) همراهی با خانواده در برهه های مختلف زندگی	۱۵۸
د) توجه ویژه به خانواده در روز جمعه	۱۶۰
ه) خدمت به برادران و خواهران	۱۶۴

فصل پنجم: احترام و نیکی به والدین

۱۷۱.....	اشاره
۱۷۲.....	الف) مهم‌ترین حقوق والدین از دیدگاه اسلام
۱۷۵.....	۱. دعا برای والدین
۱۷۸.....	۲. فروتنی و احترام در برابر والدین
۱۸۱.....	۳. قلمرو اطاعت از والدین
۱۸۴.....	۴. احسان و نیکی قبل از ابراز نیاز والدین
۱۸۵.....	۵. خشنودکردن والدین
۱۸۹.....	۶. گریز از موضع نفرت و عاق والدین
۱۹۲.....	ب) حقوق اختصاصی مادران
۱۹۵.....	ج) حقوق اختصاصی پدران
۱۹۹.....	منابع
۱۹۹.....	کتب
۲۰۷.....	نشریات و نرم‌افزارها

سخن اوّل

خانواده گرچه کوچک‌ترین واحد جامعه است، اثرگذاری آن در جامعه مقایسه‌شدنی با مؤثر دیگری نیست. خانواده یعنی ریشه و اساس جامعه، محل آرامش و تربیت، کانون محبت و مودت، جایگاه هم‌فکری و هماهنگی، معبر انتقال سنت‌ها و ارزش‌ها، بستر انسان‌سازی و رشد؛ همان‌گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و میان‌تان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!»^۱

خداوند تشکیل خانواده را از نشانه‌های مهم خود می‌داند. زنی که از جنس مرد است، با هم زندگی مشترکی را شکل می‌دهند و حقوقی بین آنان حکم‌فرما می‌شود. این خانه محل آرامش، مودت و رحمت است. نیکی به پدر و مادر، خوش‌بینی و خوش‌رفتاری با

۱. «و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ روم: ۲۱.

آنان، مهربانی و همکاری با همسر در امور خانه، رسیدگی به درس و دیانت فرزندان، ادای حقوق والدین و صله رحم با خویشاوندان، از جمله دستوراتی است که برای این حلقه سرنوشت‌ساز و اثرگذار، صادر شده تا کانون مهر و محبت و عاطفه و رشد و کمال محقق شود.

اسلام با مدنظر قراردادن تأثیرات خانواده در تربیت فرزندان، سلامت اجتماع را در گروی خانواده سالم می‌داند. خانواده سالم افزون بر رشد و شکوفایی فرزندان، تربیت سالمی را که همسران از یکدیگر دریافت می‌دارند نیز از نظر دور نگه نمی‌دارد. خانواده سالم چارچوب امنی برای همسر و فرزندان آنهاست که این مسئله منجر به فراهم شدن چارچوب امن جامعه می‌شود.

اسلام این آیین الهی و مقدس، برای خانواده اهمیت فراوانی قائل است و آن را سنگ بنای مهم حیات اجتماعی می‌شناسد. اسلام وحدت زوجین و اعضای خانواده را لازمه وحدت جامعه می‌داند و علایق انسانی موجود در خانواده را گسترش‌دادنی در جامعه به شمار می‌آورد.

گرچه گروه بسیاری از رزمندگان در سنین نوجوانی و جوانی و قبل از ازدواج، به حضور حق تعالی بار یافتند؛ اما کسانی که توفیق عمل به سنت رسول خدا ﷺ را یافتند، با همه وجود در خدمت خانواده بودند و قلوبشان سرشار از احساس محبت، صفا و همیاری با همسر و فرزندان بود. هر گاه تکلیف را در مرخصی و دیدار خانواده می‌دیدند و بی‌درنگ به حضور خانواده و همسرشان

می‌شتافتند و به آنان خسته نباشید می‌گفتند؛ در کارهای خانه یاری‌شان می‌کردند؛ لبخند بر لبان‌شان و محبت در دل‌شان موج می‌زد؛ با بچه‌های بازی می‌کردند؛ به درس و مشق‌شان می‌رسیدند؛ به بستگان سری می‌زدند؛ پدر و مادرشان، خواهران و برادران‌شان را احترام می‌کردند و به امورشان رسیدگی می‌نمودند.

اینها اغراق نیست. آنان که به حق می‌اندیشیدند و جوار رحمتش را می‌جستند، راه آن را در انجام وظیفه و اطاعت امر خدا می‌دانستند و خداوند آنان را به محبت، احسان و فروتنی در برابر خانواده دستور داده بود. روح‌شان لطیف بود؛ به همان اندازه که در جهاد با دشمن سرسخت و جدی بودند؛ در واقع ویژگی مؤمنان این‌گونه است که با آشنایان و خویشان مهربان هستند و با دشمنان سرسخت. این بُعد از زندگی رزمندگان که جلوه‌هایی از لطافت و ظرافت روحی و تعادل رفتاری و عاطفه جوشان است، کمتر آشکار شده است. بخشی از این احساس و عاطفه را ورق می‌زنیم به این امید که پیام‌وزیم و در خود تأمل کنیم که در این بُعد نیز راه شهیدان را باید پاس داشت و پیمود.

در پایان ضمن تشکر از نویسنده محترم، از رئیس محترم گروه تولید محتوا، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر مصطفی آزادیان و همه همکاران ارجمندشان تقدیر و تشکر می‌کنم.

سعید روستاآزاد

معاون فرهنگی و تبلیغی

دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم

سخن نویسنده

چون خالق سبحان پردهٔ عدم را به طرح وجود منقش کرد و با غوغای خلقت خویش، سکوت حفره‌های تودرتوی عالم نیستی را بر هم زد؛ آن‌گاه در عالم ملک و ملکوت ندای «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»^۱ سر داد؛ قدسیان و کروبیان زبان به گلایه گشودند که «نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ»؛ بی‌خبر از آنکه میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است. آن پرده‌نشینان آستان قدس ملکوت، هنوز خبر ندارند مقرر شده این عزیزکردهٔ مقام رحمانی حق در عالم مثال و در ورطهٔ مادیت و ناسوت، در مقام تمام اسما و صفات الهی تجلی کند. البته ظهور کرده است، نه از بهر رقابت با عرشیان، که برای سوختن در هرمان تفتیدهٔ آزمون الهی، در رهاورد خون و آتش و در وادی عشق و شهادت.

آزمونی درهم‌تنیده از کنج حجره‌های جهاد اکبر تا سنگرهای

جهاد اصغر. گام‌های اسیرشده در تعلقات و اسباب بشری او را رها نموده و پر پرواز در ساحت قدسی الله را نصیب و روزی‌اش کرد تا در محضر وجه الله و معامله بین عبد و معبود، جوهر قدسی خود را همچون زر گداخته و خالص‌شده از همه پیرایه‌های مادی و خاکی، عرضه نماید؛ معامله‌ای که پادشاه دو کونین در ازای نثار مال و نفس بنده‌اش در سبیل الهی، جنت برین را بدو ارزانی می‌دارد.

چه خوش سفری است که جان بی‌قرار و سرگشته‌اش را سوار بر مرکب راهوار عشق از مرتبه خلق تا مرتبه حق صعود داده و به سراپرده قدسی دوست رهنمون می‌سازد تا منظر چشمانش در مقام شهود جمال حضرت دوست روشن و روح مطهرش بر سر خوان ضیافت الله تا ابدیت متنعم گردد.

تا میثمی نشوی، معنای عبدالله را نخواهی چشید، بسان عبدالله میثمی و تا مصطفوی نگردی، برای تلبس به ردای شهادت برانگیخته نگردی، چونان ردانی پور! پس باید اهل فضل و فضیلت باشی تا در محله‌های ملکوت سکونت یابی و آسمانیان تو را فضل الله محلاتی بخوانند. جز مرتضی مطهری که را یارای دریدن پرده‌های حجب نفسانی و خروج از پيله انانیت و مطهرشدن به مسح بارگاه رضای الهی در مرتبه راضیه مرضیه بود؟ ای عالمیان بخوانید و بدانید تنها بهشتیانند که از جهنم دنیا به ابدیت هجرت می‌کنند تا فرشتگان آستان فیض اقدس او را سید محمد حسین بهشتی بخوانند؟

در معركة دو کون که حرف از فتح و گشایش است، باید حسینی

و عاشورایی باشی تا از دروازه کربلا به دیار سرخ گون شهادت عبورت دهند و هاتف خوش خبر سعادت بر کویر تفتیده وجودت سقایت کند و درون تشنه‌ات را به شهد شیرین شهادت از کوثر آستان الهی سیراب سازند و تو را نیز در خیل عشاق حسین علیه السلام پذیرا شوند و صد بشارت و مژده از دولت یارت بدهند.

عاشورا جهان‌بینی انقلاب ما و شهادت ناب‌ترین ثمره آن است؛ چراکه شهادت عاشقانه‌ترین سنت عبودیت است و مدار انقلاب ما بر احیای ارزش‌های توحیدی و عبادی استوار شده است؛ هم از این باب که شهادت درخور تکریم است و نیز آن پیر فرزانه گفت «شهید از همه افضل است»؛ چراکه شهید ناب‌ترین میوه درخت انقلاب را چیده است.

شهادت‌طلبی محصول ذاتی انقلاب ماست. مبارک‌ترین ثمره خون شهیدان ما احساس عزت و افتخاری است که هم‌اکنون از سینه‌های داغ‌دیده همه حق‌جویان عالم می‌تراود. شهادت ارزش احیاشده انقلاب اسلامی ماست و پاس‌داشتن آن مهم‌ترین تعهد انقلابی ما. میزان محبت و علاقه به شهیدان، معیار و میزانی است برای حرکت در خطی که با خون هموار شده است.

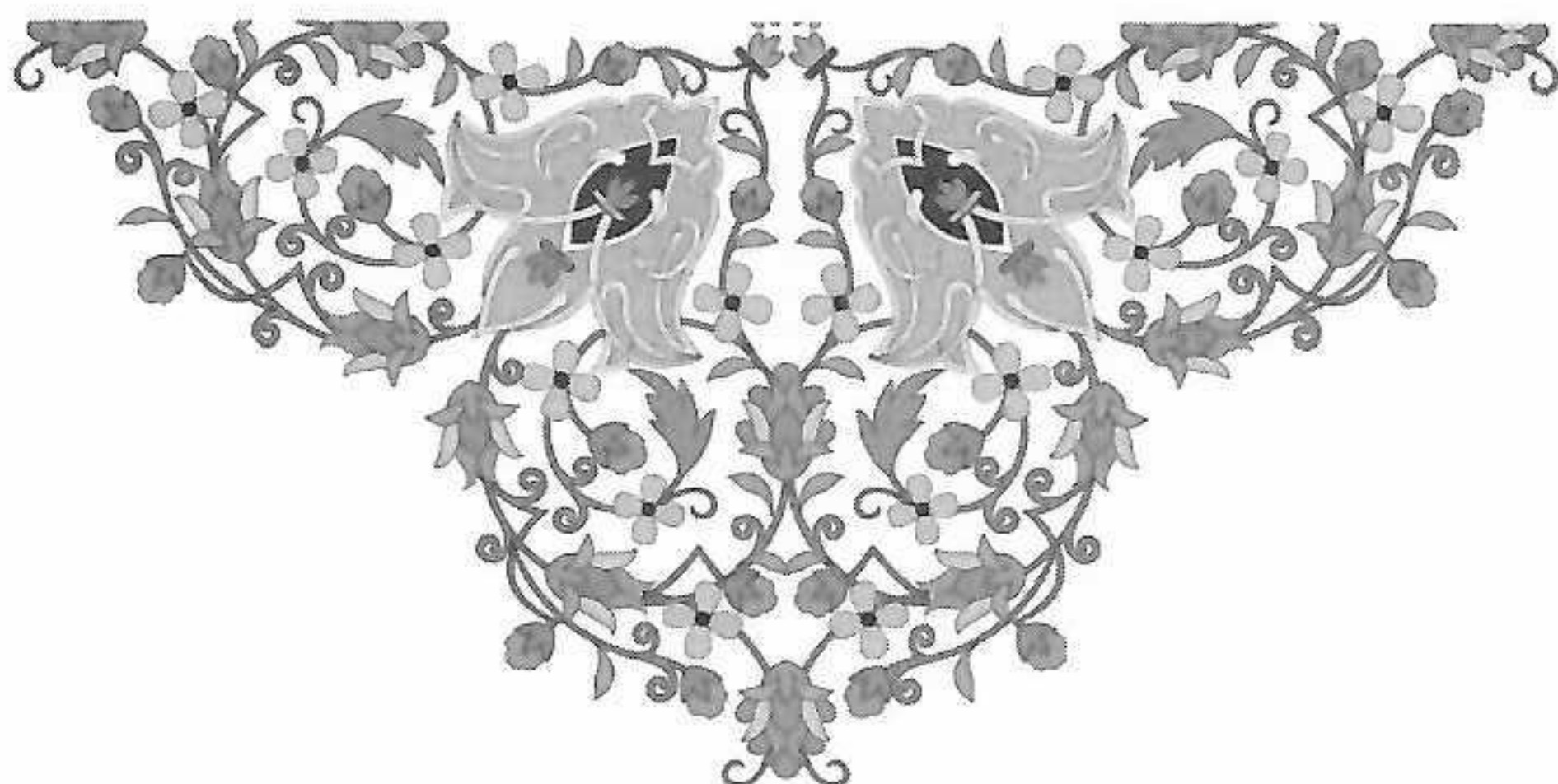
رسم شهادت‌طلبی و اشتیاق پرپرشدن در وادی حضرت دوست، ثمره ذاتی انقلاب آن پیر جماران بود که خیل بشر را به اوج انسانیت و آزادگی رهنمون کرد و نشان پرافتخار عزت و افتخار را بر جبین به خون‌نشسته او حک نمود؛ خونی که از رگ‌های مطهر عاشقان

فرزانه‌ای چون عبدالله میثمی، مصطفی ردانی پور، دکتر بهشتی و هزاران شقایق داغدار بوستان ولایت بر خاک گرم و مقدس کربلای ایران ریخته شده تا جویبار سرخی شود سرازیر بر پهنه بوستان انقلاب تا درخت نوپای آن را آبیاری و به یاری حق، پرچم حکومت الله را به دستان حاکم بلامنازع عصر ظهور بسپارند.

دریغ که شمیم دلنواز و نسیم روح‌افزای کوی محبوب چنان از خود بیخودشان نمود که شیدایی از حد گذشت و طاقت لهب فراق نیاوردند و با کوچ زودهنگام خلقی را از نعمت مصاحبت‌شان محروم کردند؛ اما همچنان خوشحالیم آداب طیبه و سنت‌های حسنه‌ای که از خود به یادگار گذاردند و خط روشنی که تا سرمنزل مقصود ترسیم نمودند، می‌تواند برنامه زندگی و راهنمای عمل دوست‌داران و مصاحبان‌شان باشد و آنان را در این راه پریم و خطر از شر رهنان شیاطین جن و انس مصون دارد.

اکنون به بهانه تلمذ مکتب نورانی آنها، کلاس درس خانواده می‌گذرانیم تا از خرمن پرفیض سیره نورانی‌شان خوشه بچینیم و بر حبل وثیق هدایت‌شان چنگ بزنیم تا در وانفسای دنیای پرفرازونشیب آخرالزمان، بتوانیم از پستی و بلندی هجمه‌ها به سلامت عبور کرده و از تلاطم امواج سهمگین نقمات بر ساحل امن نعمات و برکات الهی پهلو بگیریم. شهدای والامقام روحانی که حالا همچون عنقا بر قلعه قاف یقین و بر ذروه عرش برین مسکن گزیده‌اند، به انگشت اشارت اراده و الطاف الهی، لختی به فرش نظر افکندند تا برکات انفاس‌شان،

بر ما فرش نشینان سرمایه دولت و گوهر سعادت باشد.
از خداوند تبارک و تعالی امید دارم این مختصر را در تبیین آداب
و سنن و تصویر این راه مطهر و روشن توفیقی هرچه تمام تر عطا
فرموده و مقبول درگاه حضرتش قرار دهد و هر قصور و تقصیر را که
در تقدیم این خدمت ناچیز از نگارنده صادر شده، به دیده عنایت و
عفو و اغماض نگریسته و او را در صف شهدا و صالحین محشور
فرماید. آمین، یا رب العالمین!



فصل اوّل: آداب ازدواج آسان

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۱) و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و میان‌تان مودّت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند!».

اشاره

انسان - زن یا مرد - برای رشد و تعالی به همسر نیاز دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله از اینکه زنی ازدواج را ترک و خود را از شوهر بی نیاز بداند، نهی کرده و فرمودند: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله النِّسَاءَ أَنْ يَتَبَتَّلْنَ وَيُعْطِلْنَ أَنْفُسَهُنَّ مِنَ الْأَزْوَاجِ».^۱ بر این اساس زنانی که دشواری‌های ازدواج و زندگی مشترک را به سبب خودکفایی مالی یا هر دلیل دیگر تحمل نمی‌کنند، فضیلت‌های بزرگی را از دست می‌دهند که جبران‌ناپذیر است. زنی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «من زنی از دنیا بریده هستم. امام علیه السلام فرمود: مقصود تو چیست؟ گفت: ازدواج نمی‌کنم تا به فضیلتی برسم. امام علیه السلام فرمود: از این مرامت بازگرد که اگر در ترک ازدواج فضیلتی بود، فاطمه علیها السلام به آن سزاوارتر از تو بود؛ زیرا هیچ کس از او در فضیلت پیشی نگرفت».^۲

۱. شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۵۰۹.

۲. «دَخَلَتْ امْرَأَةٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فَقَالَتْ أَصْلَحَكَ اللَّهُ إِنِّي امْرَأَةٌ مُتَبَتِّلَةٌ فَقَالَ وَمَا التَّبَتُّلُ عِنْدَكَ قَالَتْ لَا أَتَزَوَّجُ قَالَ وَلِمَ قَالَتْ أَلْتَمِسُ بِذَلِكَ الْفَضْلَ فَقَالَ انْصَرِفِي فَلَوْ كَانَ ذَلِكَ فَضْلًا لَكَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام أَحَقَّ بِهِ مِنْكَ إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ يَسْبِقُهَا إِلَى الْفَضْلِ»؛ همان.

در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معرفی برترین نعمت‌های خداوند پرداخته و همسر شایسته را برترین نعمت پس از اسلام خواندند که یک مرد مسلمان می‌تواند از آن بهره‌مند شود.^۱ بنابراین «ازدواج» در اسلام، مطلوب‌ترین فرصت برای زیباترین تلاقی چشم‌ها، گیراترین تبادل کلام‌ها، پرجاذبه‌ترین رفتارها، همسوترین اندیشه‌ها، استوارترین گام‌ها، پررمز و رازترین محرومیت‌ها و تجلی متعالی‌ترین ارزش‌هاست؛ اما هنگامی که کار راحت و آسان را با مشقت و کُلفت همراه کنیم، در حقیقت خود و دیگران را به آفت «تکلف» آلوده کرده‌ایم.

تکلف عنصری فرصت‌سوز است که سرمایه جوانی و عمر را بر باد می‌دهد و با دامن زدن به دلسردی، افسردگی و ناامیدی، زندگی انسان را به کام تلخی می‌برد. ابداع شرط‌های تخیلی و غیرمعقول، مهم‌ترین سبب گرفتاری در دام خطرناک تکلف است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با جمله «وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ»،^۲ صف خود را از تکلف‌پیشگان جدا نموده و از آنان اعلام بیزاری کرده‌اند.

به طور بدیهی هر انسانی با ورود به دوره جوانی، یکی از بزرگ‌ترین نیازهای فطری‌اش ازدواج و ایجاد کانون گرم خانواده است؛ نیازی که اگر به‌درستی و بهنگام برآورده شود، به نعمتی بزرگ

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَتُطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَتَحَفَظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ»؛ همان، ص ۳۲۷.

۲. ص: ۸۶.

به نام زندگی مشترک، استقلال و آزادی بیشتر می‌انجامد. با نگاهی به معارف دین و بازخوانی کلام امامان معصوم علیهم‌السلام می‌توان ارزش و جایگاه رفیع ازدواج، این نیاز فطری و سنت اسلامی را بهتر درک کرد.

۱. ازدواج سبب کمال ایمان

ازدواج مسئله‌ای است که سعادت انسان با آن ارتباط مستقیم دارد؛ چنانچه رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخَرِ؛^۱ کسی که ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده است.

۲. ازدواج موجب نزول رحمت الهی

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «درهای رحمت آسمان در چهار زمان گشوده می‌شود: هنگام بارش باران، هنگام نگاه فرزند به چهره والدین، هنگام گشوده‌شدن در کعبه و هنگام عقد ازدواج».^۲

۳. ازدواج حق فرزند بر پدر

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: «مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ ثَلَاثَةٌ يَحْسُنُ اسْمَهُ وَيَعْلَمُهُ الْكِتَابَةَ وَيَزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ؛^۳ حق فرزند بر پدر سه چیز است؛ از

۱. میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۱۵۴.

۲. «يُفْتَحُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ بِالرَّحْمَةِ فِي أَرْبَعِ مَوَاضِعَ عِنْدَ نُزُولِ الْمَطَرِ وَ عِنْدَ نَظَرِ الْوَلَدِ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَ عِنْدَ فَتْحِ بَابِ الْكَعْبَةِ وَ عِنْدَ النِّكَاحِ»؛ محمد باقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۰، ص ۲۲۱.

۳. فتال نیشابوری؛ روضة الواعظین؛ ج ۲، ص ۳۶۹.

جمله اینکه هرگاه بالغ شد برایش همسر برگزیند. همچنین در قرآن کریم آمده است: «مردان و زنان بی همسر خود را همسر دهید و در ازدواج از فقر و تنگدستی نترسید که خداوند، شما را از فضل بی انتهای خود بی نیاز می سازد».^۱

۴. ازدواج سبب افزایش ثواب عبادات

امام صادق علیه السلام درباره ارزش عبادت شخص متأهل نسبت به فرد مجرد می فرماید: «رَكْعَتَانِ يَصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكْعَةً يَصَلِّيَهُمَا الْأَعَزَبُ»^۲ دو رکعت نماز فرد متأهل برتر از هفتاد رکعت نماز شخص مجرد است. در مقامی دیگر می فرمایند: «مَا بَيْنِي فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ التَّزْوِيجِ»^۳ در اسلام هیچ بنائی نیست که در پیشگاه خدا دوست داشتنی تر از بنای ازدواج باشد».

پس از اشاره به برخی از برکات و ارزش های ازدواج در روایات و نیز با وجود توصیه ها درباره مسئله مهم ازدواج، صادقانه باید اقرار کرد رد پای سخت گیری های جاهلانه، رسوم نابخردانه و پرتکلف را می توان در جای جای اتفاق آسمانی ازدواج مشاهده کرد. بسیاری از خانواده ها به بهانه آبروداری، انجام آداب و رسوم، حفظ حیثیت و ارزش نهادن بر دختر و پسر، شیرین ترین حادثه زندگی جوانان خود را

۱. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ نور: ۳۲.

۲. محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۷، ص ۲۸۶.

۳. میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۴، ص ۱۵۲.

به کابوسی وحشتناک بدل کرده‌اند. نتایج تلخ این نگاه بیمارگون، تعداد زیادی از جوانان را از تشکیل زندگی ناامید کرده و تعداد دیگری را با مشکلات فراوانی در آغاز راه روبرو نموده است.

آسیب‌های فرهنگی، تربیتی و اخلاقی ناشی از مجرد طولانی مدت و تأخیر در ازدواج، شمارش‌نشدنی است. آنچه درباره رفع این آسیب‌ها مهم و حیاتی به نظر می‌رسد، به فرموده رسول خدا ﷺ ازدواج آسان است: «خَيْرُ النِّكَاحِ أَيْسَرُهُ»^۱.

ازدواج آسان همان مسئله‌ای است که در جامعه ما رنگ باخته و از مسیر صحیح خود خارج شده و سبب شده خانواده‌های زیادی با نزدیکی زمان ازدواج فرزندشان، به جای شادی و سرور، عزا بگیرند. نتایج شوم یک شروع پُرمشقت و پُردردسر، چه بسیار کام جوانان را در آغاز زندگی تلخ می‌کند. در این آفت بزرگ اجتماعی، همه مقصّریم و البته از همه بیشتر خانواده‌های بدعت‌گذار و تکلف‌ساز باید در پیشگاه الهی پاسخگو باشند.

برای رفع این معضل خانمان‌سوز، همه باید به میدان بیاییم و عرصه زندگی را برای خوشبختی جوانان هموار سازیم. برای تصحیح این انحراف خطرناک و درمان این درد جانکاه اجتماعی باید به محضر دین شتافت که حکیمانه درد را می‌شناسد، طیبانه نسخه شفا بخش می‌دهد و همگان را به بازگشت به سیره پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام فرا می‌خواند. به نظر می‌رسد یکی از زیباترین و

۱. هاشم صالحی؛ نهج الفصاحه؛ ص ۴۷۰.

راهگشاترین الگوهای مسیر نیل به سبک ازدواج اسلامی و معقول، رجوع به سیره نورانی و بازخوانی خاطرات مربوط به ازدواج و تشکیل زندگی شهدای گرانقدر است. در حقیقت آنها اثبات کردند با مطیع شدن به سنن الهی و دستورات آسمانی دین، می‌توان از قید و بند رسوم جاهلی رهید و می‌توان با تمسک به این توصیه‌ها زندگی نورانی و همراه با سعادت را برای خود و خانواده رقم زد.

در ادامه چهار مورد از مهم‌ترین راهکارهای آسان‌سازی ازدواج به روش معرفی آفات و آسیب‌ها و ارائه راهکار برای حذف موانع ازدواج آسان بحث می‌شود. همچنین به منظور تفهیم و تبیین بهتر مطالب، به بیان مصادیق عینی و آسمانی ازدواج در سیره شهدای روحانی خواهیم پرداخت.

الف) پرهیز از سخت‌گیری در خواستگاری

همان‌گونه که از تعابیر اسلامی به دست می‌آید در انتخاب همسر از طرفی نباید سهل‌انگاری شود و بدون دقت و تحقیق لازم ازدواج صورت گیرد؛ از سوی دیگر نیز نباید در این مسئله به‌اندازه‌ای سخت‌گیری شود که ازدواج را با مشکل روبرو کند. بهتر است دقت و سخت‌گیری نکردن در کنار یکدیگر قرار گیرند تا بهترین انتخاب صورت گرفته و تبعات انتخاب نادرست را نیز به همراه نداشته باشد.

در سخنان معصومین علیهم‌السلام درباره دقت در انتخاب همسر و تحقیق و تفحص پیرامون شخصیت همسر شایسته سفارش شده است. امام صادق علیه‌السلام با تشبیه همسر به گردنبند فرموده اند: «بنگر

چه گردنبندی بر گردنت می اندازی!»^۱ یا در تعبیر دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ازدواج ناصحیح را عامل تباهی انسان خوانده و فرمودند: «از ازدواج با احمق پرهیزید؛ زیرا هم نشینی با او تباهی است»^۲. همچنین ایشان بر خورداری از خانواده خوب و سالم را یکی از نشانه های همسر شایسته معرفی کرده و فرمودند: «از ازدواج با زن زیبایی که در خانواده ناشایست پرورش یافته، پرهیزید»^۳.
رفته بود مشهد. از امام رضا علیه السلام یک همسر خوب خواسته بود. می گفت «من از این خانواده دختر می خوام». مصطفی برایش خواب دیده بود. دورادور می شناختیمشان. واسطه مان هم مصطفی بود.^۴
امام جواد علیه السلام درباره سخت گیری نکردن در انتخاب همسر، این گونه توصیه کردند: «هرکه به خواستگاری دختر شما آمد که به تقوا، تدین و امانت داری او مطمئن هستید، با او موافقت کنید؛ وگرنه شما سبب فتنه و فساد بزرگی در روی زمین خواهید شد»^۵.
همسران شهدای دفاع مقدس در جایگاه الگوهای زیبای انتخاب همسر، با قراردادن ملاک دین و اخلاق و چشم پوشی از مال و تعلقات دنیا به ازدواج با همسرانی تن دادند که پیام آور خوشبختی و سعادت برای آنها و لایق کسب فیض شهادت برای خود بودند.

۱. شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۳۳۲.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۰، ص ۲۳۷.

۳. ابن بابویه؛ من لا یحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۳۹۱.

۴. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۴۳.

۵. شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۳۴۷.

همسر شهید حجت الاسلام عباس شیرازی درباره راهنمایی و مشاوره پدر خود در انتخاب شوهری باتقوا و باصلاحیت می گوید:

پدرم آیت الله راضی نجفی تبریزی شاگردان زیادی در حوزه علمیه قم داشت و رابطه اش با بسیاری از آنها صمیمی بود؛ اما شیخ عباس در جمع شاگردانش از همه خاص تر بود و آن روزها نزد ایشان فقه و اصول می خواند. البته شرم و حیا مانع از آن بود که مستقیم چنین خواسته ای را مطرح کند، لذا آقای محقق داماد^۱ را واسطه قرار داده بود. بعد از طرح موضوع توسط آقای محقق داماد، پدرم عباس را به خانه دعوت کرد و آن استاد و شاگرد صحبت مفصلی با هم داشتند. وقتی عباس خدا حافظی کرد و رفت، پدرم مرا صدا زد و اشاره کرد که بنشینم. بعد دست نوازش بر سرم کشید و گفت: دخترم طیبه! اجبار نمی کنم که ازدواج کنی؛ اما اگر قصد ازدواج داری و نظر مرا می خواهی، این جوان از هر جهت انسان شایسته ای است و من هیچ عیب و مانعی در او نمی بینم. آن روزها، مثل حالا رسم نبود که دختر و پسر در روز خواستگاری همدیگر را ملاقات کنند و درباره زندگی آینده شان صحبت کنند؛ اما من حس خوبی داشتم. مهرش به دلم نشسته بود. به پدرم گفتم: هرچه شما صلاح بدانید.^۲

۱. حجت الاسلام والمسلمین سید مصطفی محقق داماد، مجتهد و رئیس سابق بازرسی کل کشور.

۲. محمد علی قربانی؛ سردار خطیب: سیری در زندگی شهید شیخ عباس شیرازی؛ ص ۶۷ و ۶۸؛ به نقل از طیبه حائری، همسر شهید.

با مطالعه چنین خاطراتی از زندگی شهدای روحانی، روایات نورانی اهل بیت علیهم السلام یکایک تداعی می‌شود؛ آنجا که تقوا و اخلاق پسر را ملاک قرارداد و مشکلات مالی را مانع انتخاب او به عنوان داماد نمی‌دانند. خاطره زیبایی از شهید بهشتی به عنوان مصداق عینی و عمل به این روایات مورد توجه قرار می‌گیرد که با وجود رفت و آمد خواستگارهای فراوانی که گاهی از تمکن مالی و اجتماعی بالایی هم برخوردار بودند، وقتی شهید بهشتی ملاک دخترش را برای انتخاب همسر می‌پرسد و مطمئن می‌شود جنبه مالی داماد برای او اهمیت زیادی ندارد و ملاکش اخلاق و فرهنگ پسر است، به او طلبه‌ای معلم را برای ازدواج معرفی می‌کند. دختر شهید بهشتی داستان را این‌گونه بیان می‌کند:

برای من خواستگارهای متعددی می‌آمدند که افراد مؤمن و گاه متمکنی هم بودند؛ ولی من همه را رد کردم. یک روز پدرم که اهل استدلال و منطق بود و در رفتارش جنبه تحکم و آمریت نبود، به من گفت دخترم اینکه نمی‌شود شما همه کسانی را که آمده‌اند، رد کرده‌ای و میان آنها انسان‌های خوبی هم بوده‌اند؛ پس سلیقه شما چیست؟ وقتی گفتم اولاً می‌خواهم درس بخوانم و به دانشگاه بروم؛ ایشان به شدت استقبال کردند و گفتند آفرین بر دخترم که می‌خواهد تحصیلاتش را ادامه بدهد. در نهایت گفتم به کسی اهمیت می‌دهم که بشود در زندگی دوکلمه با او حرف حساب زد و تفاهم داشت. پرسیدند حالا از چه قشری؟ گفتم معمولاً این افراد از قشر فرهنگی هستند. تا اینکه به آقای اژه‌ای که طلبه جوان

و معلم بود، جواب مثبت دادم. ایشان هم سختی‌های زندگی طلبگی را برای من بازگو کردند و من همه آن شرایط را پذیرفتم.^۱

نظیر روایت پیامبر ﷺ درباره ملاک قراردادن دین و اخلاق خواستگار، از امام رضا علیه السلام وارد شده است که حضرت به خانواده‌ها سفارش فرمودند: «وقتی که از دین و اخلاق خواستگار راضی بودید، به ازدواج با او راضی شوید و به دلیل فقیربودنش او را رد نکنید».^۲

شهید حجت الاسلام مصطفی ردانی پور طلبه‌ای ساده بود و به جز شهریه‌ای ناچیز، درآمد دیگری نداشت؛ اما با دلی مالا مال از امید و توکل و با عشق به حضرت زهرا علیها السلام برای خواستگاری دختری از سلاله سادات اقدام کرد. آن دختر هنگامی که با روحیات معنوی و انگیزه الهی شهید ردانی پور مواجه می‌شود، خواستگاری ایشان را می‌پذیرد. همسر شهید این گونه بیان می‌دارد:

شش ماه هرچه خواستگار آمده بود، رد کرده بودم؛ نمی‌خواستم قبول کنم. مصطفی را هم اول رد کردم. پیغام داده بود امام گفتند با همسرهای شهدا ازدواج کنید. قبول نکردم. گفتم: تا مراسم سال باید صبر کنید. گفته بود: شما سیدید؛ می‌خواهم داماد حضرت زهرا علیها السلام بشم. وقتی این را گفتم، دیگر حرفی نزدیم.^۳

رسول اسلام ﷺ نیز به خانواده‌ها سفارش می‌کنند در گزینش داماد و

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۷۹.
 ۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷، ص ۳۷۲؛ حاکم نیشابوری؛ مستدرک الوسائل؛ الجزء ۱۴، ص ۱۸۸.
 ۳. نفیسه ثبات؛ یادگاران: کتاب شهید مصطفی ردانی پور؛ ص ۸۱.

انتخاب همسر برای دختران‌شان منتظر اتفاق خاصی نباشند و اگر پسر را هم‌شان دخترشان دیدند، با خواستگاری او موافقت کنند: «وقتی اشخاص هم‌شان به خواستگاری دختران شما آمدند، به آنها دختر دهید و در کار آنها منتظر حوادث نباشید».^۱ این روایت بدان معناست که دختران با توهّم انتخاب شوهری آرمانی و دست‌نیافتنی، ازدواج را به تأخیر نیندازند؛ از سوی دیگر خانواده‌ها نیز با وساطت و راهنمایی فرزندان خود یا میانجی‌گری برای جوانان دیگر، زمینه‌ای را فراهم آورند تا شرایط انتخاب و ازدواج برای آنها آسان شود.

نویسنده کتاب عمامه‌های خاکی دربارهٔ خصلت پسندیدهٔ طلبه شهید خداداد ذبیحی برای مشارکت و همکاری در پیوند جوانان مسجد و محل می‌نویسد: «یکی از برنامه‌های او در مسجد الهادی این بود که برای جوان‌های مسجد آستین بالا می‌زد و به زندگی‌شون سروسامان می‌داد و واسطهٔ ازدواج می‌شد. به دلیل اعتمادی که نسبت به خداداد وجود داشت، کسی مخالفت نمی‌کرد. این‌طوری کلی از جوان‌های مسجد سروسامان گرفتند؛ اما نوبت خودش که رسید تا براش خواستگاری بروند، تو همان روزها شهید شد. گویا ازدواج با زمینی‌ها روزی‌اش نبود و قرار ازدواج با عشق‌های آسمانی را روزیش کردند!»^۲

برای آسان‌شدن هرچه بیشتر بستر ازدواج جوانان و برداشته‌شدن

۱. ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحه؛ ص ۱۹۱.

۲. مسعود مختاری؛ عمامه‌های خاکی؛ ص ۱۰۵.

موانع واهی و خودساخته جامعه، پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به مردانی که تصمیم به همسرگزینی دارند، چنین توصیه می‌فرمایند:

«مَنْ تَزَوَّجَ امْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِحَمَالِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ؛^۱ هرکه با زنی برای مالش ازدواج کند، خداوند او را به مال وی واگذار می‌کند، و هرکه با او به دلیل جمال و زیبایی‌اش ازدواج نماید، در او چیزی را که خوشایند او نیست خواهد دید، و هرکه با وی به دلیل دینش ازدواج کند، خداوند تمامی این مزایا را برای او جمع می‌کند».

این‌گونه توصیه‌ها و سفارشات نورانی در لسان روایات، شهید حجت الاسلام عبدالله میثمی را بر آن داشت که پس از انتخاب و رسیدن به همسری دیندار و عقیقه که جامع همه اوصاف نیکو و معنوی بود، در همان مراسم عقد، جبین اخلاص بر سجده بساید و خداوند سبحان را شکرگذاری کند. همسر شهید می‌گوید: «تا مهمان‌ها بیایند برای مراسم عقد، توی اتاق تنها بودیم. مهر خواست. گفتم: تا نگید چرا می‌خواهید نماز بخونین، نمی‌دم. گفت: خدا به من همسر داده، منم می‌خوام نماز شکر بخونم».^۲

شاکر بودن به درگاه الهی، ملاک‌های ساده و روش‌های آسان، زیباترین پیوندها را بین شهدا و همسرانشان شکل می‌داد و زیباترین

۱. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۳۱.

۲. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۴۷.

صحنه‌های بی‌آلایش و عاشقانه را خلق می‌کرد. همسر شهید ردانی‌پور در خاطرات به‌یادماندنی مجلس خواستگاری خود می‌گوید:

با پدر و مادرش سه‌تایی آمدند خواستگاری. اولین کسی بود که اجازه دادم بباید. هنوز درس می‌خواندم در چوبی که باران می‌خورد، سفت می‌شد. بازکردنش لِم داشت. موقع رفتن نتوانست در را باز کند. رفتم جلو و در را باز کردم. خندید. گفت «... خدا را شکر، زورتان هم زیاد است».^۱

ب) پرهیز از برگزاری مراسمات تشریفاتی

شرع مقدس اسلام، قیود جاهلی و شرایط مرسوم بین جهّال را در ازدواج برطرف کرد؛ از سوی دیگر سلسله‌ای از حرف‌ها، شرایط و سنت‌های تازه را پایه‌گذاری کرد. اگر کاری کنیم عقد و ازدواج از چیزهایی که اسلام اِزاله کرده، پاک باشد و به سنت‌هایی که اسلام بنیان‌گذاری کرده، آراسته و مزین باشد، آن‌گاه عقد و ازدواج ما اسلامی و بر اساس رضای پیامبر اسلام ﷺ خواهد شد.^۲

به طور بدیهی در عمل به سنت‌های اسلامی و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، شهدا همچون عرصهٔ اِثار و شهادت پیشگام بودند. شهید ردانی‌پور در برابر برگزاری مراسم عروسی آنچنانی،

۱. همان، ص ۴۴.

۲. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۴/۱/۲۲.

جشن ازدواج خودمانی و ساده ترتیب داده بود و برای نورانیت مراسم تصمیم گرفته بود از اهل بیت علیهم السلام هم دعوت به عمل آورد؛ یک کارت برای امام رضا علیه السلام به مشهد فرستاد، یک کارت نیز برای امام زمان (عج) به مسجد جمکران برد. یک کارت هم برای حضرت معصومه علیها السلام برد؛ این را خودش داخل ضریح انداخته بود. مراسم با همان صفا و سادگی و البته نورانیت و معنویت خاصی که مدنظرش بود، برگزار شد. شب در عالم خواب حضرت زهرا علیها السلام را دیده بود که حضرت بشارت حضورشان به اتفاق دیگر ائمه علیهم السلام را داده و به مصطفی فرموده بودند: «چرا دعوت شما را رد کنیم؟ چرا به عروسی شما نیاییم؟ کی بهتر از شما؟ بین همه آمدیم. شما عزیز ما هستی».^۱

با نگاهی گذرا به خاطرات و سیره نورانی شهدای روحانی در عمل به سنت ازدواج می‌توان دریافت بین آنچه ما انجام می‌دهیم و مطلوب دین، چقدر فاصله است. متأسفانه امروزه بر خلاف روش و منش شهدا در اعتماد به توجه و تفضل الهی، یکی از مشکلات جدی جوان‌ها برای ازدواج این است که با خود می‌اندیشند اگر ازدواج کنند، بعد از آن برای تهیه خانه و انتخاب شغل باید چکار کنند؟ اینها همان قیود و موانعی است که همیشه مانع انجام کارهای اصلی و اساسی مانند ازدواج آسان می‌شود؛ در حالی که خداوند تضمین کرده اگر ازدواج کنید، من از فضل و کرم خود، زندگی شما را

۱. نفیسه ثابت؛ یادگاران: کتاب شهید ردانی پور، ص ۸۴.

کفایت می‌کنم و شما را بی‌نیاز می‌سازم: «إِنْ يَكُونُوا فَقَرَاءَ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».^۱ اما برخی از خانواده‌های متمکن و ناآگاه، با ازدواج‌های تجملاتی و تشریفات، خرج‌ها و نیازهای کاذبی برای تشکیل زندگی جوان‌ها ایجاد کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرمایند:

ما برای خودمان به قول معروف به جای خرج، برج درست می‌کنیم. اضافه‌های زندگی و نیازهای کاذب به‌وجود می‌آوریم. بله، البته مشکل پیش می‌آید. تقصیر کیست؟ در درجه اول تقصیر متمکن است. آن کسانی که امکانات دارند، سطوح را بالا می‌برند.^۲

مادر شهید ردانی پور درباره بی‌تکلفی و ساده‌بودن پسرش در برگزاری مراسم شب ازدواج، می‌گوید به مصطفی گفتم: «مادر با لباس سپاه که نمی‌شه؟ گفت: چرا نمی‌شه، مگه لباس سپاه چشه؟ گفتم: طوریش نیست، ولی شب عروسی آدم باید کت و شلوار دامادی بپوشه! در جوابم گفتم: من که می‌گم نه، پول اضافی خرج کردنه؛ ولی اگر مادر اصرار داره، حرفی ندارم».^۳

البته این مطالب بدین معنا نیست که نباید برای ازدواج مراسم جشن برگزار کرد، بلکه علما و مراجع جشن و میهمانی در حد معقول و متداول را ایراد نمی‌دانند. مقام معظم رهبری در این موضوع

۱. نور: ۲۲.

۲. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۹/۶/۲۸.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>

۳. نفیسه ثابت؛ یادگاران: کتاب شهید ردانی پور؛ ص ۸۶.

معتقدند: «وقتی که پای رقابت، مسابقه و چشم و هم‌چشمی به میان آمد، کم‌کم مراسمات از حدّ خودش تجاوز می‌کند و به جاهای دیگر می‌رود».^۱ همچنین ایشان باورمندند برگزاری مراسمات تشریفاتی و ریخت‌وپاش‌های بیش از حد در جشن‌های عروسی، اسراف و عملی نامشروع است؛ بنابراین از نظر ایشان «زیاده‌روی کردن و سوزاندن دل مردمی که ندارند، حرام است».^۲

یکی از دوستان شهید ردانی‌پور درباره‌ی تکلفی ایشان نسبت به تجملات و تشریفات مراسم ازدواج می‌گوید:

ظهر هم گذشت و هنوز مصطفی برنگشته بود. اگر الان پیدایش نمی‌شد، دیگه نمی‌رسید حاضر بشه. همه منتظرش بودند. از صبح زود که با موتور آمده بودند دنبالش، رفته بود و تا حالا برنگشته بود. بالاخره با چشم‌های قرمز و ورم‌کرده، سرووضع خاکی، رنگ‌وروی پریده و بی‌حال و خسته سروکله‌اش پیدا شد. تکیه داده بود به دیوار حیاط! همه ریختند سرش و گفتند: کجا بودی همه رو نگران کردی؟ ناسلامتی امشب، شب عروسیته! باید بری کت و شلوارت رو بگیری، حاضر بشی. صد تا کار دیگه هم داریم. همین‌طور سرش را انداخته بود پایین و گوش می‌داد. گفت: یکی از رفقای شهیدم را آورده بودند، وصیت کرده بود من

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۰/۴/۲۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>

۲. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۶/۱۱/۹.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>

براش نماز بخونم و تو قبر بذارمش.^۱

همچنین شهید ردانی پور مقید بود مراسم ازدواجش هم‌سنگ با طبقه محروم جامعه برگزار شود؛ به همین دلیل با پول اندک شهریه نتوانست مراسم جشن ازدواج برگزار کند. همسر شهید درباره برگزاری مراسم ازدواجش بدون جشن عروسی می‌گوید: «مصطفی همیشه ناراحت بود که نتوانسته جشن عروسی بگیرد. هادی که به دنیا آمد، مهمانی ساده‌ای گرفت و همه را دعوت کرد».^۲

با بررسی این خاطرات زیبا از سیره شهدای روحانی باید گفت آنها با آگاهی نسبت به آداب و احکام اسلامی، همواره به مخالفت با آداب و رسوم موجب سخت‌شدن و انجام تکلف‌آمیز ازدواج برخاستند و با ترک کردن رقابت‌ها و چشم و هم‌چشمی‌های جاهلانه و نفسانی، کوشیدند طوری عمل کنند که شرع مقدس درباره انجام ازدواج آسان و صمیمانه دستور داده است و با این روش سبب جلب رضایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و نایب بر حق آنها شوند.

امام خامنه‌ای دام ظلّه درباره مراسمات تجملاتی با خرج‌های سنگین و غیرمنطقی، فرمودند:

بنده راضی نیستم از کسانی که با خرج‌های سنگین و با اسراف در امر ازدواج، کار را بر دیگران مشکل می‌کنند. البته با جشن و شادی و مهمانی موافقیم ولی با اسراف مخالفیم.^۳ چقدر دخترها و

۱. نفیسه ثابت؛ یادگاران: کتاب شهید ردانی پور، ص ۸۷.

۲. همان، ص ۶۷.

۳. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۴/۵/۲۴.

پسرها که اگر ازدواج هم می‌کنند، به خاطر بی‌بندوباری پولدارها، احساس کمبود می‌کنند. احساس غصّه می‌کنند. فکر می‌کنند چیزی کم دارند. احساس سرکوفت می‌کنند.^۱

ج) پرهیز از تعیین مهریه‌های نجومی

مهریه سنگین از سنت‌های دوران جاهلیّت است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن را منسوخ کرد. امروزه یکی از زمینه‌های اختلاف و ایجاد کدورت در زندگی زناشویی، تعیین مهریه‌های سنگین است. مهریه‌ای که در اصل هدیه‌ای از داماد به عروس است و برای بالا بردن مهر و علاقه بین زن و شوهر تعیین می‌شود؛ اما هنگامی که با رقابت و توقعات زیاد تلفیق می‌شود، سبب بالارفتن آن شده و زمینه اختلاف‌های بعدی را فراهم می‌کند. با جستجو در کلام معصومین علیهم السلام موارد بسیاری از توصیه به پایین بودن مهریه نمایان است. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا تُغَالُوا بِمُهورِ النِّسَاءِ فَتَكُونَ عَدَاوَةً»^۲ مهریه زن‌ها را سنگین نگیرید که موجب کدورت و دشمنی خواهد شد. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «أَنَّ مِنْ بَرَكَاتِ الْمَرْأَةِ قِلَّةَ مَهْرِهَا وَمِنْ شُؤْمِهَا كَثَرَةُ مَهْرِهَا»^۳ از برکات زن، کمی مهریه اوست و از شومی‌اش، زیادی مهریه.

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۵/۱۰/۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۰، ص ۳۵۱.

۳. ابن بابویه؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۳۸۷.

پدر بزرگوار شهید حجت الاسلام عباس شیرازی درباره سنت حسنه و رسم زیبای تعیین مهریه‌های کم و آسان می‌گوید:

قرار شد برای خواستگاری رسمی، پدر و مادر عباس به قم بیایند. ما خودمان در فامیل دخترهای خوبی داشتیم، اما عباس به مادرش گفته بود می‌خواهد از قم زن بگیرد. دوست داشت همان‌جا ماندگار شود و تا عمر دارد به درس و مطالعه ادامه دهد. با آقایان جنتی و خزعلی در این مورد مشورت کردم. آقای خزعلی گفت: من عباس را خیلی دوست دارم. او در حوزه یکی از بهترین‌هاست. من دخترم را تا دو سال نمی‌توانم عروس کنم؛ اگر دو سال صبر می‌کرد، دلم می‌خواست داماد خودم شود؛ ولی حالا که تصمیم به ازدواج گرفته، بهتر است اقدام کنید تا لطمه‌ای به درس و زندگی‌اش نخورد. خلاصه پا شدیم رفتیم قم منزل حاج آقا راضی تبریزی. ایشان پرسید: پسر شما چه دارد؟ گفتم: یک عبا و عمامه و درسی که خدمت خود شما می‌خواند! بعد پرسیدم: نظر شما درباره مهریه چیست؟ گفت: اجازه دهید با حاج آقا مرتضی حائری (دایی عروس) هم مشورت کنیم. بعد از مقداری تعارف، حاج مرتضی دوهزار تومان پیشنهاد کرد.^۱

سوگمندانه باید گفت باوجود توصیه دین مبین اسلام و اهل بیت گرامی پیامبر ﷺ نسبت به برگزاری مراسم عقد و عروسی‌های ساده همراه با سرور و شادمانی، امروزه به بهانه تعیین مهریه، شرایط

۱. محمد علی قربانی؛ سردار خطیب: سیری در زندگی شهید شیخ عباس شیرازی؛ ص ۶۸ و ۶۹؛ به نقل از اسدالله شیرازی، پدر شهید.

عجیب و سختی را که هرگز دخالتی در کفوبودن و همتایی دختر و پسر ندارد، به جای دین و تقوی و اخلاق قرار داده‌ایم! به جای تعیین مهریه‌های اسلامی و معقول که هدیه‌ای است به نشانه مهر و راستی، به اندازه‌ای تشریفات و تجملات و شرایط قرار داده‌ایم که در ورای آن دل‌های غم‌دیده و چشم‌های اشک‌باری است که با کاروان زندگی فرزندان مان جاری می‌کنیم و تا مدت‌ها آثار منفی آن مثل پرنده‌ای شوم بر بام زندگی عزیزان مان می‌نشیند.

همه این مشکلات و نادانی‌ها در حالی در جامعه و خانه‌های ما شکل می‌گیرد که ما مفتخر به پیروی از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و شیعه مکتب آنها هستیم. خانواده پیغمبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تقریباً اعیانی‌ترین خانواده قریش بودند و خود ایشان هم رئیس و رهبر جامعه اسلامی بود؛ بنابراین چه ایرادی داشت دختری که خداوند متعال او را «سیده النساء العالمین» و «مِن الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ» قرار داد؛ از سوی دیگر با بهترین پسرهای عالم یعنی مولای متقیان می‌خواهند ازدواج کنند، مهریه ایشان زیاد باشد؟ چرا مهریه ایشان مقدار کمی است که به «مَهْرُ السُّنَّة» معروف است؟^۱

در حقیقت رعایت سادگی و قناعت در تعیین مهریه توسط حضرت زهرا علیها‌السلام و مقیدبودن اهل بیت علیهم‌السلام به مقدار «مَهْرُ السُّنَّة» جنبه‌ای نمادین دارد تا پیروان راستین اهل بیت علیهم‌السلام از این سنت حسنه

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۴/۲/۲۸.

تبعیت کنند و دچار مشکلات امروزی نشوند که بر اثر زیاده‌روی‌ها پیش می‌آید.

یکی از شرایط مرسوم رهبر معظم انقلاب برای جاری کردن صیغه عقد، بودن مقدار مهریه کمتر از چهارده سکه است؛ نه به این دلیل که بیشتر از این تعداد مشکلی در ازدواج ایجاد می‌کند، بلکه به این دلیل که جنبه معنوی ازدواج بر جنبه مادی آن غلبه پیدا کند و ازدواج چنان تجارت و معامله نباشد. ایشان در این باره می‌فرمایند:

طبیعت ازدواج معامله، خرید و فروش و اجاره دادن نیست، بلکه زندگی دو انسان است و ارتباطی با مسائل مالی ندارد. شارع مقدس معین کرده که باید یک مهریه‌ای باشد، اما نباید سنگین باشد تا همه بتوانند انجام دهند.^۱

همسر شهید میثمی درباره مقدار مهریه‌شان می‌گوید: «مقدار مهریه خیلی ناچیز بود؛ ولی با این همه توی وصیت‌نامه، کنار قرض‌هاش نوشته بود مهریه همسرش را بدهکار است».^۲

همچنین رهبر انقلاب معتقدند مبلغ و مقدار مهریه مساوی و معادل ارزش حقیقی زن مسلمان نیست و می‌فرمایند:

اگر کسی برای دختر خود اهمیّت قائل است یا دختری برای خود ارزش قائل است، راهش این نیست که بگوید باید مهریه ما را

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۴/۵/۱۸.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>

۲. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۴۹.

زیاد کنید. مهریه هر چقدر کمتر باشد، جنبه انسانی این پیوند بیشتر است.^۱ هر قدر عنصر مادی کمتر بشود، عنصر انسانی تقویت و محبت بیشتر می شود.^۲ نه هیچ مهریه ای می تواند قیمت سرانگشت یک زن مسلمان باشد و نه هیچ درآمدی برای یک مرد می تواند معادل با شخصیت او باشد. کسانی که مهریه های دخترشان بالا می برند، اشتباه می کنند. این احترام نیست. این بی احترامی است. برای اینکه با بالا بردن مهریه، شما جنس این معامله انسانی را، تنزل می دهید به حدّ یک کالا و یک متاع می گوید دختر من آنقدر می ارزد. در حالی که این مهریه یک سنت اسلامی و الهی است. برای این نیست که در مقابل این موجود شریفِ عزیز انسانی، بخواهد یک چیزی بدهند.^۳ بعضی خیال می کنند مهریه سنگین به حفظ پیوند زناشویی کمک می کند. این خطا و اشتباه است. اگر خدای ناکرده این زن و شوهر نااهل باشند، مهریه سنگین هیچ معجزه ای نمی تواند بکند.^۴ آن چیزی که مانع طلاق می شود، اخلاق و رفتار است. رعایت موازین اسلامی است.^۵

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۴/۵/۲۴.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>

۲. همان، ۱۳۷۵/۲/۱۰.

۳. همان، ۱۳۷۷/۸/۱۱.

۴. همان، ۱۳۷۵/۵/۱۱.

۵. همان، ۱۳۷۷/۴/۱۸.

د) پرهیز از جهیزیه و زندگی تجملاتی

میزان جهیزیه عروس یکی از زمینه‌های تجملات در زندگی مشترک است. توجه به تجملات و رقابت در ازدواج و تهیه جهیزیه، یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد اختلاف بین خانواده‌هاست. مسئله‌ای که از خرید عقد و عروسی شروع می‌شود و تا خرید جهیزیه، مراسم‌ها و هدایا ادامه پیدا می‌کند. وسایلی که باید زندگی را آسان کند، با آلوده شدن به آفت تجمل تبدیل به مانع و معضل بزرگی بر سر راه ازدواج آسان می‌شود. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از این مشکل، دختران جوان را این‌گونه متنبه کرده و توصیه می‌کنند:

«لَوْ أَنَّ جَمِيعَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ ذَهَبٍ وَ فِضَّةٍ حَمَلَتْهُ الْمَرْأَةُ إِلَى بَيْتِ زَوْجِهَا ثُمَّ ضَرَبَتْ عَلَى رَأْسِ زَوْجِهَا يَوْمًا مِنَ الْأَيَّامِ تَقُولُ مَنْ أَنْتَ إِنَّمَا الْمَالُ مَالِي حَبِطَ عَمَلُهَا وَ لَوْ كَانَتْ مِنْ أَعْبِدِ النَّاسِ إِلَّا أَنْ تَتُوبَ وَ تَرْجِعَ وَ تَعْتَذِرَ إِلَى زَوْجِهَا؛^۱ اگر تمام چیزهایی که در روی زمین است از طلا و نقره باشد و زن آنها را به خانه شوهرش بیاورد؛ آن‌گاه یک روز بر سر شوهرش منت بگذارد و بگوید این اموال مال من است، تو کیستی؟ در این صورت اجر و عمل وی از بین می‌رود؛ اگر چه از عابدترین مردم باشد. مگر اینکه توبه کند و برگردد و از شوهرش عذرخواهی کند».

امروزه برخلاف سنت نبوی که در آن ارزش مالی جهیزیه اصلاً مورد توجه نیست، بلکه کم بودن آن نشانه خوش قدمی عروس به شمار

۱. حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۲۰۲.

می‌آید، متأسفانه به قیمت‌گذاری برای دختر مبدل شده‌ایم و جهیزیّه را که هدیه خانواده‌ها برای آسان‌شدن شروع زندگی و نشان محبت و همراهی والدین در زندگی فرزندان عزیزشان است، به سدّ راه زندگی آنها و مصیبت بزرگ خانواده‌ها تبدیل کرده‌ایم. در حالی که برخلاف پندار اشتباه عرف جامعه، جهیزیّه برای دختر سبب عزّت نیست، بلکه معیارهای عزتمندی دختر در اسلام به گونه دیگری تعریف شده است. امام خامنه‌ای دام‌ظله در این باره می‌فرمایند:

عزّت دختر به اخلاق، رفتار و شخصیت اوست. بعضی از خانواده‌ها خودشان را اذیت می‌کنند و به زحمت می‌اندازند و اگر پول هم ندارند، به زحمت پول تهیه می‌کنند تا یک جهیزیّه مفصل و پر زرق و برق برای دخترشان تهیه کنند.^۱ واقعیت این است که مهریه و جهیزیّه زیاد، هیچ دختری را خوشبخت نمی‌کند و هیچ خانواده‌ای را به آن آرامش و سکون و اعتماد لازم نمی‌رساند.^۲ پس مبادا خودتان و خانواده‌تان را به زحمت بیاندازید و بروید پول قرض کنید که جهیزیّه درست کنید. مبادا گمان کنید که اگر جهیزیّه دخترتان کمتر از دختر همسایه و قوم و خویش بود، این سرشکستگی است.^۳

بعضی از خانواده‌ها روی چشم و هم‌چشمی، سعی می‌کنند که در

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۷/۱۲/۲۸.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>

۲. همان، ۱۳۷۵/۹/۱۸.

۳. همان، ۱۳۸۱/۳/۲۹.

تهیه جهیزیّه بزنند روی دست همه اقوام و دوست و آشناها.^۱ با این کار غلط، جهیزیّه را برای خودشان تبدیل به یک معضل می‌کنند. بعد که این معضل را به یک نحوی تحمّل کردند و از زیر بارش درآمدند، تازه نوبت دیگران است که رنج این معضل را ببرند، چون وقتی آنها این همه وسایل را در جهیزیّه دخترشان قرار دادند، آن کسانی که می‌بینند، بارشان سنگین می‌شود.^۲

در حالی که با نگاهی کوتاه به خاطرات و سیره خانوادگی شهدا، به زیبایی آشکار می‌شود امکانات عالی و وسایل تجملاتی برای آنها هرگز ملاک خوشبختی نبوده است، بلکه آنها همواره به تکلیف شرعی و الهی خود می‌اندیشیدند. شهید ردانی پور شب عروسی به مادر خود می‌گوید: «فکر نکنید حالا که زن گرفتم، خونه‌نشین می‌شوم. خیر، زندگی من جبهه است. فردای عروسی رفت جبهه».^۳

اگر مردم تا این اندازه سخت‌گیری نکرده بودند، اگر این جهیزیّه‌های جاهلانه نبود و پدر و مادرها به خیال خودشان برای اینکه مبادا دل دخترشان بشکند، خودشان را به آب و آتش نمی‌زدند، این رفتاری‌ها برای خیلی از خانواده‌ها پیش نمی‌آمد. به خاطر همین تجملات است که خیلی از دخترها نمی‌توانند به خانه بخت بروند و خیلی از پسرها نمی‌توانند ازدواج کنند.^۴

۱. همان، ۱۳۷۹/۸/۳.

۲. نک به: همان، ۱۳۷۳/۳/۱۶.

۳. نقیسه ثابت؛ یادگاران: کتاب شهید ردانی پور؛ ص ۴۸.

۴. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۹/۸/۳.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره آسان‌گیری زندگی و قناعت به امکانات و وسایل کم می‌فرمایند: «از نشانه‌های برکت زن آن است که ازدواجش بی‌تکلف و آسان انجام گیرد».^۱

تعیین جهیزیه به اندازه کم از مصادیق ازدواج بی‌تکلف به شمار می‌آید. رهبر معظم انقلاب نسبت به اقدام بیهوده و غلط بعضی از خانواده‌ها که برای زندگی دو نفر، با این توجیه که: «پول داریم، می‌کنیم»؛ بازار را خالی می‌کنند تا جهیزیه تجملاتی درست کنند، می‌فرمایند:

آیا این استدلال کافی است که چون داریم می‌خواهیم بکنیم؟ نه. این استدلال غلطی است و به هیچ‌وجه کافی نیست. در یک جامعه همه‌جور انسان زندگی می‌کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست شوهر بکند، بتواند و الا این جهیزیه‌ای که شما دارید برای دخترتان درست می‌کنید، در ازدواج را برای دیگران خواهد بست ... این روش انسانی و اسلامی نیست.^۲ این کارهای غلط فقط اسباب زحمت شماست. آن هم زحمتی که هیچ اجری پیش خدا ندارد.^۳

شهدا همان‌گونه که در همه شئون زندگی موازین دینی و سیره

۱. «إِنَّ مِنْ يُمْنِ الْمَرْأَةِ تَيْسِيرَ خِطْبَتِهَا وَتَيْسِيرَ صِدَاقِهَا»؛ ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحه؛ ص ۳۴۲.

۲. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۵/۸/۵.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21438>

۳. همان، ۱۳۷۸/۹/۲.

نورانی اهل بیت علیهم السلام را ملاک اعمال و رفتار خود قرار می دادند، در تهیه اقلام و وسایل زندگی و تهیه جهیزیه نیز ملاک و معیارشان اسلامی بود. آنها افتخار و ارزش را در زندگی حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام یافته بودند.

رهبر انقلاب در این باره می فرمایند:

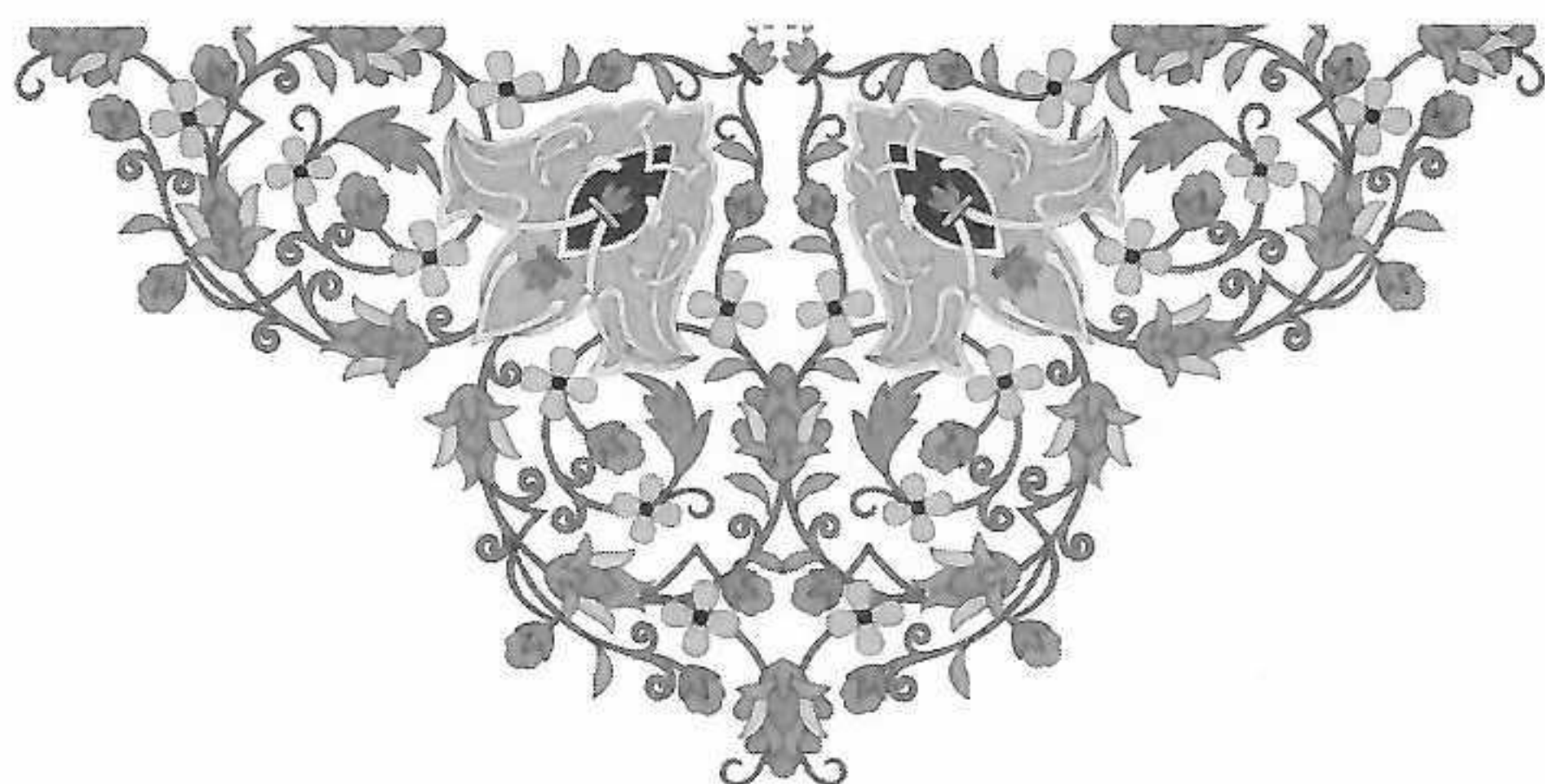
جهیزیه فاطمه زهرا علیها السلام، به اندازه ای بود که شاید دو نفر آدم با دست می توانستند از این خانه به خانه دیگر ببرند. ببینید افتخار و ارزش اینهاست. آیا پیامبر صلی الله علیه و آله نمی توانستند یک جهیزیه مفصل تهیه کنند؟ چرا نکردند؟ این برای این است که من و شما یاد بگیریم؛ وگرنه تعریف کنیم و خوش مان بیاید و بعد هم عمل نکنیم، چه فایده ای دارد؟^۱

شخصیتی همچون شهید میثمی با الهام از سیره نورانی حضرت زهرا علیها السلام و علی علیه السلام، تنها به مقدار کمی اسباب و اثاثیه برای منزل بسنده کرده بود. در احوالات ایشان آمده است:

زمان جنگ در مأموریت های طولانی هرجا می رفت، خانواده اش را می برد. همه اسباب و اثاثیه منزل شان یک وانت نمی شد. گوشه اتاق چند تا جعبه مهمات بود که وسایل شان را می گذاشتند توی آنها و یک یخدان به جای یخچال. توی آن گرمای جنوب فقط یک پنکه داشتند.^۲

۱. همان، ۱۳۷۵/۹/۵.

۲. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۵۱.



فصل دوم: شیوه رفتار با همسر

«یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء: ۱۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای شما حلال نیست که از زنان، از روی اکراه (و ایجاد ناراحتی برای آنها) ارث ببرید! و آنان را تحت فشار قرار ندهید؛ قسمتی از آنچه را به آنها داده‌اید (از مهر)، تملک کنید؛ مگر اینکه آنها عمل زشت آشکاری انجام دهند. و با آنان، شایسته رفتار کنید! و اگر از آنها، (به جهتی) کراهت داشتید، (فورا تصمیم به جدایی نگیرید!) چه بسا چیزی خوشایند شما نباشد، و خداوند خیر فراوانی در آن قرار می‌دهد!»

اشاره

در زندگی مشترک و رابطه متقابل زن و شوهر، هرکدام وظایفی را بر عهده دارند که رعایت این وظایف به حفظ کیان خانواده، مدیریت صحیح زندگی و تأمین آسایش همسران منجر می‌گردد. وظایف گوناگون و متفاوتی که دین مبین اسلام برای زن و شوهر تعیین کرده، متناسب و هماهنگ با ساختار وجودی آنهاست و سبب تحکیم و حفظ خانواده می‌شود؛ بدین ترتیب هر یک از آنها در انجام وظیفه خود کوشا تر باشد، نقش بیشتری در تحکیم خانواده خواهد داشت و در مقابل، هرکدام در انجام وظایف و ایفای صحیح نقش خود در زندگی مشترک کوتاهی نمایند، به همان میزان در ازهم‌پاشیدن شیرازه خانواده سهمیم هستند. قطار زندگی تنها در حالتی از ریل و مسیر صحیح خود خارج نخواهد شد و به سلامت به مقصد خوشبختی و سعادت خواهد رسید که زن و شوهر با احساس مسئولیت شایسته، وظایف ویژه خود را به درستی انجام دهند.

ارزش وجودی همسر در خانه به اندازه‌ای است که از عوامل آرامش برای زندگی مرد به شمار آمده است^۱ و گفتگوی با وی نیز از کارهای نیک و خوب دانسته می‌شود؛ ولی آنچه در این نوشتار بیشتر مدنظر قرار گرفته، غالباً وظایف شوهر در برابر همسرش است که آیات قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام به آن تصریح کرده‌اند.

خداوند سبحان در قرآن کریم، زنان را لباس مردان و مردان را لباس زنان معرفی کرده است.^۲ لباس مانع از آسیب، پوشاننده عیوب، حافظ گرما و سرما و زینت‌بخش و سبب آرامش انسان است. زن و شوهر نیز برای همدیگر چنین‌اند، به شرط آنکه دو اصل مهم مودت (دوستی) و رحمت (مهربانی) بر زندگی حاکم باشد.^۳ همچنین در قرآن آمده است: «از جمله نشانه‌های خدا این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار کرد».^۴

قرآن همچنین در تعامل با همسر، مکرر نسبت به پرداخت مهریه^۵ و هزینه‌های جاری زندگی،^۶ رعایت حقوق متقابل^۷ و رفتار

۱. «وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»؛ اعراف: ۱۸۹.

۲. «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»؛ بقره: ۱۸۷.

۳. ر.ک به: عبدالله جوادی آملی؛ تسنیم؛ ج ۹، ص ۴۶۰ - ۴۶۲.

۴. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ روم: ۲۱.

۵. «وَأَتَوْهُنَّ أَجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ نساء: ۲۵.

۶. «وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَرِزْقُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ بقره: ۲۳۳.

۷. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ بقره: ۲۲۸.

نیکو حتی هنگام جدایی از همسر^۱ سفارش کرده است.

با نگاهی گذرا به مبانی دین اسلام، درمی‌یابیم مهم‌ترین اهداف ازدواج و تشکیل خانواده، بندگی خدا و اطاعت از دستورات او، رسیدن به آرامش، محبت و تحکیم روابط خانوادگی است و همسران باید تلاش کنند با اصلاح روابط مشترک زندگی، خانواده را به سمت این اهداف الهی سوق دهند. برای نمونه یکی از آثار و برکات ازدواج این است که دو رکعت نماز شخص همسر دار از عبادت شبانه مرد بی همسر برتر است. در حدیثی آمده است یک رکعت نماز مرد همسر دار برتر است از هفتاد رکعتی که مرد بی همسر بگذارد.^۲ امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

پدرم از مردی پرسید: آیا همسر داری؟ گفت نه. پدرم فرمود: برای من خوشایند نیست که دنیا و همه آنچه در آن است برای من باشد و شبی را بدون همسر سپری کنم. سپس فرمود: دو رکعت نمازی که شخص همسر دار می‌گذارد، برتر است از عبادت مرد بی همسری که تمام شب را به عبادت بگذراند و روزش را روزه بگیرد. سپس پدرم هفت سکه زر به وی داد و فرمود: با این پول ازدواج کن. آن گاه از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت کرد: همسر بگیرد، به راستی که برای شما سبب روزی بیشتر است.^۳

۱. «فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ»؛ بقره: ۲۳۱.

۲. شیخ مفید؛ المقنعة؛ ص ۴۹۷.

۳. «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فَقَالَ أَبِي هَلْ لَكَ مِنْ زَوْجَةٍ قَالَ لَا قَالَ مَا أَحَبُّ أَنْ لِي الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا وَإِنِّي أَبِيتُ لَيْلَةً لَيْسَ لِي زَوْجَةٌ ثُمَّ قَالَ أَبِي عليه السلام رَكَعَتَيْنِ يُصَلِّيهِمَا رَجُلٌ

با جستجو در خاطرات شهدا و گنج‌های معنوی و معارف دفاع مقدس، الگوهایی زیبا از سیره و روش همسررداری شهدا می‌یابیم که باوجود زیبایی و لطافت، همه دستورات دین و اصول اساسی ارتباط با همسر را در خود نهفته دارند. هرچند زندگی مشترک برخی از شهدا اندکی بیشتر به طول نینجامیده، در همین مدت کوتاه، الگوهایی را در این باره به نمایش گذاشته‌اند که می‌تواند چراغ راه یک عمر زندگی قرار بگیرد.

در ادامه خاطراتی از سیره و روش همسررداری شهدای والا مقام ارائه می‌شود که تجلی عینی همسررداری از نگاه دین به شمار می‌آید؛ خاطراتی که می‌تواند بهترین چراغ راه برای رسیدن به آرامش، محبت و تحکیم روابط خانوادگی و تبدیل زندگی به بندگی باشد.

الف) مهرورزی و عشق‌بازی متقابل

مهرورزی در روابط میان همسران، اصل مهم و نیازی ضروری است. چنان‌که پیش‌تر اشاره شد، قرآن کریم ازدواج را سبب آسایش و آرامش زن و مرد و آنها را یار و یاور همدیگر در زندگی معرفی می‌کند.^۱ زوج‌ها باید با نگاه همراه با لبخند به چهره یکدیگر و ابراز محبت و صمیمیت، همدیگر را شادمان کنند. مقصود از مهرورزی،

مُتَزَوِّجٌ أَفْضَلُ مِنْ رَجُلٍ يَقُومُ لَيْلَهُ وَيَصُومُ نَهَارَهُ أَغْزَبَ؛ محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۷، ص ۴۰۵.

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»؛ روم: ۲۱.

دوست داشتن و به طور خاص آشکارسازی محبت و دوستی‌ها است که خدای متعال میان زوج‌ها ایجاد کرده است.

می‌توان گفت رحمت، مهر قلبی است و مودت اثری است که در نتیجه آن بر زبان یا رفتار ظاهر می‌شود.^۱ از سوی دیگر، فلسفه آفرینش همسر برای انسان، نیل به آرامش است و روشن است که آرامش در روابط همسران، بدون مودت و رحمت ایجاد نخواهد شد. به همین دلیل خدای متعال نعمتش را کامل کرده و مودت و رحمت را نیز ایجاد کرده است. بنابراین نیازی نیست همسران در ایجاد محبت بکوشند، بلکه آنان پیاموزند و بکوشند این نعمت خدایی را حفظ نمایند و از هرچه آن را کم‌رنگ و به نفرت تبدیل می‌کند، دوری نمایند؛ چراکه باید توجه داشت طعنه‌زدن و آزار زبانی، آفت و آسیبی است در برابر محبت کردن و ابراز علاقه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شدت از آن نهی کرده و می‌فرمایند:

هر زنی که شوهرش را با زبان اذیت کند، از او هیچ توبه و فدیة و حسنه‌ای قبول نمی‌شود تا اینکه شوهر از حق او راضی شود؛ اگرچه روزها روزه بدارد و شب‌ها را در عبادت باشد، بنده‌ها آزاد کند و اسب‌های نیکو در راه خدا برای جهاد بدهد؛ پس او اول کسی است که وارد آتش می‌شود و همچنین است مردی که نسبت به زنش ظالم و ناسازگار باشد.^۲

۱. ر.ک به: محمدحسین طباطبایی؛ المیزان؛ ج ۱۶، ص ۱۶۶.

۲. حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۲۱۴.

اگر زن و شوهر به یکدیگر مهر ورزند، خانه به محیطی امن، آرام و مناسب برای رشد و کمال خود و فرزندان بدل خواهد شد. در آموزه‌های قرآنی و کلام خاندان وحی علیه السلام به ابعاد مختلف محبت و نیکی به همسر توصیه‌هایی شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. علاقمندی و ابراز محبت

از اصلی‌ترین موارد نیکی به همسر، محبت و علاقمندی به وی است که از عوامل مهم تحکیم خانواده به شمار می‌آید. یکی از توصیه‌های اسلام دربارهٔ تحکیم روابط اعضای خانواده نیز اظهار عشق و علاقه قلبی به یکدیگر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی زیبا چنین توصیه فرموده‌اند: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»^۱ این سخن مرد که به همسرش بگوید تو را دوست دارم، هیچ‌گاه از دل همسر بیرون نمی‌رود». بنابراین محبت و علاقمندی زمانی ارزشمند است که ابراز شود و شوهر بتواند عشق قلبی و علاقه درونی خود نسبت به همسرش را بروز دهد تا در دل و جان و ذهن او حک گردد و هرگز فراموشش نشود.

برخی باور دارند وجود علاقه قلبی در روابط انسانی و به‌ویژه روابط همسران اهمیت دارد و برای بیان و آشکارکردن دوستی تلاشی نمی‌کنند؛ حال آنکه حال آنکه ابراز علاقه اهمیت معجزه‌آسایی دارد.^۲ آموزه‌های اسلام دربارهٔ چگونگی صحبت کردن با همسر و

۱. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۰، ص ۲۳؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۵۶۹.

۲. علی حسین زاده؛ همسران سازگار؛ ص ۱۸۹.

استفاده از جملات محبت‌آمیز و رفتار عاشقانه در قالب اظهار علاقه به او، بسیار راهگشا و سازنده است. این رفتار ضمن عمق‌بخشی به روابط عاطفی همسران، مانع بروز سوءتفاهم و رفتارهای مشکل‌آفرین در خانواده می‌شود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنان برای اظهار محبت به همسر ارزش و اهمیت قائل بودند که آن را نشانه ایمان مرد دانسته و می‌فرمایند: «هرچه ایمان انسان کامل‌تر باشد، به همسرش بیشتر اظهار محبت می‌نماید». در عمل به این سفارش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، شهید میثمی مصداق فرد باایمانی بود که می‌کوشید علاقه و محبت خود را با بیان و زبان به همسرش ابراز نماید؛ چنان‌که همسر این شهید روحانی می‌گوید: «پسرم هادی که به دنیا آمد، بوسیدش و به اسم صداش کرد. پرسیدم: دوستش داری؟ گفت: آره، ولی مادرش رو بیشتر دوست دارم».^۱

پژوهشگران مهارت‌های مختلفی را برای ابراز علاقه مرد به همسرش بیان کرده‌اند که دعای مرد برای همسر در حضور او را یکی از بهترین نمونه‌های ابراز محبت به همسر دانسته‌اند. هدیه‌دادن به همسر برای سپاس‌گزاری از او، ضمن به اثبات‌رساندن روحیه قدرشناسی، نوعی اظهار محبت به همسر نیز می‌باشد. گاهی انجام‌دادن برخی امور مربوط به همسر، تأثیر معجزه‌آسایی در روابط میان همسران دارد و حتی از اظهار محبت زبانی کارسازتر است.

۱. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۶۶.

برای ابراز محبت به همسر می‌توان از روش نوشتن نیز استفاده کرد. بسیاری از افرادی که توانایی ابراز عواطف در حضور همسرشان را ندارند، می‌توانند آن را بنویسند تا همسرش بخواند. گوش دادن، نگاه کردن، لمس کردن و استفاده از شوخی، از دیگر مهارت‌های ابراز مهر و محبت به همسر است.^۱

۲. حُسن خلق و شوخ طبعی

حُسن خلق، خندیدن و شوخی کردن با یکدیگر، سبب گرمی و محبت در خانواده می‌شود. اهمیت شوخ طبعی و مزاح بین زن و شوهر را می‌توان از کلام رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله دریافت کرد که فرمودند: «هر عمل سرگرم‌کننده مؤمن، باطل (ناصواب) است؛ مگر سرگرمی در سه چیز: پرورش اسب، تیراندازی و شوخی با همسر».^۲ ایشان خود با همسران‌شان با عطف و عدالت رفتار می‌کردند و درباره زنان نهایت رفق و محبت را به کار می‌بردند. از تندخویی و بدزبانی نسبت به همسر خودداری کرده و ناراحتی و تندخویی او را تحمل می‌کردند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همچنین درباره خوش رفتاری شوهر با همسر خود می‌فرمایند: «کامل‌ترین مؤمنان از حیث ایمان، خوش‌رفتارترین آنهاست و شایسته‌ترین شما آنهایی هستند که با همسران‌شان

۱. علی حسین‌زاده؛ همسران سازگار؛ ص ۱۹۴ - ۲۰۶.

۲. «كُلُّ لَهْوٍ الْمُؤْمِنِ بَاطِلٌ إِلَّا فِي ثَلَاثٍ فِي تَأْدِيبِ الْفَرَسِ وَ رَمْيِهِ عَنْ قَوْسِهِ وَ مُلَاعَبَتِهِ امْرَأَتَهُ فَإِنَّهُنَّ حَقٌّ»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۵۰.

خوش رفتارترند».^۱

همسر داری شهدا تجلی صفات رسول الله ﷺ در همسر داری است که قطره‌ای از فضایل اسوه خود را در زندگی‌شان چکانده‌اند؛ به گونه‌ای که امروزه بدل به اسوه و الگویی برای زندگی دیگر انسان‌ها شده‌اند. هرچند شهدا، دل به معبود حقیقی سپرده و تعلق به دنیا و زندگی مادی نداشتند، همواره در دوران زندگی مشترک خود، به رعایت حقوق همسر و فرزندان توجه نشان داده‌اند. نباید این گونه تصور کرد اگر فردی دل در مسیر شهادت و قدم به راه مجاهدت و خون‌فشانی سپرده است، هدف‌اش اقتضا می‌کند از همسر و خانواده خود روی گردان شده و حُسن خلق و خوش‌رویی با آنها را مراعات نکند؛ چراکه مطالعه زندگی شهدا و سخنان همسران ایشان گاهی انسان را در این سؤال سخت می‌اندازد که چگونه شهید با این همه وابستگی و محبت به خانواده، باز دل بسته دنیا نشده و با اختیار راه شهادت را پذیرفته است؟

در احوالات علمای بزرگی همچون شهید محراب آیت‌الله دستغیب آمده است ایشان همواره با مردم و اهل خانه خود با خوش‌رویی و اخلاق نیکو برخورد می‌کردند. آن سالک پرهیزکار حتی برای بیدار کردن فرزندانش برای نماز هم تندی نمی‌کرد و با رأفت و مهربانی با آنها رفتار می‌کرد. دختر این شهید محراب درباره

۱ «أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَخِيَارُكُمْ خِيَارُكُمْ لِنِسَائِهِمْ»؛ هاشم صالحی؛ نهج الفصاحه؛ ح ۲۰۳۳.

برخورد بامحبت و نرم‌خویی پدرش می‌گوید: «وقتی می‌خواست ما را برای نماز صبح از خواب بیدار کند، ابتدا در می‌زد؛ من خیلی زود بیدار می‌شدم. با این عنوان زیبا مرا صدا می‌زد: خانم بهشتی! دختر بهشتی! وقت نماز است. پاشو بابا».^۱

۳. پرهیز از تندخویی و آزدن خاطر

طبق سفارشات دین مبین اسلام، نه‌تنها زن و شوهر باید نسبت به یکدیگر مهربان و دلسوز باشند، بلکه از هر رفتار و گفتار موجب آزردن یکدیگر پرهیز نمایند. زنی که مدام شوهرش را از خود می‌رنجاند و با مواردی مانند نیش و کنایه، بدرفتاری، ناسپاسی، ناسزاگفتن، انجام‌ندادن وظایف، سبب نارضایتی او و ایجاد اختلاف در زندگی زناشویی می‌شود، چگونه می‌تواند در جایگاه همسری همدل و همراه ایفای نقش کند؟ یا شوهری که وظایف خود در در قبال همسرش را به‌خوبی انجام نمی‌دهد، چگونه می‌تواند تکیه‌گاهی باشد که زن در کنار او به آرامش برسد؟

امام صادق علیه السلام فرمودند: «از رحمت خدا به دور است زنی که شوهر خود را می‌آزارد و غمگینش می‌کند».^۲ نیز امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «زن گل است نه کارگزار».^۳ مقام معظم رهبری در شرح

۱. گروه نویسندگان؛ گلشن ابرار؛ ج ۲، ص ۸۷۸.

۲ «مَلْعُونَةٌ مَلْعُونَةٌ امْرَأَةٌ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَ تُغْمُّهُ»؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۶، ص ۲۸۰.

۳. «... فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛ صبحی صالح؛ نهج البلاغه؛ ص ۴۰۵، نامه ۳۱.

این روایت می‌گویند:

اگر مردی با یک گلی با خشونت و بی‌توجهی رفتار کند و پاس گل بودن او را ندارد، چقدر ظالم و بد است؛ مثل تحمیل کردن، زیاده‌روی کردن، زیاده‌خواهی کردن مردها از زنها، توقعات بی‌جا و زیادی. این زن، کارپرداز شما نیست که همه کارهای زندگی‌تان را روی دوش او بگذارید و بعد هم از او مؤاخذه کنید. نه! این یک گلی است در دست شما...؛ حتی اگر دانشمند یا سیاستمدار باشد، در بحث معاشرت خانوادگی، او گل است.^۱

از نقاط برجسته سیره و زندگی شهدا این بود که افزون بر محبت و خوش‌رویی با خانواده و پرهیز از تندخویی و بدرفتاری، نسبت به مشکلات دیگران نیز دلسوزی می‌کردند و راضی به آزردن و آزار دادن آنان نبودند. شهید میثمی هیچ‌گاه حاضر نبود کسی را آزردن و آزار دادن ببیند و حالات و رفتار توأم با خیراندیشی و مهربانی او همواره در خاطره‌ها تداعی می‌شود. یکی از هم‌زمان شهید نقل می‌کند وقتی با خانواده‌های خود برای امر تبلیغ در جبهه به مناطق جنوب کشور عزیمت کرده بودیم، روزی شیخ عبدالله به من گفت:

برو به جای ارزون و مناسبی رو اجاره کن تا روحانی‌هایی که زن و بچه دارن، خانوادشون رو بیارن اینجا که این قدر از آنها دور نباشند و آزردن و آزار نگردند. رفتم یک مسافر خانه پیدا کردم، نزدیک

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۹/۶/۲۸.

رودخانه کارون. دوازده سیزده تا اتاق ساده و قدیمی داشت.^۱

(ب) پاس داشت اخلاق و حقوق متقابل

اسلام همان گونه که درباره احترام به والدین تأکید فراوانی دارد، نسبت به حقوق متقابل زن و مرد و توجه آنها به یکدیگر، توصیه های زیادی در جامعه اسلامی ارائه داده است.^۲ زن و شوهر نسبت به هم حقوق فراوانی دارند که با رعایت آنها زندگی شیرین و باصفا می شود^۳ و رعایت نکردن آن سبب تلخ کامی می شود. بنابراین همسر داری نیاز به اجرای وظایف طرفینی بین زن و مرد است؛ بدین معنا که برای دستیابی به همسر داری بهینه و اصولی، مرد و زن نقش مهم و بسزایی دارند.

همسر داری فصل مشترک میان زن و مرد است؛ زن و مردی از دو جنس متفاوت کنار یکدیگر قرار گرفته اند تا نواقص خود را برطرف کنند، یاد بدهند و یاد بگیرند، بر تجربه هایشان بیفزایند و کانونی گرم، مستحکم و پویا بسازند و آنچه آموخته، تجربه کرده و ساخته اند، به فرزندان بسپارند. در بیانات مقام معظم رهبری دام ظلّه آمده است:

دختر و پسر باید سعی کنند این پیوند را پاس داری کنند. وظیفه

۱. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۶۲.

۲. علی اکبر ازغندی؛ جرعه نوشان؛ ص ۱۰۹ - ۱۱۶.

۳. «فَدَارَهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَأَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيَصْفُو عَيْشُكَ»؛ ابن بابویه؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۲، ص ۳۹۲.

یکی از آنها هم نیست که بگوییم هر کاری یکی کرد، دیگری تحمل کند. باید هر دو به هم کمک کنند تا این کار صورت گیرد.^۱ نمی‌شود بگوییم شوهر سهم بیشتری دارد یا زن سهم بیشتری دارد؟ هر دو در حفظ این بنیان و در حفظ این اجتماع دونفره، که بعدها به تدریج زیاد می‌شود، نقش دارند.^۲

قرآن نیز حقوق زن و مرد را برابر دانسته و می‌فرماید: «و زنان را بر شوهران حق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان، لیکن مردان را بر زنان افزونی است».^۳

همچنین در آیه ۱۹ سوره نساء، اعتدال و نیکویی رفتار مرد در ارتباط با همسر خود مورد توجه قرار گرفته است.^۴ همین عبارت کوتاه مضامینی ژرف دارد و حق متقابل زن و مرد را این‌گونه تشریح می‌کند که مرد نباید در رفتار نسبت به همسر، از حد اعتدال خارج شود. ظلم، بداخلاقی، بخل و سخت‌گیری با همسر خلاف دستور خداست؛ البته رها کردن، مراقب او نبودن و مطیع کامل زن بودن نیز مطلوب نیست.

مضمون دیگر رعایت حق همسر در این آیه، نیک‌رفتاری با او

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429>

۲. همان، ۱۳۷۹/۰۵/۱۶.

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=21429>

۳. «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ»؛ بقره: ۲۲۸.

۴. «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ نساء: ۱۹.

است. وظیفه‌ای که رسول خدا ﷺ به کرات و با تعبیر گوناگون مسلمانان را به آن سفارش کرده و فرموده‌اند: «در قیامت نزدیک‌ترین شما به من از نظر مقام و جایگاه، خوش‌خوترین شما است، و بهترین شما آن‌کس است که با خانواده خود به نیکی و مهربانی رفتار نماید».^۱ نیز فرمودند: «بهترین مردم از نظر ایمان خوش‌خوترین و نیک‌رفتارترین آنان است به خانواده‌اش، و من از تمام شما نسبت به خانواده‌ام نیک‌رفتارتر هستم».^۲

مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرمایند: «بنابراین زن و شوهر در استحکام بنیان خانواده، خود زن و شوهر بیشترین نقش را دارند. با گذشت، همکاری، مهربانی، محبت و اخلاق خوب خودشان، می‌توانند این بنا را ماندگار و این سازگاری را همیشگی کنند».^۳

امام سجاد علی‌ه‌السلام در بیانی نورانی به حق متقابل زن و شوهر اشاره کرده و می‌فرمایند:

حق زن آن است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و آسایش و همدم و پرستار تو قرار داده است، همچنین بر هر یک از شما واجب است که خداوند را به خاطر وجود دیگری ستایش کند و بداند او نعمتی است که خداوند ارزانی داشته و واجب است با

۱. شیخ صدوق؛ عیون اخبار الرضا علی‌ه‌السلام؛ ج ۲، ص ۴۰.

۲. همان، ص ۴۱.

۳. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۹/۱۱/۱۷.

نعمتِ خداوندی رفتار نیک داشته باشد و او را گرامی بدارد و با او سازگاری کند و هرچند حق تو بر زنت بیشتر است و فرمان‌پذیری از تو، در هرچه دوست می‌داری یا نمی‌پسندی، تا آنجا که گناه نباشد، بر او لازم‌تر است، در هر حال او این حق را دارد که از تو مهربانی ببیند و از همدمی تو برخوردار شود، و حق دارد که در برآوردن کامی که به ناچار باید برآورده شود، آرامش و آسایشش تأمین شود و این حقی بس بزرگ است.^۱

در نتیجه همسران افزون بر تأمین نیازهای مادی یکدیگر، باید از سرمایه‌های معنوی یکدیگر پاس‌داری کنند. همسران خوب از یکدیگر مراقبت اخلاقی دارند و می‌کوشند برای رشد و تکامل، همدیگر را به اخلاق‌مداری و دین‌داری فراخوانند.

اگر خانم ملاحظه می‌کند شوهرش دچار انحرافی می‌شود؛ برای مثال معامله نامشروعی انجام می‌دهد، در جریان اشتباهی وارد می‌شود یا رفیق‌های ناسالم دور او را گرفته‌اند، اولین نفر باید همسرش را حفظ کند.^۲

۱. «وَأَمَّا حَقُّ رَعِيَّتِكَ بِمِلْكِ النِّكَاحِ فَإِنَّ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ جَعَلَهَا سَكَنًا وَ مُسْتَرَاحًا وَ أُنْسًا وَ وَاقِيَةً وَ كَذَلِكَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمَا يَجِبُ أَنْ يَحْمَدَ اللَّهَ عَلَى صَاحِبِهِ وَ يَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنْهُ عَلَيْهِ وَ وَجِبَ أَنْ يُحْسِنَ صُحْبَةَ نِعْمَةِ اللَّهِ وَ يُكْرِمَهَا وَ يَرْفُقَ بِهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أَغْلَظَ وَ طَاعَتُكَ بِهَا أَلْزَمَ فِيمَا أَحَبَّتْ وَ كَرِهَتْ (مَا لَمْ تَكُنْ) مَعْصِيَةً فَإِنَّ لَهَا حَقَّ الرَّحْمَةِ وَ الْمُوَانَسَةِ وَ مَوْضِعَ السُّكُونِ إِلَيْهَا قَضَاءُ اللَّذَّةِ الَّتِي لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَ ذَلِكَ عَظِيمٌ»؛ ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۶۱.

۲. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۹/۰۸/۲۱.

اگر می‌بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است، به نماز کم‌اهمیت می‌دهد، به راستگویی کم‌اهمیت می‌دهد، به مال مردم کم‌اهمیت می‌دهد، به شغل دولتی کم‌اهمیت می‌دهد، او را بیدار کنید، به او بگویید، به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند.^۱

پس از بررسی جایگاه همسررداری در مبانی دینی و نیز تبیین اهمیت آن در نهاد خانواده، با نگاهی گذرا به تاریخ جنگ، حماسه‌هایی به چشم می‌آید که بازگویی آن روشنگر ابعاد شخصیتی رزمندگان برای نسل‌های آینده خواهد بود. بخش قابل توجهی از شهیدان متأهل بودند؛ اما لحظات شیرین زندگی را رها نموده و کیلومترها دور از همسر و فرزندان خویش با مرگ دست‌وپنجه نرم کردند. شاید برای نسل‌های آینده این شبهه مطرح شود که گویا اصلاً عشق و علاقه‌ای در میان نبوده که اینان سختی‌های جبهه و جنگ را به خوشی‌های زندگی ترجیح داده‌اند و چه‌بسا بی‌رغبتی نسبت به خانواده، انگیزه جبهه‌رفتن آنان شده است؛ بنابراین نمی‌توان شهادت آنان در بی‌توجهی به دلبستگی‌های مادی را حماسه نامید؟ برای پاسخ به این شبهه، تنها جلوه‌هایی از عشق و علاقه وصف‌نشدنی شهدا و همسران‌شان که زیباترین و شیرین‌ترین زندگی‌های تاریخ را شکل داده بود، مرور می‌کنیم.

۱. رازداری، امانت‌داری و حفظ اموال شوهر

زن با جلب اعتماد همسرش می‌تواند محرم اسرار او گردد و در این حال حتی اگر نتواند در حل مشکلات او یاری کند، می‌تواند سنگ‌صبور همسرش باشد و با شنیدن درددل او و پوشیده‌داشتن رازهایش، مرهمی بر غم او نهد. همان‌گونه که اگر رازدار اسرار شوهرش نباشد، ضمن تشدید دلسردی و افسردگی وی، تزلزل نظام خانواده را نیز موجب می‌شود.^۱

رازداری زوج‌ها نسبت به همدیگر، سبب می‌شود تا در مشکلات و گرفتاری‌های ایجادشده قبل از هر کسی با همسر خود مشورت نمایند. مشورت‌دادن متقابل زوج‌ها به یکدیگر در مواردی که طرف مقابل تخصص و تجربه ندارد، امر پسندیده‌ای است که در مسیر همدلی و همراهی متقابل می‌توان از آن یاد کرد. زندگی برخی از مجاهدان انقلابی که دائماً در تعقیب و گریز بودند، مرهون هم‌فکری و همراهی همسران‌شان است که در برنامه‌ریزی‌ها، عملیات‌های استشهادی و گریختن از معرکه و نجات از دست مأمورین ساواک با آنها مشورت می‌کردند.

یکی از وظایف زن افزون بر حفظ اسرار خانه و شوهر، حفظ اموال شوهر در غیاب او می‌باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «زن نگهبان خانواده شوهر و فرزندان اوست و او در این

۱. هادی حسین خانی؛ تربیت الگویی زنان در قرآن؛ ص ۱۳۳.

نگهبانی مسئول است».^۱

۲. انقیاد و فرمان برداری از شوهر

بر خلاف تفکرات غیر انسانی و فمینیستی مکاتب غربی، که جایگاهی برای مدیریت کلان مرد در زندگی قائل نبوده و با این تفکر اصول مسلم انسانی و دینی همچون غیرت و قیومیت را مخدوش می سازند؛ یکی از وظایف اصلی زن اطاعت از همسر خود در چهارچوب ضوابط شرعی و عقلی است. بی شک، اگر شوهر همسر خود را به یک فعل حرام دعوت نماید، بر اساس «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ» آن زن نمی تواند در این مورد از وی اطاعت کند.^۲

نباید از ذهن دور نگه داشت که منظور از فرمان برداری بر اساس روایات معصومین علیهم السلام چیزی جز ایجاد محبت و صمیمیت در خانواده و از سوی دیگر، استحکام ارکان اساسی زندگی مشترک نیست. رسول اکرم صلی الله علیه و آله این وظیفه زن را این گونه بیان می فرماید:

حق شوهر بر زن این است که از او اطاعت کند، و از نافرمانی اش پرهیزد و بی اجازه وی صدقه ندهد، و روزه مستحبی نگیرد مگر با اجازه او، خود را در اختیار او قرار دهد،... و بی اجازه او از خانه بیرون نرود، و اگر بی اجازه او بیرون رود فرشتگان آسمان و زمین

۱. «وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ»؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی؛ ارشاد القلوب؛ ص ۱۸۴.

۲. حبیب الله طاهری؛ سیری در مسایل خانوادگی؛ ص ۶۰.

او را لعنت کنند تا به خانه برگردد....^۱

اسلام از زنان خواسته است تا بر اساس مدیریت همه جانبه مردان بر خانواده به نظرات و خواهش‌های مطلوب آنان پاسخ دهند و مردان را نیز از تعدی به حقوق زنان و پایمال کردن آزادی مورد نیاز آنها بر حذر داشته است؛ بنابراین منظور اصلی از این اطاعت، چیزی جز روابط خوب و سرشار از صفا نیست و زن و شوهر می‌توانند با تفاهم و همدلی بسیار نزدیک، یک زندگی ایده‌آل را رقم بزنند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مردانی را که از این حق سوء استفاده کرده، بر زنان ظلم و ستم می‌کنند، مورد نکوهش قرار داده، می‌فرماید: «ملعون است، ملعون، کسی که اهل و خانواده خود را ضایع کند».^۲

۳. فضایل اخلاقی و حرمت‌داری

بی‌شک در کنار رعایت حقوق متقابل در زندگی مشترک، رعایت مسائل اخلاقی و حفظ حرمت‌ها، از حقوق قابل توجه زوجها می‌باشد؛ چراکه بر اساس اخلاق‌مداری زندگی‌ها شیرین و دل‌ها به هم نزدیک شده و این مسئله منجر به تفاهم و سازگاری هرچه بیشتر زن و شوهر می‌شود. در اسلام احترام و حفظ حرمت شوهر توسط زن، به اندازه‌ای مهم برداشت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «اگر می‌خواستم به کسی دستور دهم که برای دیگری سجده کند، به زن

۱. شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۴، ص ۱۱۲.

۲. همان.

می گفتم برای شوهرش سجده کند».^۱

همسر شهید حجت الاسلام محمد قائم پناه فضایل اخلاقی شوهرش را این گونه توصیف می کند: «وقتی زندگی را با او شروع کردم، او را در هاله ای از رأفت، مهربانی، اخلاص، احترام، عبادت، معرفت، وفای به عهد، فداکاری، پاکیزگی، تقوا و بسیاری از فضایل اخلاقی دیگر یافتم».^۲

اخلاق نیک که در اسلام بسیار به آن سفارش شده است، در وجود شهید آیت الله مدنی چنان جلوه گر بود که هر کسی را شیفته خود می کرد. هیچ گاه کسی را با کلام خود نرنجانده و اگر کسی از ایشان خواسته ای داشت، در صورتی که برآوردن آن در توانش بود، آن را می پذیرفت و در غیر این صورت با اخلاق خوب و زبان شیرین پاسخ منفی می داد. در برخورد با اطرافیان تکبر نشان نمی داد. کوچک ترین اختلافی با همسر خویش نداشت.^۳

ج) همدلی و همراهی متقابل

عالمان، وارثان و جانشینان پیامبران هستند.^۴ به استناد آیه ۱۲۲ سوره توبه، سه وظیفه تفقه، تبلیغ و اجرای دین از وظایف انبیا و امامان

۱. «لَوْ أَمَرْتُ أَحَدًا أَنْ يَسْجُدَ لِأَحَدٍ لَأَمَرْتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۵، ص ۵۰۸.

۲. ابراهیم رستمی؛ شاهدان بصیرت؛ ج ۲، ص ۲۱۰.

۳. مهدی مشایخی؛ پاسداران اسلام؛ ص ۷۱.

۴. شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۱، ص ۳۴.

است که پس از آنها بر عهده علمای دین نهاده شده است؛ از این رو طلبه یا روحانی در مقایسه با دیگر اصناف جامعه، رسالت و تکالیف ویژه‌ای بر عهده دارد که همسرش برای درک شرایط او به‌خوبی باید با اهداف و رسالت‌های طلبگی شوهرش آشنا باشد. طلبه و روحانی نمی‌تواند در امر تبلیغ و تحصیل خود موفق گردد، مگر اینکه همسری همراه و همدل داشته باشد. بخش عمده موفقیت مبلغان و علمای بزرگ مرهون تلاش همسران آنها در فراهم نمودن شرایط مساعد برای فتح قله‌های رفیع موفقیت و سربلندی است. علامه طباطبائی^۱ پس از تألیف اولین جلد از تفسیر المیزان، خطاب به همسر خود فرمودند: «این کتاب نتیجه زحمات شماست».^۱

بنابراین جایگاه روحانیت، مقامی نیست که در سایه آن به دنبال کسب امتیازات مادی بود یا نظیر دیگر حرفه‌ها و پیشه‌ها وسیله امرار معاش قرار بگیرد. روحانیت در اسلام به معنای آراسته‌بودن به فضیلت علم و تقوا و مجهز‌بودن برای انجام سلسله‌ای وظایف اجتماعی دینی و واجبات کفایی است^۲ و نباید علم و تقوا سرمایه دنیا طلبی قرار بگیرد.^۳

بر این اساس همسر طلبه باید خود را با شرایط و وضعیت شوهر وفق دهد و بر اساس جایگاه فردی و اجتماعی طلبه، نباید از او توقع

۱. حبیب جعفریان؛ زندگی علامه سید محمد حسین طباطبائی؛ ص ۲۵.

۲. محمد حسینی بهشتی؛ ولایت، رهبری، روحانیت؛ ص ۱۳۹.

۳. ر.ک به: محمد عالم زاده نوری؛ راه و رسم طلبگی؛ ص ۴۰ - ۴۳.

تأمین زندگی‌ای تشریفاتی را داشته باشد و گاهی نمی‌تواند در پوشش و مدیا در رفت‌وآمدها مثل دیگر زنان جامعه عمل کند؛ چراکه او در نقش همسر فردی ایفای نقش می‌کند که دارای موقعیت خاص نمایندگی دین است و جامعه در جایگاه الگوی رفتاری به او می‌نگرد.

نجمه سادات طباطبایی - دختر علامه طباطبایی - درباره همراهی و همدلی مادرش چنین نقل می‌کند که پدرم می‌فرمود:

این زن بود که مرا به اینجا رساند. او شریک زندگی من بوده است و هرچه کتاب نوشته‌ام، نصفش مال این خانم است.^۱ او ادامه می‌دهد: «مادرم مشکلات را از پدرم پنهان می‌کرد تا او با خیال راحت به تحصیل و تدریس پردازد. مادرم معتقد بود مشغول کردن فکر پدرم به مسائل غیردینی برای مادرم گناه محسوب می‌شود.^۲ همدلی و همراهی زوجین، مصادیق و مفاهیم گوناگونی دارد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. درک متقابل زوجها

زن و شوهر نسبت به یکدیگر باید دارای درکی متقابل باشند و هرکدام درد و گرفتاری طرف مقابل را بفهمند. اگر در زندگی تفاهم و درک متقابل باشد، آنگاه محبت هم بیشتر می‌شود؛ برای مثال همسر طلبه

۱. جمعی از پژوهشگران؛ گلشن ابرار؛ ص ۸۷۲.

۲. سیده نجمه طباطبایی؛ «فداکاری مثال‌زدنی همسر علامه طباطبایی (رحمه)»، خبرگزاری حوزه، ۱۳۹۴/۵/۱۵، شناسه خبر: ۳۵۵۸۱۶.

باید بداند لباس روحانیت نماد دین، معنویت، اخلاق، علم و کارشناسی دین است و کسی که با طلبه ازدواج می‌کند، در حقیقت با ملاحظه و در نظر گرفتن این شرایط وارد زندگی مشترک با او می‌شود و آگاهانه محدودیت‌هایی را می‌پذیرد؛ البته ممکن است فرصت‌ها و منافع معنوی زیادی نیز به دست آورد. بنابراین لباس روحانیت از آن‌رو که لباس دین و منتسب به معصومین علیهم‌السلام است، بسیار ارزشمند می‌باشد و روحانی و همسرش باید حرمت آن را پاس دارند.

همچنین از مصادیق درک متقابل زوج‌ها، یاری و همراهی با شوهر است. همسر روحانی پس از درک جایگاه و شرایط کاری شوهر خود، در واقع گام در مسیری مقدس و جهادی نهاده است که اگر به این هدف و راه مقدس ایمان نداشته باشد، هرگز نخواهد توانست از گردنه‌های پرپیچ‌وخم و صعب‌العبور این مسیر سخت و طاقت‌فرسا عبور کند. گاهی همراهی با شوهر به معنای تنظیم خواسته‌ها و سطح انتظارات خود با توان مالی و موقعیت اجتماعی شوهر است. در خاطرات همسر شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی رحمه‌الله می‌خوانیم:

هنگامی که ایشان به قم رفته بود، به دلیل ناتوانی مالی نتوانسته بود همسرش را با خود ببرد. همسرش نیز با صرفه‌جویی، زندگی را با سختی و تنهایی در اصفهان سپری می‌کرد تا ایشان بتواند در قم درس بخواند.^۱

۱. مجله «شاهد یاران»؛ ش ۴۴، سال ۱۳۸۸، ص ۳۷.

همسران افزون بر همراهی و همکاری در امور زندگی، می‌توانند در مسائل معنوی و روحانی نیز یاور یکدیگر باشند. چنان‌که وقتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از امام علی علیه السلام درباره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام سؤال کردند، عرض کرد: «او خوب‌یاوری در طاعت و بندگی خداوند است».^۱

یکی از ویژگی‌ها و امتیازهای زندگی با شوهر طلبه، برخورداری از امتیاز معنوی و اخلاقی او در راستای کسب معلومات دینی است. شوهر می‌تواند در برابر خدمات و زحمات همسرش، او را در مسائل دینی و معنوی راهنمایی نماید. رهبر معظم انقلاب به زوج‌های جوان می‌فرماید:

به هم کمک کنید، خصوصاً در امر دین. اگر می‌بینید طرف شما، شوهر یا زن شما کاهل نماز است؛ به نماز کم‌اهمیت می‌دهد، به راست‌گویی کم‌اهمیت می‌دهد، به مال مردم کم‌اهمیت می‌دهد؛ به جای اینکه دعوا و اوقات تلخی بکنید یا منتقدانه به کناری بروید و هی نق بزنید، سعی کنید او را بیدار کنید؛ به او بفهمانید و کمک کنید که خودش را اصلاح کند. اگر می‌بینید که در امر محرم و نامحرم یا در مسئله پاک و نجسی، انسان بی‌مبالات و بی‌اعتنایی است، او را آگاه کنید و کمک کنید که خوب شود.^۲

۱. «فَسَأَلَ عَلِيًّا كَيْفَ وَجَدْتَ أَهْلَكَ قَالَ نِعَمَ الْعَوْنُ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ»؛ محمدباقر

مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۳، ص ۱۱۷.

۲. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳/۰۶/۱۳۷۴.

خانمی که از صمیم قلب حاضر به کمک کردن به شوهرش است، باید کارهای خانه را طوری تنظیم کند که وقت اضافه برای رفع کردن نیازهای همسرش داشته باشد؛ حتی اگر مرد به این همیاری نیازی نداشته باشد. همین اندازه که زن به گرفتاری‌های کاری او واقف باشد و تفاهم و همیاری خود را ابراز نماید، سبب ایجاد صمیمیت و تفاهم بیشتر در زندگی خواهند شد. همسر شهید نواب صفوی درباره درک صحیح و همراهی با شوهرش در مسیر سخت جهاد و شهادت می‌گوید:

در این هشت سال زندگی پرماجرا با نواب من یک بار هم معترض نشدم که من تا کی باید مخفی بمانم و استقلال نداشته باشم؟ بلکه همواره مطیع بودم. اگر زندگی برای جلب رضای خدا باشد، راحت می‌گذرد.^۱

۲. همراهی و کمک در کارها

یاری و کمک به زن در انجام امور منزل، یکی دیگر از عوامل تحکیم روابط همسران و از جلوه‌های تعاون و همکاری زوجین است؛ اموری نظیر پخت‌وپز، نظافت، رسیدگی به بچه‌های خردسال، رسیدن به امور درسی فرزندان، برگزاری و پذیرایی از مهمان‌ها و نظافت خانه، از کارهای دشواری است که در خانه بر عهده زن است؛ بنابراین کمک مرد به زن می‌تواند افزون بر تحکیم روابط

۱. «روایت همسر شهید سید مجتبی نواب صفوی از زندگی مخفی تا هشدار به رزم‌آرا»؛ خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۳/۱۰/۳۰، شناسه خبر: ۶۲۴۶۴۷.

بیشتر بین همسران، موجب آثار و برکات دنیوی و اخروی شود. اسلام به مردی که در کارهای منزل به همسر خود کمک کند، پاداش بزرگی را وعده می‌دهد. رسول خدا ﷺ هنگامی که علی علیه السلام را در حال کمک به حضرت زهرا علیها السلام در امور منزل مشاهده کردند، فرمودند:

کسی که به همسر خود کمک کند، خداوند به شماره موهای بدن او ثواب یک سال عبادت می‌نویسد و ثواب شهید را به او می‌دهد. ای علی! یک ساعت خدمت در خانه، بهتر است از عبادت هزار سال، هزار حج، عمره و... هزار گرسنه که سیر کند و هزار دینار که بخشش کند... و از دنیا خارج نمی‌شود مگر آنکه جایگاه خود را در بهشت می‌بیند.^۱

روایات بسیاری گویای مشارکت و همیاری امامان معصوم علیهم السلام با همسر خود در امور خانه، برجای مانده است؛ حتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، آن بزرگ‌مرد یگانه و عظیم‌الشان عالم هستی با وجود مسئولیت سنگین رسالت و مشغله‌های فراوان سیاسی و اجتماعی، در خانه کار می‌کردند و اهمیت مسئله هدایت جامعه ایشان را از اهتمام به امور خانه و خانواده باز نمی‌داشت. امام علی علیه السلام درباره برنامه‌ریزی پیامبر صلی الله علیه و آله در منزل می‌فرماید:

پیامبر صلی الله علیه و آله چون به خانه‌اش می‌رفت، اوقات خود را به سه بخش تقسیم می‌کرد؛ بخشی را برای عبادت، بخشی را برای خانواده و

۱. ملامهدی نراقی؛ جامع السعادات؛ ج ۲، ص ۱۴۲.

بخشی را به خود اختصاص می‌داد؛ سپس بخشی را که به خود اختصاص داده بود، میان خود و مردم تقسیم می‌کرد و همگان را می‌پذیرفت.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از وقت خود برای کمک به دیگران به‌ویژه اهل خود مضایقه نمی‌کردند. روزی ایشان به خانه علی و فاطمه علیهما السلام وارد شد. دخترش را دید که همراه علی علیه السلام در حال تهیه آرد با آسیاب دستی است. حضرت فرمودند: «کدام خسته‌تر هستید؟» علی علیه السلام فرمود: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! فاطمه علیهما السلام خسته‌تر است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «دخترم بلند شو تا من به جای شما کمک کنم».^۲

در سیره خانوادگی شهدای روحانی، خاطراتی از زبان همسران آنها مشاهده می‌شود که گویای اقتدای شهدای روحانی به سیره عملی اهل بیت علیهم السلام در رسیدگی به امور خانه و کمک‌کردن به همسرشان می‌باشد. همسر شهید حجت‌الاسلام مهدی شاه‌آبادی در این باره می‌گوید: «به خاطر شرایطی که حاج‌آقا داشت، خانه‌مان پررفت‌وآمد بود، گاهی اوقات حتی ساعت دوازده شب هم برای‌مان مهمان می‌آمد. بیشتر وقت‌ها خودش در کارها کمکم می‌کرد تا کمتر

۱. محمد بن سعد بغدادی؛ طبقات الکبری؛ ج ۱، ص ۴۳۳.

۲. «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَلَى عَلِيٍّ علیه السلام فَوَجَدَهُ هُوَ وَ فَاطِمَةَ علیهما السلام يَطْحَنَانِ فِي الْجَارُوشِ [الْجَاوِزِ] فَقَالَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله أَيُّكُمَا أَغْيَا؟ فَقَالَ عَلِيٌّ علیه السلام فَاطِمَةُ علیهما السلام يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. فَقَالَ لَهَا قُومِي يَا بَنِيَّةَ فَقَامَتْ وَ جَلَسَ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله مَوْضِعَهَا مَعَ عَلِيٍّ علیه السلام فَوَاسَاهُ فِي طَحْنِ الْحَبِّ»؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۳، ص ۵۰ و ۵۱.

خسته شوم. کارهایی که از دستش بر می آمد را بهش می دادم تا انجام دهد.^۱

همسر طلبه شهید محمد قائم پناه نیز درباره همکاری و کمک او در کارهای خانه می گوید: «محمد گاهی اوقات در کارهای منزل به من کمک می کرد تا من هم به درس هایم برسم. او قائل به این بود که کار خانه فقط مربوط به زن نیست و زن هم باید در زمینه علم پیشرفت کند؛ چرا که ارزش همه چیز به علم است».^۲

نکته قابل توجه اینکه مردها هرگز نپندارند کارهای بیرون از منزل با ارزش تر و کارهای درون خانه بی ارزش است. بر اساس باوری غلط، برخی از مردها گمان می کنند کار کردن مرد در خانه، کم اهمیت و سبب سبک شدن مرد می شود؛ در حالی که این مسئله بر نفوذ و محبوبیت او در دل ها می افزاید و رضای خدا را در پی دارد. یکی از کسانی که با پشت پازدن به این باور غلط در کارهای خانه نقش آفرینی می کرد و همسرش را در فعالیت ها یاری می کرد، شهید محبوب شیری بود. در احوال این شهید روحانی آمده است: «او در امور زندگی از نظم و انضباط چشمگیری برخوردار بود. در کارهای منزل به همسر خود کمک می کرد و به او احترام می گذارد. او را بزرگ می شمرد و معتقد بود او در ثواب همه فعالیت های اجتماعی اش شریک است».^۳

۱. محمد بهمنی؛ سنگ صبور همه؛ ص ۲۶.

۲. ابراهیم رستمی؛ شاهدان بصیرت؛ ج ۲، ص ۲۱۰.

۳. همان، ص ۲۳۱.

باید توجه داشت ارزش کارها به محیط نیست، بلکه انگیزه‌های الهی و انسانی، تلاش و مجاهدت همراه با اخلاق و نتیجه عملی آن سبب ارزشمندی امور است. مردان باید به همسران‌شان تلقین کنند کار آنها برایشان بسیار ارزشمند و بااهمیت است و اگر به دلیل مشغله زیاد و مسئولیت سنگین نمی‌توانند عملاً به همسر خود در کارها کمک کنند، دست‌کم نیت و علاقه خود را ابراز نمایند یا با انجام امور شخصی و حفظ نظافت و تمیزی محیط خانواده، زحمت او را کم کنند تا هم بر لطف و شادکامی زندگی بیفزایند و هم زن از حمایت فکری آنها احساس دلگرمی نماید.^۱

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما وارد شد و فاطمه علیها السلام کنار دیگی نشسته (مشغول آشپزی) بود و من عدس پاک می‌کردم. فرمود: ای ابالحسن! من سخن نمی‌گویم مگر از جانب پروردگارم؛ هیچ مردی نیست که همسرش را در خانه یاری دهد مگر اینکه برای او عبادتی بسیار فراوان از روزه و شب‌زنده‌داری به شمار می‌آید»^۲ و در پایان فرمود: «ای علی! به عیال خدمت نمی‌کند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خدا برایش خیر دنیا و آخرت را خواسته باشد».^۳

۱. محمدرضا شرفی؛ برگرفته از: خانواده متعادل؛ ص ۹۱ و ۹۲.

۲. «دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ فَاطِمَةُ علیها السلام جَالِسَةٌ عِنْدَ الْقِدْرِ وَ أَنَا أَنْقِي الْعَدَسَ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام قُلْتُ لَبَّيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَالَ اسْمَعْ مِنِّي وَ مَا أَقُولُ إِلَّا مِنْ أَمْرِ رَبِّي مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ عِبَادَةٌ سَنَةٍ صِيَامٍ نَهَارَهَا وَ قِيَامٍ لَيْلُهَا...»؛ محمد بن محمد شعیری؛ جامع الاخبار؛ ص ۱۰۲.

۳. همان، ص ۱۰۳.

درباره یاری دادن به همسر در کارهای خانه، همچنین دختر شهید حجت الاسلام عبدالحسین مبشر خاطره‌ای را از رفتار پدر شهیدش نقل می‌کند: «به خاطر اینکه منزل مان پررفت و آمد بود، بابا دائم از مادر عذرخواهی می‌کرد. گاهی اوقات که مادر خسته می‌شد، بابا در اتاق را می‌بست تا مادر استراحت کند. هیچ وقت نشد بابا به مادر بگوید تا برایش چای بیاورد؛ خودش کارهایش را انجام می‌داد».^۱

گاهی در برهه‌هایی از زندگی زن به کمک و یاری شوهر خود می‌شتابد. سیره عالمان مجاهد و شهدای روحانی که خود سرآمد عمل به تکالیف شرعی و رسالت حوزوی بودند، مملو از تجلی این صفت پسندیده زندگی مشترک یعنی «همدلی و درک متقابل» در امور زندگی است. همسر آیت‌الله شهید قدوسی در این باره می‌گوید:

در اوایل ازدواج مان بسیار فعال و درس خوان بود و بدون اینکه خستگی احساس کند، حتی در روزهای تعطیل یک‌سره مشغول تحصیل و مطالعه بود. ما نیز با این شرایط ایشان کنار آمده بودیم و به این وضع عادت کرده بودیم. من هم سعی می‌کردم در هر کاری که می‌توانم به ایشان کمک بکنم... از خرداد سال ۴۲ با شروع فعالیت‌های سیاسی و فرهنگی، کارهای ایشان بیشتر شد؛ به نحوی که در شبانه‌روز بیش از ۳ یا ۴ ساعت استراحت نمی‌کرد. من در این میان سعی می‌کردم تا محیط خانه، محیطی مساعد برای مهیاشدن هر لحظه ایشان برای کارهای بیرون از منزل باشد.^۲

۱. رمضان تیموری؛ مبشر شهادت؛ ص ۷۱.

۲. صیفار محمدی؛ مشق عشق؛ ص ۳۲.

برای روشن شدن ارزش و فضیلت کارکردن زن در خانه و نیز کمک در کارهای شوهر به حدیثی اشاره می‌کنیم. زنی به رسول خدا ﷺ عرض کرد: «خدمت کردن زن در خانه شوهر چه فضیلتی دارد؟» حضرت ﷺ در پاسخ فرمودند: «در مقابل هر کاری که برای اداره امور منزل انجام دهد، خدا نظر لطفی به او می‌فرماید و کسی که مورد نظر خدا واقع گردد، مورد عذاب قرار نخواهد گرفت».^۱

همچنین ایشان ثواب کوچک‌ترین کارهای زن را برابر با بزرگ‌ترین اعمال دانسته و فرمودند: «زنی که جرعه‌آبی به دست شوهرش بدهد، بیش از یک سال عبادت (مستحب) که روزها روزه و شب‌هایش مشغول نماز بوده، ثواب دارد».^۲

همسر شهید ردانی‌پور درباره همراهی با همسر خود و اینکه در کارهای شخصی چگونه به او کمک می‌داده است، خاطره‌ای را نقل می‌کند:

موقع اعزام بود. ماشین آمده بود دم در، دنبالش. پوتین‌هایش را واکس زده بودم. ساکش را بسته بودم. تازه سه روز بود که مرد زندگیم شده بود. تندتند اشک‌های صورتم را با پشت دست پاک می‌کردم. مادر آمد. گریه می‌کرد. گفت: «مادر حالا زود نبود بری؟ آخه تازه روز سومه ازدواجته».....^۳

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۳، ص ۲۰۱.

۲. «مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ عِبَادَةِ سَنَةِ صِيَامٍ نَهَارَهَا وَ

قِيَامِ لَيْلِهَا»؛ حسن بن ابی الحسن دیلمی؛ ارشاد القلوب؛ ج ۱، ص ۱۷۵.

۳. نفیسه ثابت؛ یادگاران ۸: کتاب ردانی‌پور؛ ص ۹۲.

نمونه‌های عینی و خاطراتی که در سیره شهدا نمایان است، در حقیقت مصداق مضامین و کلام نورانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «هر زنی هفت روز به همسرش خدمت کند، خدا هفت در آتش دوزخ را بر وی می‌بندد و درهای هشت‌گانه بهشت را به رویش می‌گشاید که از هر یک خواست، وارد شود». ^۱ همچنین ام سلمه از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: «ارزش خدمت زنان به شوهران‌شان چیست؟ آن حضرت فرمود: هیچ زنی از خانه همسرش چیزی را به قصد اصلاح جابجا نمی‌کند، مگر اینکه خدا به وی نظر رحمت افکند و هر کسی که خدا به وی نظر رحمت کند، عذابش نخواهد کرد». ^۲

(د) آرامش‌بخشی و تکیه‌گاه‌بودن

یکی از اصول مهم همسررداری در قرآن کریم، آرامش‌بخشی است. اصلی که در واقع دلیل آفرینش همسر بوده و فلسفه ازدواج نیز دستیابی به آن است. قرآن کریم رابطه و نقش تکمیلی زن و مرد در چارچوب نهاد خانواده را سبب سکون و آرامش طرفین در فضایی آکنده از مودت و مهربانی می‌شمارد و می‌گوید: «و از نشانه‌های او

۱. «أَيُّمَا امْرَأَةٍ خَدَمَتْ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ غَلَقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَفَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيِّنَمَا شَاءَتْ»؛ ابن ابی جمهور؛ عوالی اللئالی؛ ج ۱، ص ۲۷۰.

۲. «سَأَلْتُ أُمَّ سَلَمَةَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله عَنْ فَضْلِ النِّسَاءِ فِي خِدْمَةِ أَزْوَاجِهِنَّ فَقَالَ أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئًا مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحًا إِلَّا نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ»؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰۰، ص ۲۵۱.

این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان‌تان مودت و رحمت قرار داد.^۱

برخی می‌پندارند آرامش تنها با آسایش به دست می‌آید؛ به همین دلیل از آرامش خود هزینه می‌کنند تا به آسایش برسند. غافل از اینکه آرامش گم‌شده بشر است. هیچ‌کسی منکر نیاز انسان به آسایش نیست؛ ولی آسایش مقدمه‌ای برای رسیدن به آرامش است. قرآن کریم راه رسیدن به آرامش را «یاد خدا» معرفی کرده و می‌فرماید: «آنها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن و آرام است. آگاه باشید، با یاد خدا، دل‌ها آرامش می‌یابد».^۲

خداوند «همسر» را همانند یاد خدا، موجب آرامش و اطمینان خاطر معرفی کرده و می‌فرماید: «او خدایی است که همه شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاسایید».^۳

در ادامه نوشتار به برخی از مصادیق آرامش‌بخشی همسر خواهیم پرداخت.

۱. برطرف کردن غم و غصه

انسان نیازهای متنوعی دارد که برخی از آنها جسمی و بعضی دیگر

۱. روم: ۲۱.

۲. «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»؛ رعد: ۲۸؛

محمد بن حسن طوسی؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱، ص ۲۶۹.

۳. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»؛ اعراف:

روحی است. نیاز انسان به امنیت، امید، احترام، محبت و امور جنسی از این جمله‌اند. آرامش نیز یکی از مهم‌ترین این نیازها به شمار می‌آید که نقش همسر در تأمین آنها چشم‌گیر و بی‌نظیر است. بی‌پاسخ ماندن این نیازها، سبب اضطراب، ناامیدی و افسردگی می‌شود. در این باره امام علی علیه السلام درباره حضرت زهرا علیها السلام فرمود: «من هر گاه به فاطمه نگاه می‌کردم، غم و غصه‌هایم زائل می‌گردید».^۱ همچنین امام صادق علیه السلام از رسول خدا نقل کرده است که فرمود: «مرد مسلمان بعد از اسلام از هیچ چیز بیش از همسر مسلمانی که وقتی به او نگاه می‌کند شاد شود، بهره نمی‌برد».^۲

انسان همواره بی‌قرار و ناآرام است و جز با همسوس شدن با قطب‌نمای الهی خداوند متعال امکان درک آرامش را نخواهد یافت؛ پس خداوند زوجها را آفرید تا سبب آرامش یکدیگر باشند. یکی از این همسران آسمانی و آرامش‌بخش، شهید میثمی است که همیشه مراقب بود در زندگی چیزی موجب ناراحتی و غمناک شدن همسرش نشود. همسر شهید می‌گوید: «یک روز که پسر بچه‌هایم هادی و حسین با هم دعوا می‌کردند و موهای همدیگر را می‌کشیدند، عبدالله به من گفت ... آماده‌شان کن، بیرم‌شان بیرون ... یک ساعت

۱. «وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنَكَّشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ»؛ علی بن عیسی اربلی؛

کشف الغمه؛ ج ۱، ص ۱۳۹۲.

۲. «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ الْإِسْلَامِ أَفْضَلَ مِنْ زَوْجَةٍ مُسْلِمَةٍ تَسْرُهُ إِذَا نَظَرَ إِلَيْهَا وَ

تَطِيعُهُ إِذَا أَمَرَهَا وَتَحَفُّظُهُ إِذَا غَابَ عَنْهَا فِي نَفْسِهَا وَمَالِهِ»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج

۵، ص ۳۲۷.

بعد آمد. سر دو تاشان را کچل کرده بود. گفت: نمی خواهم تو حرص بخوری».^۱

۲. ایجاد انرژی و نشاط در محیط خانه

همسر بی حال و کسل هیچ گاه نمی تواند نقش شوهرداری و خانه داری و حتی فرزندداری خود را به خوبی ایفا کند. خانواده ای که در آن نشاط و انرژی مثبت نباشد، به موفقیت و پایداری نخواهد رسید. امام کاظم علیه السلام در این باره می فرماید: «از تنبلی و بی حوصلگی پرهیز؛ زیرا این دو خصلت تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارند».^۲

زن و شوهر هر دو در ایجاد نشاط و شادابی در خانه نقش تعیین کننده ای دارند. از عوامل ایجاد این نشاط در خانه می توان به مثبت نگری، برجسته کردن نقاط قوت یکدیگر، نادیده گرفتن عیوب همدیگر، مقایسه نکردن زن با زنان دیگر و مرد با مردان دیگر اشاره کرد.

درباره پرهیز از تندخویی و دوری از کسالت و بی حوصلگی به سیره شهید میثمی اشاره می شود که همواره دیگر رزمندگان و پاسداران را به داشتن نشاط و رسیدگی به همسر و خانواده خود سفارش کرده و در یکی از سخنرانی هایش به آنها این گونه توصیه می کند:

با کتک و زور نمی شود تربیت کرد. با رفتار آرام و با برخورد اخلاقی و تدبیر خود ما است که می توانیم زن های مان را تربیت

۱. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۸۵.

۲ «إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ محمدباقر

مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۵، ص ۳۲۱.

اسلامی کنیم تا در مسائل خانوادگی حقیقتاً زن «پاسدار» باشند. درست است که بچه‌های سپاه خودشان را وقف سپاه کرده‌اند و کمتر به خانواده‌های‌شان می‌رسند؛ اما اگر هفته‌ای یک ساعت هم می‌رسید، باید این یک ساعت را درست برسید، نه اینکه این یک ساعت را با تندخویی و بداخلاقی وارد خانه شوید.^۱

خانه جایی است که کودکان و والدین با فضای گرم آن پیوند می‌خورند و مهر و محبت زوج‌ها در آن شکوفا می‌شود و این را می‌توان با نگاه به سیره دیگر شهدای روحانی به زیبایی درک کرد. در واقع خانه محل پرورش فرزندان و تعالی خانواده است و در خانه انسان به آرامش روحی و آسایش جسمی می‌رسد. دیگر افراد خانواده نیز هنگامی در خانه احساس نشاط و آرامش می‌کنند که همسر بتواند فضایی آرام و صمیمی در آن حاکم کند.

ه) سازش و مدارا در زندگی

اسلام دین رفق و مدارا و مخالف سختگیری و ناسازگاری است و بر ترویج این روحیه تأکید بسیار می‌کند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله درباره سازگاری با شوهر فرمودند: «جهاد زن، خوب شوهرداری است».^۲ همچنین یکی از مباحث مهم «روانشناسی خانواده»، مسئله سازگاری و مدارا با همسر است و دوام و سلامت نظام خانواده در

۱. جواد محدثی؛ شمع محفل خاتم؛ ص ۱۳۵.

۲. شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۴۳۹؛ صبحی صالح؛ نهج البلاغه؛ ص ۴۹۵، حکمت ۱۳۶.

گرو تحقق و حاکمیت این اصل مهم، بر روابط همسری است. در حقیقت سازش و مدارا یکی از عمده‌ترین وظایف مشترک زوجین به حساب می‌آید که در لغت به معنای ملاطفت، نرمی، ملایمت و احتیاط کردن آمده است.^۱

اگر مردی در پی یک زندگی شیرین و عاشقانه است، باید با همسر خود در همه حال مدارا کند. همسران بدون رفق و مدارا نمی‌توانند از زندگی خود بهره ببرند؛ زیرا مدارا بیشترین تأثیر را در اصلاح یا کاستن ناسازگاری آنها دارد. از این‌رو امیر مؤمنان علیه السلام در وصیت به محمد حنفیه فرمود: «به‌راستی زن ریحانه (شاخه گل) است و قهرمان نیست؛ پس در هر حال با وی مدارا کن و همراهی نیکو داشته باش تا زندگی‌ات باصفا گردد».^۲

افزون بر تأکید اسلام بر این موضوع، در قانون مدنی نیز زن و شوهر مکلف به حسن معاشرت با یکدیگرند.^۳ بدیهی است که با سازگاری زن و مدارای شوهر، خودمحموری‌های زورمدارانه کنار گذاشته می‌شود و پایه‌های زندگی مستحکم می‌گردد و در پرتو این تعامل و وفق است که سرنوشت نیکویی برای همسران رقم خواهد خورد.

۱. ابن منظور؛ لسان العرب؛ ج ۱۴، ص ۲۵۵.

۲. «... فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ فَدَارِهَا عَلَى كُلِّ حَالٍ وَ أَحْسِنِ الصُّحْبَةَ لَهَا لِيُضْفَوْ عَيْشُكَ»؛ شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۴، ص ۵۵۶.

۳. اصل ۱۱۰۳ قانون مدنی به نقل از: منصور جهانگیر؛ قانون مدنی با آخرین اصلاحیه‌ها و الحاقات؛ ص ۱۸۸.

مقام معظم رهبری معتقدند همسری نقشی است بسیار بااهمیت و سرنوشت‌ساز؛ هم برای خود همسران، هم برای فرزندان، هم برای خانواده و هم برای جامعه و در این باره می‌فرمایند:

خیلی از زن‌ها هستند که شوهر خودشان را بهشتی می‌کنند. خیلی از مردها هستند که همسر خود را حقیقتاً سعادتمند می‌کنند. موارد عکس این هم هست. ممکن است مردهای خوبی باشند، زن‌های‌شان آنها را اهل جهنم کنند و زن‌های خوبی باشند که مردهای‌شان آنها را اهل جهنم کنند. اگر چنانچه زن و مرد هر دو توجه داشته باشند، با توصیه‌های خوب، با همکاری‌های خوب، با مطرح کردن دین و اخلاق در محیط خانه، آن هم بیشتر از مطرح کردن زبانی، مطرح کردن عملی، این طور یکدیگر را کمک می‌کنند. آن وقت زندگی کامل و حقیقتاً وافی و شافی خواهد شد.^۱

متأسفانه باوجود سفارش و تأکیدهای موجود، همچنان خانواده‌ها و جامعه با خلأهای معرفتی در این حوزه مواجه بوده و نیازمند معیار و الگوهای صحیح و مبتنی بر اخلاق اصیل اسلامی پیرامون همسررداری می‌باشند. به‌یقین با خوشه‌چینی از خرمن خاطرات و سرچشمه زلال سیره شهدای روحانی می‌توان بهترین مصادیق عینی برای رفتار مداراگونه با همسر را کشف و معرفی کرد.

۱. بیانات در مراسم خطبه عقد، ۱۳۷۷/۱۲/۱۱.

۱. قناعت و سادگی

ساده‌زیستی و قناعت رمز پیروزی در تنگناهای مادی زندگی و از اوصاف انبیا، امامان و اولیای خدا است. کسی که اهل زیاده‌خواهی، اسراف و تجملات باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند نفس خود را اقناع کند و همواره چشمش به مال دنیا و دلش به دنبال کسب مطامع مادی است و در این راه از هیچ جرم و جنایت و تعدی از حدود الهی دریغ نمی‌کند. مردم انقلابی، رزمندگان و شهدا در دوران انقلاب، دفاع مقدس و پس از آن اثبات کردند در اوج تحریم‌ها و کمبودها با استقامت و قناعت می‌توان از گردنه‌های دشوار عبور کرد. یکی از افراد اسوه در این زمینه، شهید حجت‌الاسلام مهدی شاه‌آبادی است که همسرش درباره قناعت و ساده‌زیستی ایشان می‌گوید:

از هر چیزی به بهترین وجه استفاده می‌کرد. نه تنها خودش مواظب بود، بلکه دیگران را هم به همین کار توصیه می‌کرد. گاهی اوقات که از باقیمانده غذای قبل در منزل بود، هرگز از غذای تازه‌ای که درست کرده بودم، نمی‌خورد. از تشریفات گریزان بود؛ نه اینکه به خاطر مسائل مالی باشد، بلکه به خاطر اسراف‌بودن و اینکه بیش از حد نیاز است، مخالفت می‌کرد. به بچه‌ها یاد می‌داد باید با کم‌ترین امکانات زندگی کنید و عادت کنید به داشتن کمترین چیزها؛ زیرا اگر آنهایی که ندارند ببینند، غبطه می‌خورند. به خاطر همین عقیده‌ای که داشت، کوچک‌ترین امکانات اضافی در منزلش وجود نداشت.^۱

۱. محمد بهمنی؛ سنگ صبور همه؛ ص ۲۴.

برخی از شهدای روحانی معتقد بودند همسر و فرزندان‌شان نیز وظیفه دارند و باید در امر هجرت و تبلیغ آنها را همراهی کنند؛ بنابراین در همه سفرهای تبلیغی حتی در ایام اعزام به مناطق گرم کشور خانواده را با خود می‌بردند. یکی از این شهدا حجت‌الاسلام میثمی بود که هر جا می‌رفت، خانواده‌اش را با خود می‌برد. همه وسایل زندگی‌شان بیش از ظرفیت یک وانت نبود. گوشه اتاق چند جعبه مهمات بود که داخل آنها می‌گذاشتند و یک یخدان به جای یخچال. در گرمای جنوب فقط یک پنکه داشتند. اتاق کارش از این هم ساده‌تر بود، مثل حجره دوره طلبگی‌اش.^۱

از دیگر شهدای ساده‌زیست که در استفاده از سرمایه‌های مادی دنیا بسیار اهل مراعات شرعی بود، شهید روحانی سیدهادی طباطبایی نسب است که در نهایت احتیاط، امساک و سادگی زندگی می‌کرد. با اینکه یکی از سخت‌کوش‌ترین طلبه‌ها بود، گاهی نیمی از شهریه را نمی‌گرفت و می‌گفت: «ما درس خوان نیستیم که شایسته شهریه گرفتن باشیم؛ چون سیدیم و فقیریم از بابت خمس، مختصری از این پول را می‌پذیریم؛ وگرنه معلوم نیست بتوانیم جوابگوی آن در قیامت باشیم».^۲

قناعت و صرفه‌جویی را می‌توان در سیره بزرگان و شهدای دیگر روحانی به‌طور برجسته‌ای ملاحظه کرد. شهید آیت‌الله مدنی در همه

۱. نک به: همان، ص ۵۱.

۲. ابراهیم رستمی؛ شاهدان بصیرت؛ ج ۲، ص ۱۸۷.

جنبه‌های زندگی خود به صرفه‌جویی پایبند بود و به مردم اطراف خود توجهی ویژه داشت. ایشان در اوایل جنگ تحمیلی که مردم با کمبود نفت روبرو بودند، در سرمای شدید تبریز با پوشیدن پوستین روزگار می‌گذراند و زمانی که مردم نمی‌توانستند گوشت بخرند، نیز گوشت نمی‌خورد. ایشان دربارهٔ دامادهای‌شان نیز برخلاف معمول جامعه که هنگام عقد دربارهٔ شغل و مسائل مادی داماد بحث می‌کنند، مقید بود دامادها طلبه‌هایی درس‌خوان و متقی باشند. یکی از دامادهای شهید مدنی می‌گوید:

نکته اخلاقی و آموزنده‌ای که از ایشان هنگام عقد ازدواج دخترشان به خاطر دارم این بود که شرط کردند یک دوره رساله توضیح المسائل را به خانواده‌ام درس بدهم.^۱

همچنین دربارهٔ ساده‌زیستی شهید آیت‌الله دستغیب آورده‌اند: «در خانه‌ای کوچک و ساده می‌زیست و از هرگونه تجمل دوری می‌کرد. فرش خانه‌اش بسیار ساده بود. خوراکش نیز کمتر از یک نان بود که آن را با پیاز و نمک و گاه اندکی پنیر می‌خورد و از خوردن گوشت پرهیز داشت».^۲

۲. ایثار و فداکاری

یکی از مصادیق قناعت و مدارا کردن در زندگی مشترک، ایثار و

۱. گروهی از نویسندگان؛ شهیدان محراب؛ ص ۲۰ - ۲۱، راوی: حجت‌الاسلام بروجردی داماد شهید مدنی.

۲. جمعی از پژوهشگران؛ گلشن ابرار؛ ج ۲، ص ۸۷۸.

از خودگذشتگی زوجها است. ایثار و فداکاری از مفاهیم پرارزش در تمامی جوامع و حتی جامعه‌های برخوردار از فرهنگ دینی سطحی است. ایثار به معنای بخشش و جود با وجود احتیاج و ضرورت خود است^۱ و این نهایت درجه سخاوت می‌باشد. فداکار نیز به کسی می‌گویند که خود یا مال خویش را در راه دیگری فدا کند.^۲ این صفت را حتی افرادی که قائل به عالم غیب نیستند یا به عبارتی «لاییک و ماده‌گرا» هستند، از فضایل اخلاقی دانسته و دارنده این صفت را تمجید و ستایش می‌کنند. با رجوع به آیات قرآن و روایات معصومین علیهم‌السلام خواهیم دید دین اسلام از ایثار و فداکاری در جایگاه صفتی نیکو یاد کرده و پیوسته بر آن تأکید کرده است. امام علی علیه‌السلام نیز ایثار و فداکاری را بهترین کرامت اخلاقی برای انسان می‌دانند.^۳

از سوی دیگر در برابر ایثار، انحصارطلبی و خودپرستی است. هرچه ایثار در پیوند زناشویی و تحکیم روابط بین زن و شوهر سودمند و سازنده است، خودخواهی و انحصارطلبی، زیان‌بار و برهم‌زننده وحدت و انسجام خانواده است. ایثار این صفت پسندیده و الهی از زمره اوصاف بارز شهدای روحانی به حساب می‌آید؛ دختر روحانی شهید شیخ عباس شیرازی درباره بزرگواری، گذشت و

۱. ملا احمد نراقی؛ معراج السعاده؛ ص ۴۰۹.

۲. دهخدا؛ لغت‌نامه، ذیل واژه «فداکار»؛ عمید؛ فرهنگ فارسی؛ ذیل واژه «فداکار».

۳. تمیمی آمدی؛ غررالحکم و درر الکلم؛ ص ۳۵۴.

مدارای پدرش با خانواده و دیگران می گوید:

هیچ وقت خشم پدرم را ندیدیم. گاهی اگر ناراحت هم می شد، عصبانیتش را ندیدیم. یک بار رفتیم خرید عروسی دایی، پدرم ما را برد و گفت که منتظر می شود تا ما خرید کنیم و برگردیم. خب، خرید عروسی بود و ما داخل یک پاساژ رفته بودیم. خیلی طول کشید، راستش کمی بیشتر از خیلی؛ وقتی برگشتیم، پدر در ماشین مطالعه می کرد. ما را که دید، نگرانی در چهره اش مشخص بود؛ ولی چیزی نگفت و به روی مان نیاورد.^۱

افزون بر سیره شهدای انقلاب و دفاع مقدس، تاریخ اسلام لبریز از نمونه های بارز ایثار و از خودگذشتگی است. مقام معظم رهبری دام ظلّه ضمن سخنانی، روایتی به نقل از امام حسن علیه السلام این گونه نقل می کنند:

شب جمعه ای مادرم به عبادت ایستاد و از سر شب تا وقتی که طلوع فجر شد، مشغول عبادت بود و دعا و تضرع کرد. شنیدم که دائم برای مردم و برای مسائل عمومی دنیای اسلام دعا کرد. صبح که شد گفتم: مادرم! یک شب تا صبح برای همه دعا کردی؛ اما حتی یک دعا برای خودت نکردی؟! مادرم در جواب فرمود: "اول دیگران، بعد خودمان"^۲ این، آن روحیه والاست؛ روحیه ای که نیاز

۱. محمد علی قربانی؛ سردار خطیب: سیری در زندگی شهید شیخ عباس شیرازی، ص ۱۵۴؛ به نقل از فاطمه شیرازی، دختر شهید.

۲. «یا بُنَّتِی! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ»؛ محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۴۳، ص ۸۲.

دیگران را به نیاز خود مقدم می‌دارد.^۱

درباره ثروت حضرت خدیجه علیها السلام نوشته‌اند: شتران بسیاری اموال تجاری او را حمل و نقل و غلامان و کنیزانی امور اقتصادی و شخصی او را اداره می‌کردند.^۲ با این همه او بلافاصله بعد از ازدواج با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، نزد عمویش ورقه بن نوفل رفت و اموال فراوانی به او داد و گفت: اینها را نزد محمد صلی الله علیه و آله ببر و بگو این اموال هدیه به شماست و هرگونه بخواهی در آنها تصرف کن و هرچه غلام و کنیز و ثروت و ملک دارم، همه را به احترام حضرت به او بخشیدم. ورقه بن نوفل نیز کنار کعبه آمد و گفت: ای عرب! بدانید و گواهی دهید که این کار خدیجه به دلیل علاقه و محبت او به محمد صلی الله علیه و آله است.^۳

تاریخ نیز شاهد نذر امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت زهرا علیها السلام برای بهبودی حسنین علیهما السلام است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زهرای اطهر علیها السلام را پس از سه روز روزه پیاپی در محراب عبادت یافت، در حالی که بسیار ضعیف شده بود.^۴

۱. بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵.

<https://farsi.khamenei.ir/photo-album?id=37163>

۲. «.... و كان لخديجة في كل ناحية عبید و مواشي حتى قيل إن لها أزيد من ثمانين ألف جمل متفرقة في كل مكان... و كان لخديجة دار واسعة تسع أهل مكة جميعا وقد جعلت أعلاها قبة من الحرير الأزرق وقد رقت في جوانبها صفة الشمس والقمر والنجوم وقد ربطته من حبال الإبريسم وأوتاد من الفولاذ... و كانا منهما أربعمئة عبد وأمة»؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۶، ص ۲۲.

۳. «نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر»، نشریه «مبلغان»، آذر ۱۳۸۰، ش ۲۳، ص ۳۹-۴۹.

۴. رازی؛ التفسیر الکبیر؛ ج ۸، ص ۴۰.

همه این موارد حاکی از معرفت و عشق سرشار حضرت خدیجه، امام علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام به کمال مطلق و انفاق در راه خدا است، نه فقط عملی صوری، خشک و بی محتوا.^۱ بنابراین عمل ستوده انفاق و کمک مالی به دیگران وقتی با انگیزه الهی و در شرایط نیازداشتن خود انسان به آن مال انجام پذیرد، «ایثار» خوانده می شود که یکی از والاترین صفات اخلاقی است.^۲ همسری که از آسایش زندگی و آمال و علاقه های قلبی خود در راه همراهی با آرمان ها و مقاصد متعالی شوهر طلبه اش چشم پوشی می کند، مصداق کامل این صفت اخلاقی است و باید او را ایثارگر حقیقی خواند. یکی از فرزندان استاد شهید مطهری درباره صبر و فداکاری شگفت انگیز همسر ایشان می گوید:

«نقش مادر در توفیقات استاد یک نقش عادی نبود. به عنوان نمونه در روزهایی که استاد در انتظار تولد یکی از فرزندان خود بودند، از ظهر تا غروب در منزل مشغول مطالعه بودند؛ پس از بازگشت از مسجد و سخنرانی، می بینند فرزندشان به دنیا آمده است. تعجب می کنند که چگونه تا غروب هیچ خبری نبود. متوجه می شوند که اتفاقاً مادر از حدود ظهر درد شدید داشته اند؛ اما به خاطر اینکه تمرکز استاد هنگام مطالعه از دست نرود و به سخنرانی ایشان

۱. هادی حسین خانی؛ تربیت الگویی زنان در قرآن؛ ص ۴۶.

۲. همان، ص ۱۵۴.

لطمه‌ای نخورد، درد زایمان خود را از ایشان پنهان کرده بودند».^۱

همچنین همسر این شهید بزرگوار در این باره نقل می‌کند:

من هفت بچه داشتم. یک دختر من که به دنیا آمد، ایشان (شهید مطهری) در مسجد آذربایجانی‌ها سخنرانی داشتند. با آنکه من در آن شب، سخت ناراحت بودم، چیزی نمی‌گفتم که مبادا سخنرانی ایشان برهم بخورد و ایشان از کارشان باز بمانند.^۲

یکی دیگر از همسران دلسوز و فداکاری که پایه‌پای شوهر روحانی خود در همه صحنه‌های سخت و دشوار زندگی حاضر بود، همسر شهید حجت‌الاسلام حاج شیخ مهدی شاه‌آبادی است. ازدواج شهید شاه‌آبادی با او، تحولی شگرف در زندگی سراسر تلاش و مبارزه این روحانی خدمتگزار فراهم آورد؛ به گونه‌ای که بر همگان مشخص بود بخش مهمی از پیشرفت‌ها، مبارزات، خدمات و تلاش‌های شهید شاه‌آبادی مرهون فداکاری همسر صبور ایشان است. همراهی این همسر دلسوز و ایثارگر سبب شده بود تا هیچ وقفه‌ای در پیشرفت علمی و ارائه خدمات تبلیغی و مبارزاتی ایشان ایجاد نشود. اداره یک زندگی هفت‌هشت نفره در یک اتاق کوچک، در سردترین نقاط روستایی کشور و در فصل زمستان و بدون امکانات گرمایی لازم و

۱. «شعر همسر شهید مطهری درباره امام رضا (علیه السلام)»؛ خبرگزاری فارس،

۱۳۹۴/۰۶/۰۲، شناسه خبر: ۱۱۴۹.

۲. ستوده سیدناصری؛ پاره‌ای از خورشید؛ ص ۹۷؛ «شهید مطهری در نگاه

همسر»، پایگاه جامع استاد شهید مطهری، ۱۳۸۹/۰۷/۲۵، شناسه متن:

۷۸۷۴۷.

نیز زندگی در شهرها و روستاهای دورافتاده خوزستان آن هم در ماه‌های گرم سال، کاری نبود که آن شهید بزرگوار بتواند با همه قدرت روحی و ایمانی خویش، جز با صبر و مقاومت وصف‌ناشدنی و همراه با نشاط همسر فداکار خود، از عهده‌اش برآید.^۱

۳. صبر و تحمل در مشکلات زندگی

زن و شوهر می‌توانند با مشارکت یکدیگر در برابر مشکلات و موانع زندگی، صبر و تحمل نموده و سنگ صبور یکدیگر باشند تا بتوانند از دردها و نگرانی‌های یکدیگر بکاهند؛ ولی نقش زن چشمگیرتر است؛ زیرا او بهتر از هر کسی می‌تواند با ابراز عاطفه و لطافت و ظرافت، روحیه خسته و لبریز از آلام شوهر را در برابر مشکلات بیرون از خانه آرام و مهار نماید. امام محمد باقر علیه السلام در این باره فرموده‌اند: «جهاد مردان آن است که (برای حفظ دین و مملکت) مال و خون خود را بذل کنند تا در راه خدا کشته شوند و اما جهاد زن آن است که در مقابل دشواری‌های زندگی همسرش صبر کند».^۲

سطح زندگی طلبه‌ها نسبت به عموم مردم، اغلب پایین‌تر است و در اوایل زندگی مشترک با مشکلات معیشتی روبرو هستند؛ چراکه بیشتر زمان‌شان به تحصیل، مطالعه و مباحثه علمی سپری می‌شود.

۱. گروهی از نویسندگان؛ حوزه علمیه شهید شاه‌آبادی؛ ص ۲۰.

۲. «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَتَبَ عَلَى الرِّجَالِ الْجِهَادَ وَ عَلَى النِّسَاءِ الْجِهَادَ فَجِهَادُ الرَّجُلِ أَنْ يَبْذُلَ مَالَهُ وَ دَمَهُ حَتَّى يُقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ جِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَ غَيْرِهِ»؛ طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۲۱۵.

هرچند در زمان حاضر وضعیت معاش طلاب، بهتر از طلاب و علمای روزگار گذشته است و سختی‌هایی آن روزگار مقایسه‌شدنی با امروزه نیست. مقام معظم رهبری دام‌ظله در خاطرات‌شان نقل می‌کنند: «من شب‌هایی را از کودکی به یاد می‌آورم که در منزل شام نداشتیم و مادر با پول خردی که بعضی از وقت‌ها پدر بزرگم به من یا یکی از برادران و خواهرم می‌داد، قدری کشمش یا شیر می‌خرید تا با نان بخوریم».^۱

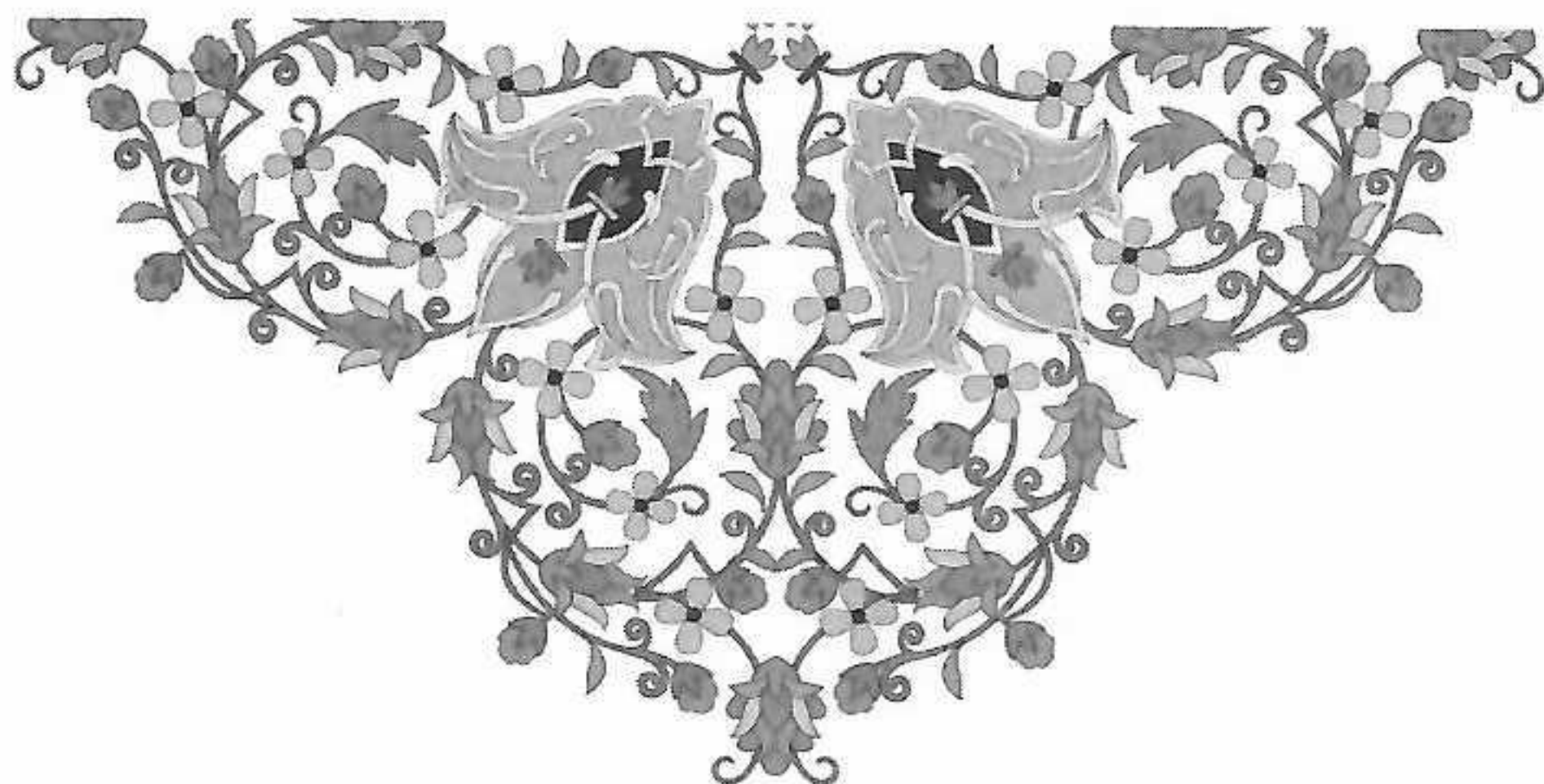
این سبک زندگی ساده و بی‌تکلف، رویه و سیره عمومی بسیاری از علما و شهدای روحانی بوده است. همسر شهید زین‌العابدین عبدی درباره سادگی و قناعت ایشان می‌گوید:

در معیشت و مخارج زندگی، به خوراکی اندک که جان در عذاب نباشد و پوشاکی ساده و تمیز که سال‌ها بتوان آن را استفاده نمود و به وسیله نقلیه کم‌خرج مانند دوچرخه بسنده می‌کرد و قانع و شاکر بود.^۲

۱. هدایت‌الله بهبودی؛ شرح اسم؛ ص ۴۶؛ مؤسسه فرهنگی قدر ولایت؛

خاطرات و حکایت‌ها؛ ص ۳۰.

۲. مجموعه خاطرات شهدای طلبه و روحانی شهرستان چالوس؛ راوی: یکی از دوستان شهید.



فصل سوم: آداب فرزندپروری

«عن الرسول ﷺ: كُلُّ مَوْلُودٍ يُولَدُ عَلَى الْفِطْرَةِ ، وَ إِنَّمَا أَبَوَاهُ يَهُودَانِهِ وَ يَنْصَرَانِهِ؛ (شرح نهج البلاغه؛ ج ۴، ص ۱۱۴) هر مولودی بر فطرت (توحید) زاده می‌شود و این پدر و مادر او هستند که وی را یهودی و نصرانی بار می‌آورند».

اشاره

«خانواده» بر اساس آموزه‌های دین مبین اسلام، کانون اخلاقی جامعه است و نوع تربیت و ارتباط موجود در خانواده، سبب وحدت و منش اجتماعی است. همچنین خانواده را مرکزی سرنوشت‌ساز در جنبه انحراف و عصیان بیان کرده‌اند؛ چراکه کودک در خانواده پستی‌ها و دنائت‌ها را تجربه کرده و می‌آموزد و نیز صفات اجتماعی کودک برخاسته از خانواده است.

همه پیامبران الهی، امامان، علمای بزرگ اسلام و حتی اندیشمندان و بزرگان دیگر ادیان نسبت به اهمیت و جایگاه حساس والدین به‌ویژه مادر در تربیت فرزند تأکید کرده‌اند؛ چون دامن مادر اولین مدرسه کودک است. فرزندان امانت الهی و نعمت و نشانه‌های خدا هستند^۱ و والدین درباره سلامت، رشد، تعلیم و تربیت آنان

۱. «وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً»؛ نحل: ۷۲؛ «أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ»؛

مسئولند^۱ و در برابر تربیت خوب، پاداش^۲ و در برابر تربیت بد آنان کیفر خواهند دید.^۳

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «فرزند صالح ریحانه‌ای بهشتی است که خداوند متعال بین بندگان تقسیم کرده است»؛^۴ بنابراین باید در تربیت او و حفظ و حراست از دین و دنیای او دقت و مراقبت کرد. افزون بر حقوق عمومی نظیر تأمین بهداشت (نظافت و ختنه)، تعلیم و تربیت، مهرورزی و محبت، اکرام و احترام، گرمی‌داشتن مادر او، توجه به انتساب فرزند به والدین، تشویق و یاری‌کردنش بر کار نیک که در روایات بر عهده والدین نهاده شده است؛ در روایتی از پیامبر اکرم ﷺ نسبت به بعضی از حقوق به طور خاص تأکید شده است: «حق فرزند بر پدر آن است که او را نوشتن آموزد و نام نیک بر او گذارد و نیکو تربیتش نماید؛ شناکردن و تیراندازی به وی بیاموزد؛ غذای پاک به او بخوراند و چون بالغ شود، او را مسکن و همسر دهد»^۵ یا در بیان دیگری فرمودند: «از حقوقی که بر گردن پدر و مادر است، این است که برای فرزندشان نام نیکو انتخاب کنند و

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ تحریم: ۶؛ «لَا تُضَارَّ الْوَلَدُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ»؛ بقره: ۲۳۳.

۲. «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا»؛ مریم: ۵۵.

۳. «إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ شوری: ۴۵.

۴. «الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ قَسَمَهَا بَيْنَ عِبَادِهِ»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۶،

ص ۲.

۵. ر.ک به: نهج الفصاحه؛ ص ۴۴۷ و ۴۴۸.

آنان را به خوبی ادب کنند».^۱

امام سجاده علیه السلام نیز در باب فرزندپروری حقوقی را در «رساله حقوق» بدین شرح برشمرده‌اند:

حق کودک تو بر تو این است که بدانی وجود او از توسست و بد و خوب او در این دنیا به تو ارتباط پیدا می‌کند و باید بدانی که در سرپرستی او مسئولیت داری و مسئول هستی که او را به بهترین وجه تربیت کنی و بر عهده توسست که او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی».^۲ همچنین ایشان در تأکید بر اهمیت شیوه تربیت درست فرزندان می‌فرمایند: «با فرزندت آنچنان رفتار کن که اثر نیکوی تربیت تو مایه زیبایی و جمال اجتماعی او شود. یا اینکه او را چنان تربیت کن که بتواند در کارهای مختلف زندگی با عزت و آرزومندی زندگی کند و مایه زیبایی و جمال تو بوده باشد».^۳

در این فراز از رساله، حضرت امام سجاده علیه السلام به اصل «تربیت صحیح» اشاره می‌فرمایند که این خود نشان از اهمیت موضوع تربیت فرزند دارد. امام خمینی رحمه الله نیز درباره اهمیت تربیت صحیح

۱. «مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدَيْنِ يُحَسِّنُ اسْمَهُ وَيُحَسِّنُ آدَبَهُ»؛ میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۵، ص ۱۲۸.

۲. «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالدَّلَالَةِ إِلَى رَبِّهِ وَالْمُعَوَّنَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَفِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَمُعَاقِبٌ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ يُحَسِّنُ أَثَرَهُ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعْذِرُ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَالْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ»؛ ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۶۳.

۳. همان.

فرزند از دید اسلام، خطاب به مادران در سخنرانی خود فرمودند:

شما خانم‌ها دو تا شغل بسیار شریف دارید. یکی شغل تربیت فرزند که این از همه شغل‌ها بالاتر است. یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی‌توانم بیان کنم. پس شما یک شغل‌تان این است که بچه‌های خوب تربیت کنید^۱

اسلام در پی تربیت نسلی سالم، پاک، عفیف و سربلند برای جامعه انسانی است؛ چنین نسلی جز در دامن خانواده‌ای سالم و مؤمن تربیت نخواهد شد. وظیفه‌ای که خانواده در قبال تربیت فرد دارد و نقش مهمی که در این باره ایفا می‌کند، در واقع به وظیفه او در قبال تربیت جامعه‌ای مؤمن و اسلامی پیوند می‌خورد. بر این اساس برای دست‌یابی به خانواده در طراز اسلامی بهترین و کوتاه‌ترین مسیر، الهام از خانواده‌های الگو و اسوه در این زمینه است. توصیه‌ها و شیوه‌های رفتاری شهدا که در قالب خاطرات به دست ما رسیده، چراغ راهی است برای الگوبرداری از این منش الهی تا به تربیت فرزندانی صالح دست پیدا کنیم.

الف) تربیت در دوران جنینی، بارداری و تولد

اسلام برای تولید نسلی مؤمن و پاک، پیش‌بینی‌ها و مراقبت‌های

۱. امام خمینی، صحیفه امام؛ ج ۸، ص ۹۰.

خاصی را برای تربیت فرزند از دوران قبل از ازدواج تا مرحله انتخاب همسر، تشکیل نطفه، جنین و تولد معمول داشته است. هر قدمی که مادر در این مراحل برمی دارد، باید منطبق با اصول و معیارهای والای اسلامی باشد تا در نتیجه منجر به تکوین و رشد انسان در همه ابعاد روحی، روانی و جسمی شود.

یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین مراحل تربیت فرزند، دوران بارداری است؛ چراکه در این دوره، اساس شکل‌گیری شخصیت و ساختمان روانی و جسمانی هر انسانی پی‌ریزی می‌شود. مدت اقامت نطفه در صلب پدر، بسیار کوتاه، ولی در رحم مادر نه ماه است؛ از این رو اثرپذیری کودک از مادر بیشتر از پدر است و اسلام نیز برای مادر نقش تربیتی ویژه‌ای تعریف نموده است.

مادر در این دوره باید از آرامش معنوی و روحی کامل برخوردار باشد و از اعمال و رفتاری که در روح و روان مادر و متعاقباً فرزندش اثر منفی می‌گذارد، پرهیز نماید. حضور مادر در مجلس معصیت، تغذیه از لقمه ناپاک، شنیدن کلام فاسد و هر چیزی که در اسلام مجاز دانسته نشده است، در این دوران می‌تواند آثار سوئی بر روح و جسم مادر و جنین او بگذارد. در مقابل رعایت آداب و اخلاق اسلامی نظیر یاد خدا، انجام عبادات، طهارت باطنی، ارتزاق حلال، بهره‌مندی از محیطی آرام و آکنده از عشق و محبت می‌تواند آثار معنوی و سازنده‌ای را در پی داشته باشد. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خوشبخت کسی است که در شکم مادرش خوشبخت

شده و بدبخت کسی است که در شکم مادرش بدبخت شده است»^۱.

مادر شهید بهشتی درباره مراقبت های دوران بارداری فرزندش می گوید:

در دوران بارداری فرزندم، روزی یک جزء قرآن می خواندم و احساس آرامشی این قرائت قرآن به من می داد. در موقع شیردادن هم روبه قبله می نشستم و با وضو به او شیر می دادم و احساس می کردم هر وقت ناراحتی می کرد، موقع قرآن خواندن آرامش خاصی پیدا می کرد و به تلاوت من گوش می داد»^۲. ایشان در ادامه می گوید: «من در طول مدت بارداری فرزندم سید محمد نه بار قرآن را ختم کردم. ایشان می گفت موقع شیردادن فرزندم هم قرآن می خواندم و وقتی تلاوت من قطع می شد، ایشان شیر نمی خورد»^۳.

درباره شیرخوردن همراه با ذکر شهید میثمی در دوران نوزادی نقل می کنند:

از بیست روزگی این طوری بود که تا گریه می کرد و مادر می دوید طرفش، ساکت می شد. مادر را می شناخت. مادر بسم الله می گفت و عبدالله را بغل می گرفت و می چسباند به سینه و تا شیردادنش تمام نمی شد، ذکر یا حسین علیه السلام از لبش نمی افتاد»^۴.

۱. «السَّعِيدُ مَنْ سَعِدَ فِي بَطْنِ امِّهِ، وَالشَّقِيُّ مَنْ شَقِيَ فِي بَطْنِ امِّهِ»؛ متقی هندی؛ کنز العمال؛ ص ۴۹۱.

۲. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۴۳.

۳. همان.

۴. همان، ص ۳.

بنابراین نقش مادر در تربیت فرزند، نقشی کلیدی، مهم، الهی و انسان‌ساز است و اهمیت تربیت در دوران بارداری به‌اندازه‌ای است که اگر در این دوره تلاش لازم برای تربیت صحیح صورت نگیرد، مسئله تربیت در باقی مراحل زندگی از مسیر اصلی خود خارج می‌شود. مادر در این دوران می‌تواند بنای یک زندگی سالم و سعادت‌مند را برای فرزند خود پی‌ریزی کرده و از بروز بسیاری انحراف‌ها و مشکلات در آینده پیشگیری نماید.

با نگاه اجمالی به روایات، تلاش والدین برای نایل آمدن فرزندشان به سعادت، در حکم عبادتی بزرگ و نشانگر بهره‌مندی از منافع ابدی ازدواج است؛ از سوی دیگر اگر زمینه شقاوت و گمراهی او را در آینده فراهم آورند، از شجره طویه ازدواج، سودی نبرده‌اند. در این باره امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خوشبخت کسی است که مادرش دارای گوهر گرانبهای عفت و طهارت فکر باشد».^۱

در توضیح این حدیث می‌توان گفت از مسائل شگفت‌انگیزی که از گذشته تا به امروز از نظر علمی و دانش و تجربه بشری ثابت و نزد دانشمندان پذیرفته شده، قانون وراثت است. از دیدگاه وراثت بسیاری از صفات و ویژگی‌های پدر و مادر، از زمان پیدایش نخستین سلول حیات فرزند در وجود پدر، تا انتقال به رحم مادر و گذراندن مراحل رشد، به کودک آنان منتقل شده و به ارث می‌رسد و این صفات و

۱. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ أُمُّهُ عَفِيفَةً»؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۵، ص ۲۸۵.

ویژگی‌ها، پس از ورود کودک به این جهان، رفته‌رفته نمود یافته و پایه‌پای رشد و ترقی او، آشکار و شکوفا می‌گردد.

اهمیت تربیت در دوران بارداری به این دلیل است که آدمی در طول ایام حیات خود بر طبق خلیات خویش عمل می‌کند و اساس خلق و خوی آدمی در دوران بارداری پی‌ریزی می‌شود. این وظیفه سنگین تربیتی برعهده مادران گذاشته شده و مادران باید جایگاه حقیقی خویش را بشناسند و به آن بها دهند تا بتوانند فرزندی صالح، با ایمان و متقی تحویل جامعه بدهند. شهید حجت‌الاسلام حسین علی‌زاده هنگامی که مادرش باردار بود و هنگام عبور از کنار درخت همسایه، می‌خواست خوشه‌ای پسته نارس که زیر درخت افتاده بود، بردارد. با لحنی آرام و بدون بی‌احترامی خطاب به مادر باردار خود این‌گونه متذکر می‌شود:

مادر! برداشتن آن کار درستی نیست و اگر صاحبش راضی نباشد، حرام است. هرچند احتمال بدهید آنها راضی هستند؛ چون همه کارهای شما روی فرزندان اثر می‌گذارد.^۱

ب) آداب نام‌گذاری بر فرزند

یکی از امور مستحب و حقوق فرزند برعهده والدین، انتخاب نام نیکو است. برگزیدن نام شایسته برای فرزند، چنان اهمیت دارد که مستحب است نوزاد پسر را تا روز هفتم محمد بنامند و پس از آن اگر خواستند، نامش را تغییر دهند. مستحب است در روزهای نخست

۱. ابراهیم رستمی؛ شاهدان بصیرت؛ ج ۲، ص ۲۲۳.

تولد نوزاد، نامی شایسته برای او انتخاب شود. این موضوع از حقوق کودک بر والدین است و عده زیادی از فقها به آن تصریح کرده‌اند.^۱ تعبیر مختلفی درباره اهمیت رعایت این حق در روایات مشاهده می‌شود که در ادامه برخی از این موارد را بیان می‌کنیم.

* پیامبر اسلام ﷺ خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برای او انتخاب نماید و او را به نیکی تربیت نموده و به کاری شایسته بگمارد».^۲

* امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: «اولین هدیه‌ای که هر یک از شما به فرزندش می‌بخشد، نام خوب است؛ پس نام نیکو برای فرزندان خود انتخاب نمایید».^۳

* امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «نخستین احسان و نیکی که پدر در حق فرزندش روا می‌دارد، انتخاب نام زیبا برای اوست؛ پس لازم

۱. شیخ طوسی؛ النهایة؛ ص ۵۰۱؛ ابن ادریس حلی؛ السرائر؛ ج ۲، ص ۶۴۶؛ ملامحسن فیض کاشانی؛ مفاتیح الشرائع؛ ج ۲، ص ۳۶۵؛ محقق حلی؛ شرائع الاسلام؛ ج ۲، ص ۵۶۵؛ سید عبدالاعلی سبزواری؛ مهذب الاحکام؛ ج ۲۵، ص ۲۵۸؛ محمد فاضل لنکرانی؛ تفصیل الشریعة (کتاب النکاح)؛ ص ۵۲۶.

۲. «یا علی حق الولد علی والدیه ان یحسن اسمہ وادبہ ویضعه موضعا صالحا»؛ شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۱؛ ص ۳۸۹ - ۳۹۰، باب ۲۲، من ابواب احکام الاولاد، ح ۴.

۳. «ان اول ما ینحل احدکم ولده الاسم الحسن فلیحسن احدکم اسم ولده»؛ میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۵، ص ۱۲۷، باب ۱۴، ح ۱.

است هریک از شما نام نیکو برای فرزند خود انتخاب کند».^۱

* امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «نام نیک برای خود انتخاب کنید؛ زیرا در روز قیامت شما را با همان نام می خوانند و گفته می شود ای فلان فرزند فلان برخیز و به سوی نور خود گام بردار و ای فلان فرزند فلان برخیز که نوری نداری».^۲

پس از معرفی برخی از روایات سفارش کننده نسبت به انتخاب نام نیکو بر فرزند، اکنون به بررسی اسامی و نام های پسندیده و ناپسند از دیدگاه مکتب اسلام می پردازیم.

۱. نام گذاری پسندیده

نام نیکو، بهترین هدیه ای است که هر نوزاد در روزهای اول زندگی از پدر و مادر خود دریافت می کند. هدیه ای ماندگار که همیشه با اوست و از او جدا نمی شود و همواره در شخصیت فردی و اجتماعی اش تأثیرگذار می باشد. انتخاب نام نیک ضمن اینکه تکریم و احترام کودک است، نشان دهنده طرز تفکر خانواده و آرمان ها و الگوهای مورد علاقه آنان می باشد. به همین دلیل اسلام دستور می دهد از نام هایی استفاده شود که نشان از هویت اعتقادی دارند و

۱. «أَوَّلُ مَا يَبْرُرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنِ، فَلْيُحْسِنْ أَحَدُكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ»؛ شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۱، ص ۳۸۹، باب ۲۲، من ابواب احکام الاولاد، ح ۱.

۲. «اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَكُمْ فَإِنَّكُمْ تُدْعَوْنَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُمْ يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ إِلَى نُورِكَ وَقُمْ يَا فُلَانُ بَنَ فُلَانٍ لِأَنْوَرِ لَكَ»؛ شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۱، ص ۳۸۹، باب ۲۲، من ابواب احکام الاولاد، ح ۲.

الهام بخش و امیدآفرین و حامل پیام و فرهنگ اصیل انسانی و اسلامی می باشند.

بهترین آنها، نام‌هایی است که دربردارنده معنای عبودیت خداوند متعال باشد؛ مانند عبدالله، عبدالرحمن و نیز نام پیامبران و ائمه اطهار علیهم‌السلام و بهترین آنها نام محمد است.^۱ یکی از پدران آسمانی شهدا که اصرار داشت برای فرزند تازه متولد شده‌اش نامی انتخاب کند که به اسم مقدس «الله» ختم شود، پدر شهید عبدالله میثمی است. خاطره اهتمام او برای نام‌گذاری فرزندش را به نظاره می‌نشینیم:

بابای بچه اصرار داشت اسم پسرش به «الله» ختم شود. پدر بزرگش قرآن را برداشت و نشست بالای سر نوزاد. دعا خواند سپس قرآن را باز کرد، آیه: «... قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا» آمد. اسمش را گذاشتند: عبدالله.^۲

وقتی نام شهدای بزرگ و شاخص روحانیت، علمایی همچون: محمد صدوقی، مرتضی مطهری، حسن قدوسی، سید حسن مدرس، سید محمد حسین بهشتی، حسین غفاری، سید اسدالله مدنی، سید عبدالحسین دستغیب، سید عباس موسوی، محمد حسن

۱. علامه حلی؛ قواعد الاحکام؛ ج ۳، ص ۹۷؛ شهید ثانی؛ الروضة البهية؛ ج ۵، ص ۴۴۳؛ محمد حسن نجفی؛ جواهر الکلام؛ ج ۳۱، ص ۲۵۳۲۵۴؛ امام خمینی؛ تحریر الوسيلة؛ ج ۲، ص ۳۱۰؛ محمد فاضل لنکرانی؛ تفصیل الشریعة (کتاب النکاح)، ص ۵۲۷.

۲. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۲.

ابراهیمی، محمد منتظری، محمد جواد باهنر، محمد حسن شریف قنواتی، سید محسن روحانی و ... را یکایک مرور می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم نام همه یا بیشتر آنها به نام مبارک پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، نام مقدس اهل بیت علیهم السلام یا یکی از اوصاف و اسامی نیکو مزین بوده است.

به نمونه‌های دیگری از روایات وارد شده در این باره اشاره می‌گردد:

* رسول خدا صلی الله علیه و آله مسلمانان را به انتخاب القاب و کنیه‌های زیبا و نیکو برای فرزندان فرامی‌خواندند و مردم را از نام‌ها و القاب زشت که احترام فرزندان و کودکان را از بین می‌برد، نهی می‌کردند. ایشان می‌فرمایند: «قبل از آنکه نام‌ها و القاب زشت بر فرزندان تان غلبه یابد، برای آنان نام‌ها و کنیه‌های زیبا انتخاب کنید و فرزندان تان را به آن نام‌ها بخوانید».^۱

* پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اگر نام فرزندان تان را محمد گذاشتید، اکرامش کنید و در مجالس خود برایش جا در نظر بگیرید و با روی گرفته و صورت عبوس با او برخورد ننمایید».^۲

* امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «راست‌ترین نام‌ها این است که بر

۱. «بادروا اولادکم بالکنی قبل ان تغلب علیهم الالقاب»؛ عبدالله بن عدی؛ الکامل؛

ج ۲، ص ۱۷۲؛ متقی هندی؛ کنز العمال؛ ج ۱۶، ص ۴۱۹.

۲. «إِذَا سَمَّيْتُمُ الْوَلَدَ مُحَمَّدًا فَاکْرِمُوهُ وَ أَوْسِعُوا لَهُ فِي الْمَجْلِسِ وَ لَا تُقَبِّحُوا لَهُ وَجْهًا»؛ شیخ

حرعاملی؛ وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۳۹۴، باب ۲۴، ح ۷.

بندگی خداوند متعال دلالت کند و برترین نام‌ها، اسامی پیامبران است.^۱

* سلیمان جعفری می‌گوید از امام کاظم علیه السلام شنیدم که فرمود: «هیچ‌گاه فقر به خانه‌ای که در آن نام محمد، احمد، علی، حسن، حسین، جعفر، طالب، عبدالله و فاطمه باشد، داخل نمی‌شود».^۲

* امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «خانه‌ای که در آن نام محمد باشد اهل آن در بامداد و شامگاهشان با خیر و برکت همراه خواهند بود».^۳

* سکونی نقل می‌کند: «بر امام صادق علیه السلام وارد شدم در حالی که محزون و اندوهگین بودم، امام به من فرمود: چرا اندوهگینی؟ عرض کردم: خداوند به من دختری داده است. امام فرمود: ای سکونی، دختر تو سنگینی‌اش بر زمین است و روزی‌اش بر خدا، عمرش از عمر تو جدا و روزی که می‌خورد غیر از روزی توست. سکونی گوید: به خدا سوگند حزن و اندوه من با این گفتار از بین رفت. سپس امام فرمود: او را چه نامیده‌ای؟ عرض کردم: فاطمه. فرمود: آه آه، آن‌گاه دست خود را بر پیشانی نهاد... سپس فرمود: «حال که او را فاطمه

۱. «أَصْدَقُ الْأَسْمَاءِ مَا سُمِّيَ بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَفْضَلُهَا أَسْمَاءُ الْأَنْبِيَاءِ»؛ شیخ حر عاملی؛

وسائل الشیعة، ج ۲۱، ص ۳۹۱، باب ۲۳، من ابواب احکام الاولاد، ح ۱.

۲. «لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ

طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۱۹، ح ۸.

۳. «الْبَيْتُ الَّذِي فِيهِ مُحَمَّدٌ يُصْبِحُ أَهْلُهُ بِخَيْرٍ وَيُمْسُونَ بِخَيْرٍ»؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل

الشیعة؛ ج ۲۱، ص ۳۹۴، باب ۲۴، ح ۶.

نامیدی، هرگز دشنامش مده، نفرینش مکن و او را مزن».^۱

۲. نام گذاری های ناپسند

به موجب روایات استفاده از نام های پادشاهان ظالم و فراعنه و دشمنان اهل بیت علیهم السلام و نام های بی محتوا که سبب هتک حیثیت فرد می شود، مکروه است. همچنین استفاده از نام های یادآور قهر و غضب و ستم و ظلم یا دال بر صفات مخصوص خداوند که نسبت به دیگران کذب و بر خلاف خضوع و بندگی است؛ مانند خالد، مالک و از این قبیل واژگان، مکروه است.^۲

از جمله روایات دال بر این معنا، عبارتند از:

* امام باقر علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «بدترین اسامی، ضررزدن، شدت، جنگ و ظالم است»؛^۳ یعنی اسمایی که به معنای ضررزدن یا به معنای سختی و بیماری یا برگرفته از نام یکی از جنگ ها یا برگرفته از نام شخص ظالمی باشد.

۱. «إِذَا سَمَّيْتُهَا فَاطِمَةَ فَلَا تَسُبَّهَا وَلَا تَلْعَنُهَا وَلَا تَضْرِبُهَا»؛ همان، ج ۲۱، ص

۴۸۲، باب ۸۷، من ابواب احکام الاولاد، ح ۱.

۲. محقق حلی؛ شرائع الاسلام؛ ج ۲، ص ۵۶۵؛ ابن ادریس حلی؛ السرائر؛ ج

۲، ص ۶۴۶؛ علامه حلی؛ قواعد الاحکام، ج ۳، ص ۹۷؛ سیدعلی

طباطبایی؛ ریاض المسائل؛ ج ۱۲، ص ۱۳۲؛ فاضل هندی؛ کشف اللثام؛ ج

۷، ص ۵۲۷.

۳. «شَرُّ الْأَسْمَاءِ ضِرَازٌ وَ مُرَّةٌ وَ حَرْبٌ وَ ظَالِمٌ»؛ شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعة، ج ۲۱،

ص ۳۹۹، باب ۲۸، من ابواب احکام الاولاد، ح ۵؛ شیخ صدوق؛ الخصال؛

ص ۲۵۰، ح ۱۱۸.

* علامه طریحی در کتاب منتخب، ضمن خبر مفصلی دربارهٔ یک مسیحی که از طرف پادشاه روم به حضور رسول اکرم صلی الله علیه و آله رسیده بود، نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: نام تو چیست؟ جواب داد، عبدالشمس. فرمود: نامت را تغییر بده و من نامت را عبدالوهاب گذاشتم.^۱

* برادر ام سلمه، همسر پیامبر، صاحب پسری شد و نامش را ولید گذاشت؛ چون این نام به گوش پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، فرمود: نامش از فراعنه است، آن را تغییر دهید.^۲

* جابر از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: «هرگاه شیطان بشنود که نام محمد یا علی را صدا بزنند، مانند سُرَب و مس ذوب می‌شود و هرگاه بشنود کسی را به نام یکی از دشمنان ما می‌خوانند، به شادی و نشاط درآید و بر خود می‌بالد».^۳

برای پرهیز از آلوده شدن جامعه به آسیب نام‌گذاری‌های ناپسند می‌توان دل را در بوستان خاطرات شهدا طراوت بخشید و از

۱. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: مَا اسْمُكَ؟ فَقُلْتُ: إِسْمِي عَبْدُ الشَّمْسِ، فَقَالَ لِي: بَدِّلْ اسْمَكَ، فَإِنِّي أُسَمِّيكَ عَبْدَ الْوَهَّابِ»؛ میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۵، ص ۱۲۸، ح ۷.

۲. «سَمَّيْتُمُوهُ بِاسْمِ فَرَاعْنَتِكُمْ غَيِّرُوا إِسْمَهُ فَسَمُّوهُ عَبْدَ اللَّهِ»؛ متقی هندی؛ كنز العمال؛ ج ۱۶، ص ۵۹۲، ح ۴۵۹۷۷.

۳. «إِنَّ الشَّيْطَانَ إِذَا سَمِعَ مُنَادِيًا يُنَادِي يَا مُحَمَّدٌ أَوْ يَا عَلِيٌّ ذَابَ كَمَا يَذُوبُ الرِّصَاصُ حَتَّى إِذَا سَمِعَ مُنَادِيًا يُنَادِي بِاسْمِ عَدُوٍّ مِنْ أَعْدَائِنَا اهْتَرَّ وَاخْتَالَ»؛ شیخ حرعاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۱، ص ۳۹۳، باب ۲۴، من ابواب احکام الاولاد، ح ۳.

آموزه‌های دینی و ارزشی دفاع مقدس و سیره شهیدان هشت سال جنگ تحمیلی الهام گرفت. به یقین زیباترین و برترین الگوهای عملی را می‌توان در اهتمام آنها نسبت به نام‌گذاری شایسته برای فرزندان خود یا نام‌های نیکو و پرمعنای خود شهیدان، مشاهده کرد. خانم کبری افشردی مادر شهید غلامحسین افشردی (معروف به حسن باقری) درباره ارادتش به سیدالشهدا علیه السلام و نام‌گذاری پسرانش می‌گوید:

به علت بیماری که من داشتم، غلامحسین هفت ماهه و خیلی سخت به دنیا آمد. روز تولدشان هم مصادف بود با سوم شعبان روز میلاد امام حسین علیه السلام. من هم نذر کردم که اگر سالم بماند، نامش را «غلامحسین» بگذارم. خود غلامحسین هم خیلی به حضرت سیدالشهدا علیه السلام ارادت داشتند. حتی شنیدم که موقع شهادت هم ذکر «یا ابا عبدالله» بر زبان داشته که این نشان می‌دهد غلامحسین شرط غلامی‌اش را خوب به‌جا آورد. چون خودم هم شخصاً نسبت به امام حسین علیه السلام ارادت خاصی داشتم، دنباله اسم بقیه بچه‌هایم را هم یک «حسین» اضافه کردم. غلامحسین، محمدحسین و احمدحسین.^۱

ج) اهتمام به تربیت فرزند

تربیت فرزند به معنای فراهم آوردن مقدمات لازم برای به

۱. به نقل از پایگاه راسخون:

فعلیت رسیدن قوای او در راه تقرب به خداوند است. این عمل نیاز به آگاهی و تمرین عملی دارد. اگر پدر و مادر در مسیر انتقال عقاید صحیح و ایجاد رفتار درست در فرزند خود کوشا باشند، خیر او را فراهم کرده‌اند و خداوند رحمت خود را بر آنان نازل خواهد نمود. درباره عقیده صحیح و انتقال آن به فرزندان، تکلیف بزرگی بر عهده والدین گذاشته شده است؛ زیرا عقاید رایج در خانواده که به فرزند القا می‌شود، در آینده او انکارنشدنی است.

در ادامه با الهام از روایات اسلامی به نکات مهمی اشاره می‌شود که در مسئله تربیت صحیح باید مدنظر والدین قرار بگیرد.

۱. در نظر گرفتن توان و ظرفیت کودک

امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده‌اند: «خداوند کسی را که به خیر فرزندش یاری می‌دهد پیامرزد. پرسیدند: چگونه به خیر فرزند یاری رساند؟ فرمودند: آنچه در توان اوست پذیرا شود و از آنچه فوق توان اوست در گذرد و او را به نافرمانی نخواند و سرگشته و حیرانش نسازد».^۱

در این روایت اصل مهم تربیتی بیان شده است: توانایی‌ها و استعدادهای متربی باید در جریان تربیت مورد توجه باشد، والدین در مسیر تربیت فکری و عملی فرزند خود نباید از این اصل غفلت

۱. «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ يَقْبَلُ مِيسُورَهُ وَ يَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَ لَا يُزْهِقُهُ وَ لَا يَخْرُقُ بِهِ»؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۲۱، ص ۴۸۱.

کنند. غفلت از این اصل، خیر فرزند را محقق نمی‌کند و او را به نافرمانی و سرگشتگی مبتلا می‌سازد. از این روایت اهمیت مراحل رشد را نیز می‌توان دریافت؛ زیرا بدون توجه به قابلیت‌های فرزند در دوره‌های مختلف زندگی، تربیت صحیح ممکن نمی‌شود. خوشبختانه در روایات اهمیت توجه به مراحل رشد بیان شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فرزندت را بگو تا هفت سالگی بازی کند و هفت سال او را ادب آموز و در هفت سال سوم او را ملازم و همراه خود دار». ^۱ در بیان دیگری فرمودند: «فرزند پسر هفت سال بازی می‌کند و هفت سال قرآن می‌آموزد و هفت سال حلال و حرام را یاد می‌گیرد». ^۲

شهید حجت الاسلام شیخ فضل الله محلاتی از روحانیان مدیر و مدبری بود که با شناخت کامل نسبت به معارف دین، به تربیت فرزندان‌ش متناسب با سطح درک و توان آنها همت می‌گماشت. فرزندانشان درباره سخت‌گیری نکردن پدر در مسائل دینی و شرعی فرزندان و تذکر دادن به زبان کودکان می‌گوید:

پدر به مسائل شرعی خیلی اهمیت می‌داد و روی درس و تحصیل هم تأکید داشت؛ ولی برای آن محدودیت قائل نبود. حتی وقتی برای ادامه تحصیل در خارج اجازه خواستم، اجازه داد. همیشه از

۱. «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُؤَدِّبْ سَبْعَ سِنِينَ وَ الزَّمَهُ نَفْسُكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَلَا خَيْرَ فِيهِ»؛ همان، ص ۴۷۵.

۲. «الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ»؛ همان؛ و شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۴۷.

دور مواظب کارهای مان بود و ما را با زبان خودمان امر به معروف و نهی از منکر می کرد. او چیزی را بر ما تحمیل نمی کرد و حتی در مسائل شرعی می گفت باید خودمان درک کنیم. مثلاً اگر شب نمی گفتیم که برای نماز صبح بیدارمان کند، بیدار نمی کرد.^۱

شهید بهشتی نیز چنین نگاهی در تربیت داشت و باور داشت باید از دور به بچه ها نظارت داشت و بر رفتارشان مراقبت کرد. باید والدین طوری عمل کنند که فرزند احساس نماید کاری که انجام می دهد، خودش انتخاب کرده و آن را انجام می دهد. فرزند شهید درباره عقیده پدر این گونه نقل می کند:

هیچ گاه پیش نیامد ما به عنوان فرزندان ایشان با مسئله ای برخورد کنیم که با این استدلال که چون من دارم می گویم، باید این کار را بکنید و ما را مخالف میل مان وادار به انجام دادن کاری کند. هیچ وقت ما را تحقیر نکرد در حضور دیگران و حتی در غیر حضور دیگران و نه حتی تنهایی به ما اهانت نکرد. در نهایت اگر خیلی از ما ناراحت می شد، محکم تر با ما صحبت می کرد؛ اما باز این امر به گونه ای نبود که در ما شکستگی شخصیت ایجاد کند و از این جهت همیشه مطمئن بودیم حریم ما محفوظ است و از طرف ایشان مخدوش نخواهد شد. درباره نماز با اینکه حساسیت زیادی از خود نشان می داد؛ اما هیچ وقت از ایشان در رابطه با نمازمان احساس تکلف نمی کردیم و من یاد ندارم که مثلاً

۱. گروهی از نویسندگان؛ مجمع ملکوئیان؛ ص ۱۷۲.

با لحن خاصی بگوید فلانی پاشو وقت نماز است، یا چرا بلند نمی شوی نمازت را بخوانی.^۱

۲. پاس داشت فطرت پاک و توحیدی فرزند

عمل تربیتی در خانواده به منزله پاس داری از فطرت توحیدی فرزند است. این پاس داری وظیفه بزرگ تربیتی و اخلاقی است که عمل به آن مهم ترین کارکرد خانواده را فعلیت می بخشد. در روایتی امیر مؤمنان علیه السلام همین وظایف را بیان فرموده اند: «حق فرزند بر پدر آن است که او را نام نکو نهد و نیکش پرورد و قرآنش تعلیم دهد».^۲ آموزش قرآن به معنای آموزش همه عقاید دال بر تحقق بخشیدن فرزند به سوی خداوند است و پرورش نیکو به معنای ادب آموزی و ایجاد رفتار صحیح سعادت بخش است.

محیط خانواده اولین محیط اجتماعی است که فرزند تجربه می کند؛ او از اعضای خانواده به ویژه پدر و مادر بیشترین تأثیر را می پذیرد. اگر پدر و مادر در این زمان عقاید صحیح را به فرزند بیاموزند، قلب نیالوده او آن را می پذیرد و عادات لازم و متناسب با عقاید صحیح را می یابد. امام سجاده علیه السلام تربیت نیکو، آموزش عقیده توحیدی و کمک برای ایجاد رفتار صحیح در فرزند را بیان کرده و انجام این وظایف را سبب سعادت والدین در دنیا و آخرت

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۶۴.

۲. «حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَيُحَسِّنَ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ»؛ نهج البلاغه

(للصبحی صالح)؛ ص ۵۴۶، حکمت ۳۹۹.

دانسته‌اند.^۱

همچنین امیرمؤمنان علیه السلام در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندشان امام حسن علیه السلام فرمودند: «پس به ادب آموختنت پرداختم پیش از آنکه دلت سخت شود و خردت در تصرف هوایی دیگر در آید». ^۲ در ادامه همین نامه فرمودند:

و چون به کار تو همچون پدری مهربان عنایت داشتم و بر ادب آموختنت همت گماشتم؛ چنان دیدم که این عنایت در هنگام جوانی ات به کار رود و در بهار زندگانی که نیتی پاک و نهادی نیالوده داری و اینکه نخست تو را کتاب خدا بیاموزم و تأویل آن را به تو تعلیم دهم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام بر تو آشکار سازم.^۳

۳. دغدغه‌مندی نسبت به تربیت ایمانی

والدین با الهام از توصیه‌های امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ خود نسبت به

۱. «وَأَمَّا حَقُّ وَلَدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ وَ أَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وُلِّيتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ إِلَى رَبِّهِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمُثَابٌّ عَلَى ذَلِكَ وَ مُعَاقِبٌ فَأَعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلِ الْمُتَزَيِّنِ يَحْسُنْ أَثَرُهُ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا الْمُعَذَّرُ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَ الْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ»؛ ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۶۳.

۲. «فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ»؛ نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ ص ۳۹۳؛ نامه ۳۱.

۳. «أَجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَ أَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمُرِ وَ مُقْتَبِلُ الدَّهْرِ دُونِيَّةٍ سَلِيمَةٍ وَ نَفْسٍ صَافِيَةٍ وَ أَنْ أَبْتَدِيَنَّكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ»؛ همان، ص ۳۹۴.

انتقال عقیده صحیح و ادب آموزی و نیز تأکید بر پاکی ضمیر انسان در دوره کودکی و جوانی، باید نسبت به تحقق این امر مهم در فرزند خود، احساس تکلیف کنند و بدانند مسئولیت آنها تنها با گفتن و اطلاع رساندن خاتمه نمی یابد، بلکه باید روش های مناسب برای مؤمن و متقی شدن فرزندشان را بیابند.

یکی از دغدغه های اصلی شهدا - چه در خط مقدم و چه در پشت جبهه - تربیت صحیح فرزندان بود و همواره به این مسئله اهتمام داشتند؛ حتی برخی از آنان به محض اطلاع از پدر شدن، مقدمات تربیت فرزندان خود را آغاز می کردند. شهید حجت الاسلام مهدی شاه آبادی که دوران تبعید را به دور از خانواده می گذرانید، با وجود اهتمام جدی به مبارزه و روشنگری مردم منطقه، از تربیت فرزندان خود که صدها کیلومتر از او فاصله داشتند نیز غفلت نمی ورزید و همواره با آنها تماس تلفنی برقرار می کرد و برای آنها نامه می نوشت و همسر و هفت فرزند خود را به صبر و شکیبایی دعوت می کرد. او در فرازی از نامه ای که برای فرزند بزرگ خود نوشت، چنین آورده است:

نور چشم عزیزم، سعید! اکنون که شما همانند من دچار این گونه شکنجه شده اید، خدای را سپاس گزار باشید که در راه اهداف عالیّه اسلام و انجام وظیفه و به ثمر رسیدن خواسته های جامعه توحیدی رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین رنجی را بر طاقت می پذیرید. آری، خداوند بشارتش را مخصوص کسانی نموده است که در این رویدادهای

طاقت‌فرسا و این‌گونه مصیبت‌ها، صبر و شکیبایی را از دست نداده و برای رضای حق پایداری می‌کنند.

سپس در ادامه نامه به فرزندش چنین نوشته است:

گرچه خود اذعان دارم که پدر خوبی برای شما نبودم ...، اکنون که در آتش فراق‌تان می‌سوزم، جریمه گذشته را می‌پردازم. باری، اکنون که حدود ساعت ده صبح روز چهارشنبه است و دیگر نتوانستم مطالعه کنم، بی اختیار دست روی کاغذ گذاردم و اکنون هیچ پناهی جز حضرت حق جل و علا نمی‌بینم؛ إِنَّمَا أَشْكُو بَثِّي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.^۱

شهادت با فرزندان خود - مستقیم و غیرمستقیم - به گونه‌ای برخورد می‌کردند که آموزه‌های دین را به گونه‌ای انتقال دهند تا بتوانند در مسیر صحیح اسلامی تربیت شده گام بردارند. فرزند شهید بهشتی درباره شیوه تربیت غیرمستقیم پدر خود می‌گوید:

پدرم اگر نسبت به رفتار ما اعتراض داشت، هیچ‌گاه در حضور جمع از خود عکس‌العملی نشان نمی‌داد و اصولاً اعتقادی به تأثیراتی که بخواهد در همان لحظه انجام بگیرد نداشت. روش ایشان در تصحیح یک رفتار به طور غیرمستقیم بود.^۲

۱. «گفت: من غم و اندوهم را تنها به خدا می‌گویم (و شکایت نزد او می‌برم)! و از خدا چیزهایی می‌دانم که شما نمی‌دانید!» (یوسف: ۸۶)؛ به نقل از استادزاده: زندگینامه آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی و مجاهد شریف شهید شاه‌آبادی؛ ص ۶۰.

۲ غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۶۵.

(د) اظهار محبت و عاطفه

محبت یکی از نیازهای ضروری برای خانواده و به‌ویژه فرزندان است. تأکید و سفارش اسلام به محبت کردن نسبت به فرزندان از این‌رو است که انسان‌ها همگی به محبت نیازمندند؛ ولی کودکان به دلیل رشد شخصیتی خود به محبت و حمایت عاطفی والدین نیاز بیشتری دارند. نقش والدین به دلیل آنکه در بذل محبت به کودک نقش اساسی را ایفا می‌کنند، از همه مهم‌تر است.

احترام و ارزش قائل شدن به کودکان در سیره رسول خدا ﷺ به‌اندازه‌ای ارزشمند بود که ایشان اگر هنگام نماز صدای گریه کودکی به گوش‌شان می‌رسید، نماز را با شتاب می‌خواندند.^۱ شدت محبت پیامبر ﷺ به کودکان به‌اندازه‌ای بود که وقتی که امام حسن علیه السلام در هنگام سجده بر پشت ایشان رفت، رسول خدا ﷺ صبر کردند تا خودش پایین بیاید و سجده را طولانی کردند؛ در حالی که مردم در پشت سر پیامبر ﷺ به نماز ایستاده بودند.^۲ تأکید همیشگی و شدت محبت پیامبر ﷺ نسبت به کودکان به حدی بود که موجب برانگیخته شدن فرد یهودی شد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ایمان آورد و به

۱. «صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَخَفَّفَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْآخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ حَدَّثٌ قَالَ وَمَا ذَاكَ قَالُوا خَفَّفْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْآخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ؟»؛ کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۴۸؛ شیخ طوسی؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۳، ص ۲۷۴؛ احمد بن فهد حلی؛ عدة الداعی؛ ص ۷۹؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۸، ص ۴۱۹.

۲. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۳، ص ۱۸۸.

دین اسلام گروید.^۱

در سیره عملی رسول خدا ﷺ فراوان شاهد اظهار علاقه و محبت به کودکان و خردسالان هستیم. امام علی علیه السلام درباره علاقه و محبت پیامبر ﷺ نسبت به خود می‌فرماید:

پیامبر ﷺ مرا در اتاق خویش می‌نشاند و در حالی که کودک بودم، مرا در آغوش خود می‌گرفت و در بستر مخصوص خود می‌خوابانید، بدنش را به بدن من می‌چسباند، بوی پاکیزه خود را به من می‌بویاند و گاهی غذایی را لقمه لقمه در دهانم می‌گذارد.^۲

شهادا در جایگاه شاگردان ممتاز مکتب اهل بیت علیهم السلام، همواره در عمل به سفارش‌های آنان پیشتاز بودند. همسر شهید میثمی در رابطه با روحیه عاطفی همسرش می‌گوید:

فرزندم حسین که به دنیا آمده بود، خیلی به پدرش علاقه داشت. رفته رفته که بزرگ‌تر شد، این وابستگی بیشتر شد. شب‌ها تا مطمئن نمی‌شد که پدرش کنارش خوابیده، چشمانش را نمی‌بست. عبدالله همیشه مراقب بود تا دلش را نشکند، کنارش می‌خوابید؛ وقتی حسین خوابش می‌برد، بلند می‌شد می‌رفت به کارهایش می‌رسید.^۳

با دقت در روایات متعدد وارد شده درباره اهمیت محبت کردن به کودکان و مهرورزی نسبت به فرزندان، می‌توان به مصادیق مختلف

۱. همان، ص ۲۲۷.

۲. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۹۲؛ ترجمه مرحوم دشتی.

۳. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۸۴.

محبت کردن، عشق ورزیدن و رابطه عاطفی با فرزندان دست پیدا کرد که عبارتند از:

۱. کمک و حمایت از فرزندان

والدین طبق آموزه‌های دینی ما دربارهٔ اولاد خود تکالیفی دارند؛ از جمله افزون بر نام‌گذاری صحیح یا تأمین نیازمندی‌های زندگی آنها، باید برای برخی از نیازمندی‌های روحی و عاطفی فرزندان نیز برنامه‌ریزی کنند و وقت بگذارند تا بتوانند میان آنها به عدالت رفتار کنند، برای دین و اخلاق آنها برنامه‌ریزی و نظارت نمایند، فرزند را به طلب علم تشویق کنند و به او آداب اجتماعی بیاموزند.

خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به پیامبر ﷺ می‌فرماید: «و یاد کن هنگامی را که لقمان به پسر خویش اندرز می‌داد».^۱ او به فرزندش می‌گفت: «ای پسرک من! نماز را به پا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند بازدار و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است، شکایا باش. این حاکی از عزم و ارادهٔ تو در امور است».^۲

متأسفانه وضع رابطهٔ بعضی از والدین با فرزندان به گونه‌ای است که زمان مناسبی برای صحبت و گفتگو با فرزندان و نیز انذار و نصیحت آنها تعیین نمی‌کنند؛ در این حالت فرزندان به دیگران پناه

۱. «وَ إِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَ هُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ»؛

لقمان: ۱۳.

۲. «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ

مِنْ عَزْمِ الْأُمُور»؛ لقمان: ۱۷.

می‌برند که سبب انحراف و لغزش آنها می‌شود؛ اما اگر فرزند حمایت پدر و مادر خود را تجربه کند و شاهد تلاش‌های پدر و مادر در جبران ضعف‌های خودش باشد و اینکه پرورش و نگهداری از او را از سر مهر و شفقت انجام می‌دهند، این مسائل ابتدا سبب اطمینان او نسبت به آنها و سپس باعث پذیرندگی فرزند از والدین می‌شود. فرزند شهید بهشتی دربارهٔ وقت گذاشتن پدر بزرگوار خود برای فرزندانش می‌گوید:

پدرم این‌گونه نبودند؛ ما هرچه که در ذهن به عنوان سؤال داشتیم از ایشان می‌پرسیدیم و ایشان به رغم اشتغال زیادی که داشتند، در این‌گونه موارد وقت کافی و مناسبی می‌گذاشتند؛ البته این وقت‌گذاری هم منظم بود.^۱

شهید حجت‌الاسلام شاه‌آبادی به دلیل تسلط بر درس‌های آکادمی و مرسوم مثل ریاضیات، جبر، حساب، شیمی، فیزیک و، افزون بر آموزه‌های اخلاقی و تربیتی، در ایجاد رابطهٔ صحیح و حمایت از فرزندان خود به روش کمک‌درسی و آموزش تحصیلی به آنها همت می‌گماشت. فرزند ایشان دربارهٔ روش تدریس شیرین و منحصر به فرد پدرش می‌گوید:

خوب به خاطر دارم زمانی که قرار بود مبحث لگاریتم و فرمول‌های آن را نزد پدرم بخوانم، ایشان به دلیل گرفتاری و مشکلی به تهران رفته بودند و فرصت تدریس و رفع اشکالات

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۷۸.

درسی من را نداشتند. لذا مقرر کردند که برخی از دوستان و بستگان ما این درس را به من آموزش دهند؛ اما علی‌رغم تلاش و وقت‌گذاری آنان، من اصلاً از درس آنها چیزی متوجه نشدم. وقتی که چند روز فاصله شد و مشکل من به دلیل ادامه اشتغالات پدرم همچنان باقی بود، با گریه و ناراحتی موضوع را به مادرم منتقل کردم تا بلکه ایشان واسطه شوند و مشکل درسی من مرتفع شود. به هر حال وقتی که ایشان پس از چند روز به قم بازگشتند و از وضع و حال من مطلع شدند و فرصت پیدا کردند که به من درس بدهند، مفهوم لگاریتم و تمامی فرمول‌های آن را در مدت دو ساعت، آنچنان شیوا و سلیس درس دادند که کوچک‌ترین ابهامی برای من باقی نماند.^۱

شهید حجت‌الاسلام عباس شیرازی از دیگر شهدای روحانی کوشا در رسیدگی به امور درسی فرزندان و حمایت از آنها بود. دختر شهید دربارهٔ مهربانی و تعامل پدر بزرگوارش این‌گونه نقل‌خاطره می‌کند:

هرسال پدرم روز اول مدرسه ما را برای ثبت‌نام به مدرسه می‌برد. عضو انجمن اولیای مدرسه بود و بیشتر مواقع به مناسبت‌های مختلف در مدرسه سخنرانی می‌کرد. نه فقط من، بلکه کارهای مدرسه همهٔ بچه‌ها را خودش پیگیر بود.^۲

۱. استاذزاده: زندگینامه آیت‌الله العظمی شاه‌آبادی و مجاهد شریف شهید شاه‌آبادی؛ ص ۱۹.

۲. محمدعلی قربانی؛ سردار خطیب: سیری در زندگی شهید شیخ عباس شیرازی؛ ص ۱۵۴، به نقل از فاطمه شیرازی، دختر شهید.

با دقت در سیره شهدای روحانی و اهتمام آنها نسبت به تربیت و رابطه با فرزندان، نمایان می‌شود مسئله توجه به فرزند و ایجاد رابطه تربیتی با او یکی از برنامه‌های مورد تأکید مکتب اسلام است که در صورت سهل‌انگاری والدین، به بازخواست و عقوبت الهی منجر خواهد شد. از سوی دیگر چه‌بسا تربیت صحیح فرزند، آزادی از عذاب و خشم خداوند را به ارمغان بیاورد. در حدیثی از رسول خدا ﷺ آمده است:

عیسی بن مریم علیه السلام از کنار گوری می‌گذشت که صاحب آن عذاب می‌کشید؛ اما سال بعد که دوباره از کنار همان گور گذشت، دید که صاحب آن دیگر عذاب نمی‌شود. عرض کرد: پروردگارا! حکایت چیست؟ خداوند فرمود: ای روح الله، فرزند صالحی از او بزرگ شد و راهی ساخت و یتیمی را سرپرستی کرد، من به خاطر این کارهای فرزندش او را آمرزیدم.^۱

رزمندگان و شهدای روحانی با عمل به دستورهای و تأکیدهای دین و به امید تربیت نسلی صالح و سالم برای بندگی حقیقی خداوند، همواره می‌کوشیدند تا رابطه‌ای قلبی و عاطفی با خانواده و فرزندان خود برقرار کنند. با این توضیح باز هم خاطرات شهید عبدالله میثمی تداعی می‌گردد؛ آن‌گاه که همسرش خبر بچه‌دار شدن‌شان را به عنوان

۱. «مَرَّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام بِقَبْرِ يُعَذَّبُ صَاحِبُهُ ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قَابِلٍ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَقَالَ يَا رَبِّ مَرَرْتُ بِهَذَا الْقَبْرِ عَامَ أَوَّلٍ فَكَانَ صَاحِبُهُ يُعَذَّبُ ثُمَّ مَرَرْتُ بِهِ الْعَامَ فَإِذَا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ يَا رُوحَ اللَّهِ إِنَّهُ أَذْرَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقاً وَ آوَى يَتِيماً فَغَفَرْتُ لَهُ بِمَا عَمِلَ ابْنُهُ»؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۶، ص ۳۳۸.

راز به او می‌گوید؛ ولی دلِ مالا مال از عاطفهٔ عبدالله تاب نمی‌آورد و خبر را به گوش خانواده‌اش می‌رساند. همسرش در وصف عاطفی بودن شهید و رابطهٔ نزدیک او با فرزندان می‌گوید: «طاقت گریهٔ حسین را نداشت. حسین هم خیلی بهش وابسته بود. هر وقت عبدالله می‌خواست جایی برود، دنبالش راه می‌افتاد و گریه می‌کرد. عبدالله می‌ماند و تا آرامش نمی‌کرد، نمی‌رفت».^۱

همچنین ایشان در مورد همراهی شهید با فرزندان خردسالش ادامه می‌دهد: «برای بچه‌ها یک دفتر نقاشی بزرگ با یک بسته مداد رنگی خریده بود. گفتم حالا زوده برای بچه‌ها که نقاشی کنند، حیفه خرابش می‌کنند. گفتم اتفاقاً باید از حالا یاد بگیره تا ذهنش باز بشه. شب‌هایی که خانه بود، خودش می‌نشست با بچه‌ها نقاشی کار می‌کرد».^۲

۲. بوسیدن فرزند

در روایات بسیار وارد شده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، بر محبت به فرزند از طریق بوسیدن آنها تأکید شده است؛ از جمله اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «هر که فرزند خود را ببوسد، خداوند برای او یک حسنه می‌نویسد».^۳ نیز می‌فرمودند: «بوسیدن فرزند حسنه است و پاداش

۱. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۸۳.

۲. همان، ص ۸۵.

۳. «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ حَسَنَةً»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۴۹؛ احمد بن فهد حلی؛ عدة الداعی؛ ص ۷۹؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۱، ص ۴۷۵.

هر حسنه، ده برابر است».^۱ ایشان در روایت دیگری با اشاره به پاداش فراوان اخروی بوسیدن فرزندان می‌فرمایند: «فرزندان خود را بسیار ببوسید؛ چراکه برای هر بوسه‌ای درجه‌ای در بهشت است و فاصله میان دو درجه پانصد سال می‌باشد».^۲

از آنجایی که پیامبر ﷺ همیشه در انجام نیکی‌ها بر همگان پیشی می‌گرفت، آن‌چنان به فرزندان خود عشق می‌ورزید که به این دلیل و محبت به آنان سختی‌های زیادی را متحمل می‌شدند. انس بن مالک از اصحاب برجسته رسول خدا ﷺ می‌گوید: هیچ‌کس را مهربان‌تر از پیامبر ﷺ به خانواده‌اش ندیدم. رسول خدا ﷺ برای شیردادن ابراهیم دایه‌ای اجیر کرده بود که در اطراف مدینه زندگی می‌کرد. از آنجایی که همسر دایه شغل آهنگری داشت، منزل او همواره پر از دوده بود؛ اما پیامبر به آنجا می‌رفت فرزندش را می‌گرفت و می‌بوسید و از آنجا می‌رفت.^۳

محبت رسول خدا ﷺ به کودکان به اندازه‌ای بود که برخی اوقات ابراهیم و حسین بن علی علیهما السلام را بر روی دوزانوی خود می‌نشاندند و

۱. «الْقَبْلَهُ حَسَنَةً وَالْحَسَنَةَ عَشْرَةً»؛ متقی هندی؛ کنز العمال؛ ج ۱۶، ص ۴۴۵.
۲. «اَكْثَرُوا مِنْ قُبْلَةٍ اَوْلَادِكُمْ فَاِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ»؛ حسن بن فضل طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۲۲۰؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۱، ص ۴۸۵.
۳. محمد ابن سعد؛ الطبقات الکبری؛ ج ۱، ص ۱۰۹؛ مسلم نیشابوری؛ صحیح مسلم؛ ج ۴، ص ۱۸۰۸؛ ابن عساکر؛ تاریخ مدینه دمشق؛ ج ۳، ص ۱۳۶.

آنها را یک به یک می بوسیدند».^۱ ایشان حسنین علیهما السلام را بر دوش خود سوار می کردند و مرتب آن دو را می بوسیدند.

نبوسیدن و محبت به کودکان نزد پیامبر صلی الله علیه و آله به اندازه ای ناپسند بود که وقتی شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کرد هیچ یک از فرزندان را تاکنون نبوسیده است، ایشان او را اهل آتش دانستند.^۲ این جمله کنایه از شدت ناپسندی رفتار عاری از محبت والدین نسبت با فرزندان است.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال بوسیدن امام حسین علیه السلام بودند و شخصی به نام اقرع بن حابس شاهد محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به امام حسین علیه السلام بود. اقرع بن حابس که تا آن لحظه محبت کردن به فرزندان را براساس سیره نبوی مشاهده نکرده بود، متعجب شد و به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد؛ من ده فرزند دارم؛ اما تا کنون هیچ کدام از آنان را نبوسیده ام. پیامبر صلی الله علیه و آله از رفتار او ناراحت شده و فرمودند: «کسی که رحم و عطوفت نداشته باشد، مورد رحم و عطوفت قرار نخواهد گرفت».^۳

۱. «عن ابن عباس قال كنت عند النبي صلی الله علیه و آله و علي فخذيه الأيسر ابنة إبراهيم و علي فخذيه الأيمن الحسين بن علي و هو تارة يقبل هذا وتارة يقبل هذا»؛ ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۳، ص ۲۳۴.

۲. «جاء رجل إلى النبي صلی الله علیه و آله فقال له ما قبلت صبياً قط فلما ولى قال رسول الله صلی الله علیه و آله هذا رجل عندنا أنه من أهل النار!»؛ کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۵۰؛ محمد بن حسن طوسی؛ تهذیب الاحکام؛ ج ۸، ص ۱۱۳.

۳. «كان النبي صلی الله علیه و آله يقبل الحسن فقال الأقرع بن حابس إن لي عشرة من الولد ما قبلت أحداً منهم فقال صلی الله علیه و آله من لا يرحم لا يرحم»؛ بلاذری؛ انساب الاشراف؛ ج ۳، ص ۶؛

عبدالله بن مسعود گوید: نزد پیامبر ﷺ بودم. وقتی حسین بن علی علیه السلام وارد شد، پیامبر ﷺ وی را گرفت و او را بوسید ... و دهانش را بر دهان وی نهاد و فرمود: «خدایا! من او را دوست می‌دارم، پس تو نیز دوست بدار او را و هر که وی را دوست می‌دارد».^۱

۳. سلام دادن به کودکان

از جمله موارد تأکید شده در سنت رسول خدا ﷺ، سلام دادن به کودکان است که در سیره عملی رسول خدا ﷺ جایگاه ویژه‌ای دارد. پیامبر بزرگوار اسلام با تأکید بر احترام به کودکان و اظهار محبت نسبت به آنان به‌ویژه سلام کردن می‌فرمایند: «پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را رها نمی‌کنم ... یکی سلام کردن به کودکان است تا اینکه پس از من سنت شود».^۲

محمد ابن سعد؛ الطبقات الكبرى؛ خامسة ۱، ص ۲۶۱؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۱، ص ۴۸۵.

۱. عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: «كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ ... إِذْ دَخَلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام فَأَخَذَهُ النَّبِيُّ ﷺ وَقَبَّلَهُ ثُمَّ قَالَ حُرْقَةً حُرْقَةً تَرَقَّى عَيْنَ بَقَّةٍ وَوَضَعَ فَمَهُ عَلَى فَمِهِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ وَ أَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُ»؛ محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۳۶، ص ۳۱۲ و ۳۱۳.

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَ زُكُوبُ الْحِمَارِ مُؤَكَّفًا وَ حَلْبَى الْعَتَرِ بِيَدِي وَ لُبْسُ الصُّوفِ وَ التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَّانِ لِيَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي»؛ شیخ صدوق؛ الامالی؛ ص ۱۳۰؛ شیخ صدوق؛ الخصال؛ ج ۱، ص ۲۷۱؛ شیخ صدوق؛ علل الشرائع؛ ج ۱، ص ۱۳۰.

ه) تکریم و احترام به فرزند

محبت و احترام یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسان پس از نیازهای زیستی مثل آب و غذا و... است. اگر خانواده این نیاز کودک را بی‌نیاز کند، سبب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی او می‌شود؛ ولی اگر این نیاز نوجوان و کودک برطرف نشود، موجب فروپاشی روحی و روانی، بی‌اعتمادی او به خود و دیگران و سبب احساس عجز و حقارت، بیماری جسمی و روانی متعدد و انحراف‌های اجتماعی زیادی خواهد شد.^۱ از جمله موارد احترام و تکریم فرزند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱. مشورت و هم‌فکری با فرزندان

پیامبر صلی الله علیه و آله مسلمانان را به ارج نهادن به شخصیت کودکان و احترام گذاشتن به آنان از طریق دخالت دادن آنان در امور اجتماعی و خانوادگی دعوت می‌کردند و فرمودند: «فرزند هفت سال اول آقا است، هفت سال دوم مطیع و فرمانبردار و در هفت سال سوم مشاور خانواده است».^۲

شهید باهنر همواره تربیت فرزندان را امری مهم می‌دانست و همیشه به لزوم این امر تأکید می‌کرد. او بدون توجه به جایگاه اجتماعی خود، به کوچک‌ترها احترام می‌گذاشت و حتی گاهی با

۱. سیدعلی حسینی زاده؛ سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت؛ ج ۱، ص ۸۲.

۲. «الْوَلَدُ سَبْعُ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعُ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعُ سِنِينَ»؛ طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۲۲۲؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعة؛ ج ۲۱، ص ۴۷۶.

آنها مشورت می‌کرد. دربارهٔ توصیه‌های تربیتی و احترام به فرزند از ایشان نقل است:

نگویید من که می‌خواهم خانه را عوض کنم، این بچه شش یا ده‌ساله نمی‌تواند طرف مشورتم قرار گیرد. اساساً با این هدف بچه را به حساب آورده باشید و مشورت کنید. یک مقدار با بچه‌ها مشورت کنید و اجازه دهید نظر بد یا ناقص بدهند تا نظرشان را اصلاح کنید. آنها را راهنمایی و برای‌شان اثبات کنید که اگر از فلان راه برویم یا اگر غذا را این‌طور بپزیم، بهتر است و اگر نظر خوبی بیان کردند، به آن عمل کنید؛ خصوصاً این روش باید برای فرزند بزرگ‌تر و بالغ اعمال شود؛ با آنها مشورت کنید و اجازه دهید اسرار و رازهای‌شان را برای شما مطرح کنند.^۱

شهید بهشتی نیز با وجود گرفتاری‌ها و مشغله‌های کاری و اجرایی فراوان می‌کوشید با برنامه‌ریزی صحیح، در تکریم و اهمیت‌دادن به خانواده و فرزندانش کوتاهی نکند. او افزون بر تأمین نیازهای زندگی فرزندان، به مسئلهٔ تفریح و بازی بچه‌ها توجه ویژه‌ای داشت و همیشه در این موضوع با آنها مشورت می‌کرد؛ در حقیقت با این کار می‌خواست به نظر فرزندانش اهمیت قائل شود و به رشد شخصیت آنها کمک کند. او برای مأموریت تبلیغی مدتی به اتفاق خانواده‌اش به کشور آلمان هجرت کرد. فرزند شهید در این باره می‌گوید:

زندگی در یک آپارتمان در آلمان خیلی یک‌نواخت و خسته‌کننده

۱. احسان کرمانشاهی؛ مجمع ملکوتیان؛ ص ۱۲۸.

بود به خصوص برای ما که فرزندان خردسال بودیم و از ایران با آن همه آشنایانی که داشتیم، وارد محیط غربت شده بودیم. پدرم برای جبران این مسئله معمولاً آخر هفته ما را به اطراف هامبورگ برای تفریح و استراحت می برد. نکته جالب اینجا بود که حتماً قبل از این مسافرت های کوتاه از همه ما سؤال می کردند که بچه ها این هفته کجا برویم، بهتر است؟ وقتی نظر ما را می گرفتند، حرکت می کردیم. با این روش حتی برادر خردسال چندساله ام احساس می کرد نظرش در خانه مهم است و به حساب می آید. در قم هم که بودیم، ما را برای تفریح به باغ های اطراف می بردند که در آن زمان این کار در طبقه روحانی اصلاً مرسوم نبود.^۱

۲. برخورد محترمانه و نیکو با آنها

بر اساس روایات، فرزند موهبتی است که به امانت در اختیار والدین قرار گرفته است؛ بنابراین باید این موهبت را گرامی بدارند و از اکرام و احترام به او فروگذار نکنند. بدیهی است سلامت روح فرزند در احترام کردن او و توفیق در تربیت اخلاقی او در سایه اکرام و احترام است. پیامبر صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «به فرزندان خود احترام بگذارید و آنها را نیکو تربیت کنید تا بخشیده شوید».^۲

ایشان هیچ گونه توهین و بدگویی نسبت به فرزندان را نمی پسندیدند و در مقابل مردی که فرزند خود را نکوهش کرده و

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۷۳.

۲. «اَكْرِمُوا اَوْلَادَكُمْ وَ احْسِنُوا اَدَابَهُمْ يَغْفَرْ لَكُمْ»؛ خطیب بغدادی؛ تاریخ بغداد؛ ج ۸،

ص ۲۸۲؛ طبرسی؛ مکارم الاخلاق؛ ص ۲۲۲.

عیب جویی نموده بود، فرمودند: «همانا فرزند تو پشتیبان و یاور توست و دارای شخصیت است و نباید او را تحقیر کنی، بلکه باید فرزند را مورد لطف و محبت قرار داده و احترام کنی».^۱

به یقین شهید بهشتی از عمل کنندگان واقعی به این توصیه پیامبر اسلام ﷺ بود. رابطه و تعامل همراه با احترام در برخورد با دیگران به ویژه با خانواده و فرزندان در سیره او موج می زند. فرزند ایشان رابطه پدرش با فرزندانش را چنین توصیف می نماید:

رابطه پدرم با ما رابطه احترام آمیز طبیعی بود نه تصنعی و ما در عین صمیمیتی که با همدیگر داشتیم، این رابطه احترام آمیز را حفظ می کردیم و در عین حال تلاش ایشان در مواقعی که مسئله ای بین ما پیش می آمد، متقاعد کردن ما بود. هنر متقاعد کردن ایشان خیلی بالا بود.^۲

۳. پرهیز از رفتار آمرانه و سختگیرانه

قرآن کریم، اسلام و شریعت را دین آسانی معرفی می کند: «خدا برای شما آسانی می خواهد و برای شما دشواری نمی خواهد».^۳ بر این اساس روح احکام اسلامی با آسان گیری همراه بوده و بیشتر واجبات دینی مشروط به توانایی جسمی و حتی مالی است؛ مانند روزه گرفتن، حج رفتن، حضور در صحنه جنگ و جهاد و مواردی از این قبیل.

۱. «انما ابنک سهم من کنانتک...»؛ عبدالرزاق صنعانی؛ المصنف؛ ج ۹، ص

۱۲۹؛ متقی هندی؛ کنز العمال؛ ج ۱۶، ص ۵۸۴.

۲. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۶۲.

۳. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ»؛ بقره: ۱۸۵.

متأسفانه برخی از والدین با رفتارهای سخت و برخوردهای خشن سبب دین‌گریزی فرزندان می‌شوند؛ برای مثال اجبار فرزندان به خواندن نماز حتی قبل از سن تکلیف یا تأکید و اجبار نسبت به پوشش دختران بدون در نظر گرفتن شرایط روحی و سنی او هرگز از سفارش‌های دین نیست. در سیره علما و شهدای روحانی نیز چنین برخوردهایی مشاهده نمی‌شود و این مدعا در نقل خاطرات فرزندان آنها اثبات‌شدنی است. فرزند شهید بهشتی می‌گوید:

حتی یک بار دیده نشد پدرم در امر عبادات به ما دستور بدهند و مثلاً بگویند پاشو برو نمازت را بخوان؛ ولی رفتار خودشان که همیشه اول وقت وضو می‌گرفتند و نماز می‌خواندند، الگوی رفتاری ما شده بود. البته اگر گاهی می‌دیدند نمازمان را دیر می‌خوانیم، تذکر می‌دادند؛ ولی با لفظ "چرا نخواندی؟" همراه نبود.^۱

دختر این شهید بزرگوار همچنین درباره سخت‌گیری نکردن پدر نسبت به حجاب و پوشش فرزندش در خارج از کشور چنین می‌گوید:

پدرم به ما امرونی نمی‌کردند؛ مثلاً به من که دختر بزرگ خانواده بودم، هیچ وقت نمی‌گفتند چون من یک روحانی هستم، شناخته‌شده هستم؛ حتماً باید چادر مشکی سرت کنی یا کفش و جوراب مشکی بپوشی. حتی یک بار هم این امرونی اتفاق نیفتاد؛

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۸۰.

ولی راهنمایی می‌کردند. به‌طوری که وقتی به آلمان رفتیم، من ده‌ساله بودم و با محیط مختلط آلمان در امر حجاب بسیار مشکل داشتم؛ حتی در آنجا به من امر ونهی نمی‌کردند که حتماً باید روسری سر کنی و جوراب کلفت بپوشی، حال آنکه در آن محیط هر اتفاقی می‌افتاد اصلاً مهم نبود و خودش را نشان نمی‌داد؛ ولی با راهنمایی کلی که به من می‌کردند، من به انتخابی که می‌خواستند رسیدم و در آن شرایط سخت زندگی در خارج که اصلاً بحث محرم و نامحرم در کلاس و مدرسه مطرح نبود، به رغم همه شرایطی که داشتن حجاب را مشکل می‌کرد، با حجاب کاملاً اسلامی به مدرسه می‌رفتم.^۱

و) تشویق و تنبیه صحیح

والدین برای هدایت رفتار فرزندان خود، دو ابزار اصلی به نام مهر و قهر یا تشویق و تنبیه دارند که استفاده صحیح از این ابزار تربیتی به مهارت و هنر جدی نیازمند است. ما معمولاً از روش‌های تقلیدی و تکراری که از والدین خود یاد گرفته‌ایم یا در اطرافیان خود دیده‌ایم استفاده می‌کنیم؛ حال آنکه برای اثربخشی، تنبیه و تشویق باید مطابق اصول آن انجام شود. نادیده گرفتن اصول این دو شیوه تربیتی، سبب می‌شود والدین در موارد بسیاری سرخورده و ناامید شوند؛ اما اگر شیوه‌های رفتار صحیح با فرزندان را بیاموزند و بدانند چه زمانی و چگونه با فرزند خود مقتدرانه تعامل داشته باشند، تلاش‌شان به نتیجه

خواهد رسید.

۱. تشویق و انواع آن

تشویق به معنای به شوق آوردن یا کار کسی را ستودن و او را دلگرم کردن است.^۱ تشویق یکی از ابزار مهم تربیت است که والدین باید از آن بهره گیرند و کودک را به کارهای نیک علاقمند سازند. کودک در سایه تشویق، از بسیاری خواسته‌های خود چشم‌پوشی می‌کند و به راه موردنظر پدر و مادرش قدم می‌گذارد.^۲

تشویق بر دو گونه زبانی و عملی است. در گونه زبانی با دلجویی و بیان جملات محبت‌آمیز، رفتار و گفتار کودک تشویق می‌شود و کودک به کار و راهش دلگرم و امیدوار می‌شود؛ در گونه عملی پدر یا مادر با آغوش گرفتن کودک و نوازش او و نگاه همراه با لبخند یا خرید اسباب‌بازی، خوراکی، لباس و گردش او را برای کاری که انجام داده، می‌ستایند. البته در برآورده کردن این نیاز فطری که تا پایان عمر در انسان باقی می‌ماند، باید نوع و شیوه تشویق متناسب با سن و درک کودک در نظر گرفته شود؛ در واقع به موازات نوع عمل و درک او باید شیوه تشویق را هم تغییر داد تا بتوان به آثار ذیل دست یافت:

۱. تشویق سبب زدودن نومیدی و خستگی از کودک شده و او را نسبت به هدفش امیدوار می‌کند.

۱. فرهنگ عمید؛ ذیل واژه «شوق».

۲. مهری زینهار؛ «نقش تشویق و تنبیه در تربیت کودک»؛ مجله «پیام زن»،

۲. کودک با تحسین و تشویق، درصدد اصلاح شیوه‌های غلط رفتاری خود برمی‌آید.

۳. تشویق و تحسین گفتار سبب جدی‌تر شدن رفتار کودک در انجام کارهایش می‌شود.

با توضیحات فوق تأثیرگذاری تشویق در در تغییر رفتار و اهداف افراد نمایان می‌شود. شهید بهشتی یکی از افراد آگاه و موفق در مسئله تربیت فرزندان است که از این شیوه تربیتی برای تشویق دخترش در زمینه مطالعه و نویسندگی استفاده کرد. فرزند شهید می‌گوید:

یک روز مقاله‌ای درباره چین نوشته بودم که در روزنامه جمهوری اسلامی چاپ شد. خبر به پدرم رسید. وقتی مرا دیدند، با چهره‌ای که خوشحالی از آن می‌بارید، گفتند دخترم تو این مقاله را نوشته‌ای؟ گفتم بله. خیلی مرا تشویق کردند و گفتند شما این کار را ادامه بده و سعی کن زیاد مطالعه کنی.^۱

۲. تنبیه و انواع آن

اصل تنبیه در نظام تربیتی اسلام در جایگاه عاملی بازدارنده پذیرفته شده است؛ زیرا جامعه و مردمی که در برابر اعمال و رفتار خود کنترلی نبینند و با نصیحت و گاه اعمال فشار و کیفر محدود نگردند، طغیان خواهند کرد. به همان مقدار که تشویق در جهت‌دهی رفتار فرزند مؤثر است، تنبیه نیز می‌تواند در تربیت در جایگاه ابزاری بازدارنده توسط والدین استفاده شود.

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۷۸.

تنبیه به معنای بیدار کردن و آگاه نمودن کسی نسبت به امری است؛ باید از تنبیه برای هدایت استفاده کرد، نه فرونشاندن خشم والدین؛ چراکه هدف آگاهسازی شاید با نصیحت، ارشاد و موعظه حاصل شود و فرزند را متوجه خطای خود سازد که در این صورت ملامت کردن، کتک زدن و اعمال فشار لازم نیست.^۱ بنابراین شیوه عاطفی از بهترین و موفق‌ترین شیوه‌های تربیتی به شمار می‌آید. کودک باید آثار مطلوب و نامطلوب رفتار خود را از مفهوم جملاتی نظیر «دوست دارم» و «دوست ندارم» پدر و مادر دریابد؛ گاهی نیز باید از برخورد والدین، راه و روش صحیح و موردنظر آنها را دریابد و تخلفات خود را از مواجهه با چهره ناراضی والدین کشف کند. فرزند شهید بهشتی درباره تشویق و تنبیه فرزندان توسط پدرش می‌گوید:

در طول دوران خردسالی و نوجوانی تنبیه بدنی اصلاً نداشتیم؛ یعنی حتی یک مورد کار به جایی نرسید که ایشان بخواهد با ما برخورد فیزیکی بکند. رفتارشان با ما به گونه‌ای بود که اگر زمانی احساس می‌کردیم از کاری که کرده‌ایم خوششان نیامده است، این ناراحتی را در چهره و نگاه ایشان می‌دیدیم و این برای ما کفایت می‌کرد بفهمیم از حد خودمان فراتر رفته‌ایم. ایشان حتی قیافه ناراحتی از خود نشان نمی‌داد؛ ولی نگاه سنگینی از چهره‌اش صادر می‌شد که تحمل این نگاه برای ما خیلی دشوار بود و لذا سعی می‌کردیم در معرض این نگاه قرار نگیریم.^۲

۱. مهری زینهار؛ «نقش تشویق و تنبیه در تربیت کودک»؛ مجله «پیام زن»، مهر ۱۳۷۱، شماره ۷.

۲. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۶۵.

در صورت کارآیی نداشتن دیگر ابزار تربیتی، تنبیه بدنی در جایگاه عاملی بازدارنده به حساب می‌آید و چندان سازنده نیست؛ زیرا کودک ممکن است از ترس کتک، به ظاهر مرتکب خلاف نشود؛ اما عادت زشت خود را از دست ندهد. امام علی علیه السلام در مذمت کتک‌زدن می‌فرمایند: «خردمند، با ادب پند می‌آموزد و حیوانات با کتک و زدن تربیت می‌شوند».^۱

افزون بر نهی روایات از تنبیه بدنی، باید توجه داشت وجود فرزندان سرشار از عاطفه است و بسیاری از رفتار و گفتار خود را بر اساس برخوردهای عاطفی پدر و مادر تنظیم می‌کنند. امام صادق علیه السلام روش «قهرکردن» را روشی تأثیرگذار برای تنبیه کودک معرفی کرده و می‌فرمایند: «او را نزن، با او قهر کن؛ ولی این قهر را طولانی نکن».^۲ والدینی که همواره در برخورد با کودک خود از محبت و خوش‌رفتاری استفاده می‌کنند، می‌توانند در مواقع ضروری با خفیف‌ترین حالت تنبیه که قهرکردن است، در جایگاه ابزاری تربیتی و بازدارنده بهره‌برند تا فرزندشان درک کند والدین او را بی‌قید و شرط دوست دارند و برخلاف میل باطنی خود و تنها به منظور اصلاح رفتار او، ناگزیر او را تنبیه می‌کنند.

گاهی تشویق و تحریک بی‌جا یا تنبیه و اجبار غیرمنطقی می‌تواند

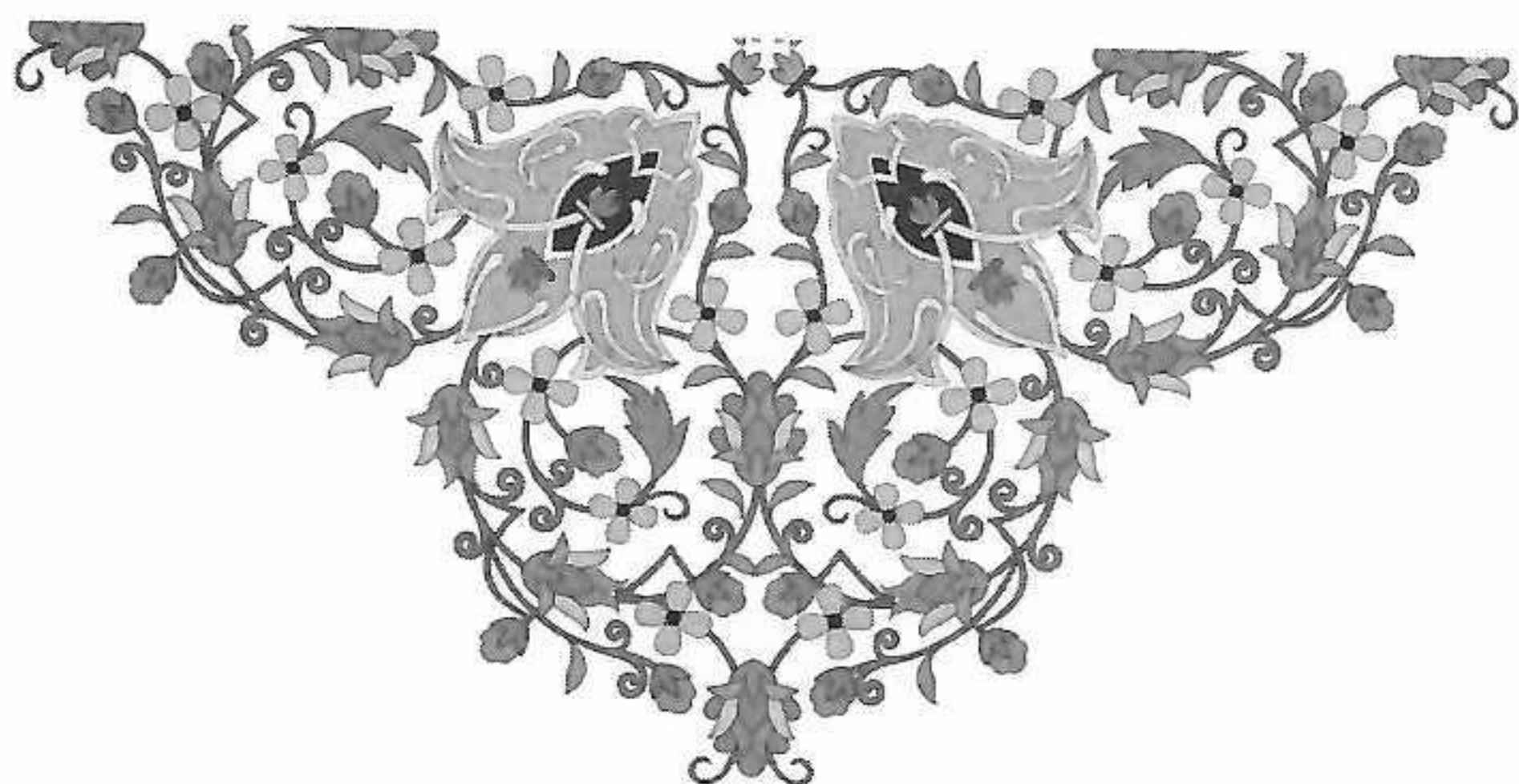
۱. «إِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَدَبِ وَ الْبَهَائِمُ لَا يَتَعَطَّى إِلَّا بِالضَّرْبِ»؛ ابوالفتح آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ ج ۱، ص ۶۸.

۲ «لَا تُضْرِبُهُ وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطْلُهُ»؛ محمدباقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۱۰۱، ص ۹۹.

در تصمیم‌گیری فرزندان تأثیر منفی بگذارد. بنابراین همین که والدین فرزندان را آگاه کنند و او را آزاد بگذارند تا خودش تصمیم عاقلانه و منطقی بگیرد، توانسته‌اند نقش تربیتی خود را ایفا نمایند؛ برای مثال برخی از پدرها می‌کوشند تا شغل و حرفه خود را به فرزند تحمیل کنند یا بنابر تعصب و علاقه‌ای خاص، اصرار دارند فرزندان به همان کار مشغول گردد؛ در حالی که شیوه صحیح تربیتی اقتضا می‌کند پدر تنها در حد راهنمایی و آگاه‌کردن فرزند خود ورود پیدا کند و اجازه دهد تا او خودش تصمیم بگیرد. شهید بهشتی یکی از پدرانی است که با وجود روحانی سرشناس بودن، هرگز فرزندان را مجبور به طلبه‌شدن نکرد و تنها با مهیا کردن فضا و شرایطی آزاد، آنها را برای اندیشیدن و انتخاب شایسته تشویق و ترغیب می‌نمود. فرزند شهید بهشتی می‌گوید:

با اینکه پدرم روحانی بود و پدر و پدر همسرش هم از روحانیون سرشناس اصفهان بودند؛ ولی هیچ‌یک از ما فرزندان خودش را تحریک و تشویق به وارد شدن به لباس روحانیت یا فراگیری علوم حوزوی نمی‌کرد. ایشان برخلاف بعضی از روحانیون که اصرار دارند حتماً یکی از فرزندان‌شان به کسوت روحانیت درآید تا به قول خودش این چراغ در خاندان آنان روشن بماند، ما را در راه و روش زندگی مان کاملاً آزاد گذاشته بود و به انتخاب ما هرچه که بود، به دیده احترام می‌نگریست.^۱

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۸۵.



فصل چهارم: آداب و شیوه‌های تعامل و مدارا با اعضای خانواده

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ
وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ
وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ» (تحریم: ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و
خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید؛
آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شده که خشن و سخت گیرند و هرگز فرمان
خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا
می‌نمایند!»

اشاره

نهاد خانواده، نخستین کانون رشد و آرامش انسان^۱ است که از قدمت چندهزارساله در جامعه بشری برخوردار است. افزون بر جایگاه ویژه خانواده در اسلام، مراقبت از کیان خانواده نیز مسئولیتی سنگین به شمار آمده و سبب نجات از رنج و عذاب دنیوی و اخروی خواهد گردید.^۲ قرآن و روایات برای خانواده اهمیت ویژه‌ای قائل شده و احکام و آداب فراوانی برای رشد و بالندگی و تعالی هرچه بیشتر آن مقرر کرده‌اند؛^۳ البته باید افزون بر این آداب، از خدای سبحان نیز نجات و آسایش معنوی و روزافزون خانواده را درخواست کرد. در اهمیت خانواده همین بس که به استناد آیات قرآن کریم، وقتی

۱. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»؛ روم: ۲۱؛ «وَجَعَلَ مِنْهَا

زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا»؛ اعراف: ۱۸۹.

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ تحریم: ۶.

۳. آیات مربوط به ازدواج، طلاق، نفقه، ارث و ...

حضرت ابراهیم علیه السلام به فرمان خدا همسر و فرزند خود را به مکه آورد، دست به دعا برداشت و عرض کرد: «پروردگارا! من برخی از فرزندانم (اسماعیل و نسل او) را در سرزمین بی کشت و زرع، در کنار خانه محترم تو سکونت دادم؛ تا نماز را برپا دارند؛ پس دل‌های گروهی از مردم را به آنان گرایش ده و آنان را از میوه‌ها و محصولات روزی عطا کن، باشد که سپاس‌گزاری کنند». ^۱ همچنین لوط نبی که پس از تلاش فرهنگی فراوان نتوانست مردم را از هلاکت برهاند، برای نجات خانواده باایمان خود چنین دعا کرد: «پروردگارا! من و خانواده‌ام را که تنها گروندگان به من هستند، از وزر و وبال آنچه این مردم انجام می‌دهند، رهایی بخش». ^۲

تعامل و مدارا با خانواده از آداب و شئون مختلفی برخوردار است؛ از جمله مهربانی و نیکی، توجه و خدمت، هم‌غذاشدن و توجه به خانواده در روز جمعه که به شرح هر کدام به طور مصداقی در سیره شهدای روحانی می‌پردازیم.

الف) مهربانی و نیکی به خانواده

خانواده باید کانون ارزش‌های معنوی و مقدس باشد. قرآن مجید با اشاره به قداست خانواده، آن را نهادی مقدس می‌داند که مبتنی بر

۱. «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْئِدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ»؛ ابراهیم: ۳۷.

۲. «رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ»؛ شعراء: ۱۶۹.

چند رکن معنوی است که عبارتند از: آرامش و سکون، عشق و دوستی، مهربانی و شفقت و هم‌یاری که انس و الفت نیز در بطن آن است.^۱ در فرهنگ اسلامی اولویت و تقدم خانواده اصل به شمار می‌آید و روایات فراوانی بر آن دلالت دارند. رسول خدا ﷺ بیان فرمودند: «هرگاه خدا به یکی از شما خیری عطا کرد، ابتدا خود و خانواده‌اش را از آن بهره‌مند سازد».^۲

اخلاق نیکو و سلامتی روحی یکی از نعمت‌های الهی است که به بندگان خود عطا کرده و شایسته است در مرحله اول آن را برای اهل و عیال خود صرف نموده و نهاد خانواده را به کانون مهر و محبت مبدل کند. فرزند شهید بهشتی درباره حسن خلق پدرش در خانه می‌گوید:

رفتار پدرم در اظهار محبت و برخورد با همه و از جمله در خانه بسیار گرم بود. ایشان توانایی این را داشت که مسائل خودش و کارهای بیرون از خانه‌اش را هیچ‌وقت به داخل خانه منتقل نکند. احساس می‌شد که همه این مسائل را در بیرون از خانه می‌گذارد و به منزل وارد می‌شود؛ البته به معنای آن نبود که کاملاً از این مسائل خلاص شده است؛ چون گاه ما احساس می‌کردیم حالت

۱. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمَلاً خَفِيفاً فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَوَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِنْ آتَيْنَا صَالِحاً لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ»؛ اعراف: ۱۸۹.

۲. «إِذَا أَعْطَى اللَّهُ أَحَدَكُمْ خَيْراً فَلْيَبْدَأْ بِنَفْسِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ»؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۳۶، ص ۳۶۲.

ایشان به گونه‌ای نبود که اگر چیزی می‌گفتیم، بگویند حالا حوصله ندارم باشد بعد، بلکه در این گونه مواقع می‌گفت حالا فرصت این را ندارم باشد در فرصت دیگری راجع به این امر صحبت می‌کنیم.^۱

نیکی به خانواده و برخورد شایسته با اهل خانه، افزون بر پاداش اخروی در دنیا نیز از آثار بالایی برخوردار است، گرچه این نیکوکاری به اندازه یک سلام کردن باشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «هنگام ورود به خانه سلام کن، خدا برکت را افزون می‌کند».^۲ خانواده‌داری افزون بر جلب برکت الهی، سبب افزایش عمر انسان نیز می‌گردد؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمودند: «هر که نسبت به خانواده‌اش نیکوکار باشد، خدا بر عمرش می‌افزاید».^۳

افزون بر آثار و برکاتی که برای نیکی به خانواده در روایات آمده است، گاهی سلام کردن یا برخورد سرشار از رأفت و همدلی سبب ایجاد آثار زیبا و ماندگاری در زندگی شهدای روحانی می‌شد و روح صفا و صمیمیت را بین زن و شوهر و دیگر اعضای خانواده حاکم می‌کرد. همسر شهید حجت‌الاسلام شاه‌آبادی درباره حسن تعامل و اخلاق نیکوی همسر خود در خانه می‌گوید:

در ابتدای زندگی وضع مالی خوبی نداشتیم؛ اما به خاطر محبت

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۶۶.

۲. «وَسَلِّمْ فِي بَيْتِكَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي بَرَكَتِكَ»؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۶۶، ص ۳۹۶.

۳. «وَمَنْ حَسَنَ بِرَّهُ بِأَهْلِهِ زَادَ اللَّهُ فِي عُمْرِهِ»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۸، ص ۲۱۹.

و توجه ایشان اصلاً این کمبود مالی به چشم نمی‌آمد. با اینکه از لحاظ امکانات مالی در سطح پایینی بودیم؛ اما به خاطر لطف و صفای ایشان این مسائل به چشم نمی‌آمد. زندگی مان لبریز از محبت بود؛ به همین خاطر انگار در باغ زندگی می‌کردیم.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز نسبت به اخلاق‌مداری تأکید کرده و درباره اهمیت و جایگاه آن فرمودند: «نزدیک‌ترین شما به جایگاه من در قیامت، نیکوترین شما از جهت اخلاق و سودمندترین شما نسبت به خانواده خویش است».^۲

بر اساس این روایت و به منظور مصداقیابی برای معرفی همنشین با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در قیامت می‌توان به شهید بهشتی اشاره کرد که صحنه‌های زیبایی از مدارا و احسان نسبت به خانواده را در خاطرات خود به یادگار گذارد. یکی از بستگان ایشان درباره همکاری این شهید بزرگوار با خانواده در انجام کارهای خانه می‌گوید:

پنجشنبه‌ها که ساعات کاری شهید بهشتی زودتر از روزهای دیگر به پایان می‌رسید، ایشان به منزل می‌آمدند و پس از لحظاتی دوباره به قصد خرید از منزل خارج می‌شدند و خرید یک هفته منزل را انجام می‌دادند. برای نمونه وقتی گوشت می‌خریدند، اصرار داشتند گوشت را خودشان قسمت کنند و هرچه خانم‌شان

۱. محمد بهمنی؛ سنگ صبور همه؛ ص ۲۳.

۲. «أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِيهِ»؛ محمد بن علی ابن

بابویه؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ ج ۲، ص ۳۸.

اصرار می کرد شما خسته هستید و کار دارید، بگذارید ما این کار را بکنیم؛ می گفتند نه من هم باید در خانه کاری را انجام بدهم. همه کارها را که نباید شما بکنید؛ من هم باید در خانه سهمی داشته باشم.^۱

همچنین طبق این روایت نبوی، همسر روحانی شهید علی اوسطی وی را از لحاظ ایمان و اخلاق نمونه می داند. او در طول سال های زندگی با شوهر شهیدش هیچ نقطه منفی در اخلاقیات او نیافته است. دختر شهید نیز می گوید:

آن قدر برای مادرم احترام قائل بودند که هیچ وقت نمی گفتند طاهره، می گفتند طاهره جان. هیچ گاه دستوری به هیچ یک از خانواده نداد. ظهر که خسته از مباحثه و درس می آمدند؛ اگر می گفتیم فلان چیز را نداریم، پای شان را در خانه نمی گذاشت، هر چه دست شان بود، می دادند و برای تهیه آنچه خواسته بودیم می رفتند. یادم می آید روزی دو برادر کوچک ترم خیلی با هم دعوا می کردند؛ مادرم به پدرم گفت: آقا جان یک لحظه به این بچه ها نگاه کنید. پدر گفت: بچه ها بیایید می خواهم نگاهتان کنم! نگاه شان کرد و خندید، بچه ها هم آرام شدند.^۲ این برخورد همراه با مهربانی و محبت شهید دربرگیرنده پیامی مهم است که مهربانی و نیکی به فرزندان و خانواده همواره سرلوحه زندگی

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۷۳.

۲. «مردی در آرزوی گمنامی (گفتگو با خانواده شهید حجت الاسلام علی اوسطی)؛ مجله «نامه جامعه»، بهمن ۱۳۸۳، شماره ۵.

شهدای روحانی بوده است.

امام سجاد علیه السلام درباره اهمیت نیکی به خانواده می‌فرماید: «پسندیده‌ترین شما نزد خدا، بهره‌دهنده‌ترین شما به خانواده است».^۱ شاید سبب قایل شدن چنین جایگاه رفیعی برای نیکی و تعامل با خانواده در روایات، از آن‌رو باشد که خانواده‌های سربلند و عزتمند و امت پرتلاش و همدل، سبب مباهات پیامبر صلی الله علیه و آله و آبرومندی مکتب اسلام می‌شوند؛^۲ چون خانواده در جامعه، به عنوان اساس و اصل و نسب افراد محسوب شده و در تکوین شخصیت افراد مؤثر بوده و نقش اساسی دارد و در صورتی که خانواده دستخوش آسیب و ضعف شود، جامعه دچار تزلزل اخلاقی و اجتماعی می‌شود.

با توجه به اوصاف و جایگاه رفیعی که برای نیکی و مهربانی با خانواده در کلام معصومین علیهم السلام بیان شده، شهدای روحانی از پیشتازان و اسوه‌های حقیقی خانواده‌داری به شمار می‌آمدند. آنها با وجود مشغله‌های کاری و گرفتاری‌هایی که داشتند، می‌کوشیدند دست‌کم به کم‌کاری خود در خانه اقرار کنند و برای همه کوتاهی‌ها از همسر و خانواده خود عذرخواه باشند. همسر شهید فضل‌الله محلاتی می‌گوید:

اگر خواسته غیر متعارفی داشتم، می‌گفت باید به اندازه شأن

۱. «وَإِنَّ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَشْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۸، ص

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ دائرة المعارف فقه مقارن؛ ج ۲، ص ۴۸۵.

خودمان زندگی کنیم؛ وگرنه در قیامت نمی‌توانم جواب بدهم. بیشتر وقت‌ها که احساس می‌کرد من ناراحت هستم، از من طلب حلالیت می‌کرد و می‌گفت: "گاهی که برای دستگیری من می‌آمدند، شما بیمار یا باردار بودید و اذیت می‌شدید، من را حلال کنید که ناراحت‌تان می‌کردم". بعضی مواقع که بعد از شش ماه از زندان آزاد می‌شد، به خانه می‌آمد و با مهربانی و لطف‌اش باعث می‌شد تمام ناراحتی‌ها که در نبودش احساس می‌کردم را فراموش کنم.^۱

ب) برآوردن نیازهای خانواده

هزینه‌کردن و تلاش برای تأمین نیازهای خانواده نزد خداوند ارزش بالایی دارد تا آنجا که رسول خدا ﷺ فرمودند: «هر آنچه را که مؤمن برای خود و خانواده و همسرش هزینه کند و نیز هر آنچه با آن آبروی خود را حفظ کند، برایش صدقه نوشته می‌شود».^۲ نیز فرمودند: «بهترین شما کسانی هستند که برای خانواده خود بهترین باشند و من برای خانواده خودم بهترین شما هستم».^۳ همچنین ایشان درباره خرید برای خانواده فرمودند: «کسی که به بازار رود و تحفه‌ای بخرد

۱. ابراهیم رستمی؛ شاهدان بصیرت؛ ص ۴۲.

۲. «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ مَا أَنْفَقَ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفَقَةٍ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ وَ أَهْلِهِ كُتِبَ لَهُ بِهَا صَدَقَةٌ وَ مَا وَقَى بِهِ عِرْضَهُ كُتِبَ لَهُ صَدَقَةٌ»؛ میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۷، ص ۲۳۹.

۳. «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي»؛ شیخ صدوق؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، ص ۵۵۵.

و آن را برای خانواده خویش ببرد، مانند کسی است که صدقه‌ای را به سوی نیازمندان می‌برد».^۱

مادر شهید روحانی حسین سرمستی درباره‌ی اهتمام و توجه فرزندش نسبت به خانواده و همسرش می‌گوید: «حسین هر وقت از منطقه برای مرخصی چندروزه به منزل باز می‌گشت، به کار حفر چاه مشغول می‌شد و دستمزدش را به همسرش می‌داد تا در غیاب او نیازمند نباشد و در تنگدستی به سر نبرد».^۲

از وظایف مرد در خانواده، رفع هم‌وغم و ناراحتی اهل خانه با تأمین لوازم و اسباب رفاه و آسایش آنها است؛ هر چند تأمین آن مستلزم سفر و رفتن به مأموریت کاری باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرگاه یکی از شما تنگدست شد، سفر کند و در پی فضل خدا باشد و خود و خانواده‌اش را ناراحت نکند».^۳ حضرت یعقوب علیه السلام برای تأمین نیاز خانواده خود، فرزندانش را به دربار حاکم مصر فرستاد تا با دریافت گندم مورد نیاز، قحط‌سالی را سپری سازند.^۴

همان‌گونه که مسئله‌ی اهتمام به خانواده در سنت و سیره انبیای

۱. «مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى ثُخْفَةً فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَةٍ إِلَى قَوْمٍ مَخَاوِجٍ»؛ شیخ صدوق؛ الأمالی؛ ص ۵۷۷.

۲. ابراهیم رستمی؛ شاهدان بصیرت؛ ج ۲، ص ۲۳۸.

۳. «إِذَا أَعْسَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَضْرِبْ فِي الْأَرْضِ وَ يَبْتَغِ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَ لَا يَغْمَ نَفْسَهُ»؛ میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۳، ص ۷.

۴. یوسف: ۵۸ - ۶۸.

الهی مرسوم و مورد توجه بوده است، سیره شهدای بزرگوار روحانیت نیز نماد تکرارپذیری این سنت حسنه است؛ از جمله از زبان فرزند شهید بهشتی این گونه می بینیم:

امور مالی خانه حساب و کتاب خاصی داشت. پدرم به صورت هفتگی مبلغ مشخصی را به مادرم می دادند تا خرج خانه بکند؛ ولی سخت گیری نمی کردند و به او نمی گفتند با این پول چه کار بکن و چه کار نکن.^۱

تأمین نیازهای خانه و خانواده در لسان روایات از جایگاه رفیعی برخوردار است؛ به گونه ای که گاهی ارزش و ثواب هزینه کردن برای خانواده را با اجر آزادکردن یک برده در راه خدا، هم تراز دانسته اند. امام سجاد علیه السلام در این باره فرمودند: «اینکه وارد بازار شوم و پولی داشته باشم که برای خانواده ام گوشتی بخرم که بدان نیاز دارند، نزد من از آزادسازی برده ای محبوب تر است».^۲ امام رضا علیه السلام نیز تلاش برای کسب روزی حلال و مخارج خانواده را بسان مجاهدت در راه خدا بر می شمارند.^۳

بنابراین خدمت به خانواده تنها ادای دین و وظیفه شرعی نیست،

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۹۶.

۲. «لَأَنَّ أَدْخَلَ السُّوقَ وَ مَعِيَ ذَرَاهِمُ أَتَّبَعُ بِهِ لِعِيَالِي لَحْمًا وَ قَدْ قَرَّمُوا أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْتِقَ

نَسَمَةً»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۴، ص ۱۲.

۳. «مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ حِلِّهِ لِيَعُوذَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَإِنْ غُلِبَ عَلَيْهِ فَلْيَسْتَدِنْ عَلَى اللَّهِ وَ عَلَى رَسُولِهِ مَا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ فَإِنْ مَاتَ وَ لَمْ يَقْضِهِ كَانَ عَلَى الْإِمَامِ قَضَاؤُهُ»؛ همان، ج ۵، ص ۹۳.

بلکه کفاره گناهان و دارای اجر و پاداش عظیمی است. چنان‌که پیامبر اسلام ﷺ به امیر مؤمنان علیه السلام سفارش فرمودند: «خدمت به خانواده، کفاره گناهان بزرگ، موجب فرونشاندن خشم الهی، مهریه حوریان بهشتی و موجب فزونی حسنات و درجات است. ای علی! به خانواده خدمت نمی‌کند مگر صدیق یا شهید یا مردی که خدا برایش خیر دنیا و آخرت را خواسته است».^۱

شهید بهشتی با توجه به مضمون روایات دال بر رعایت حقوق خانواده، نسبت به همه اعضای خانواده توجه ویژه‌ای داشتند و تلاش می‌کردند حق و حقوق یکایک افراد خانواده را رعایت کنند. فرزند شهید در این باره می‌گوید:

در خانه ما همه چیز سر جای خودش بود و با نقش تعیین‌کننده پدرم، آرامش خاصی در خانه ما حاکم بود؛ مثلاً برای برادرهایم که برای مدرسه می‌بایست کاردستی بسازند و نجاری بکنند، اتاقی در زیرزمین منزل آماده شده بود که این کارها در آنجا انجام می‌شد. یا مثلاً برادر کوچکم علاقه خاصی به قرائت قرآن داشت و از صدای خوبی هم برخوردار بود؛ موقع تمرین قرآن به این اتاق می‌رفت تا آزادانه به تمرین قرائت قرآن پردازد.^۲

همچنین خواهر شهید بهشتی درباره اتمام برادرشان در برنامه‌های

۱. «يَا عَلِيُّ خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَيُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ مُهُورُ حُورِ الْعَيْنِ وَ يَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ يَا عَلِيُّ لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صَدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۳، ص ۴۹.

۲. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۸۰.

شخصی فرزندان خود، این گونه روایت می کند:

با اینکه برادرم به لحاظ فعالیت های سیاسی و اجتماعی خیلی در تلاش بودند؛ ولی این فعالیت ها مانع رسیدگی ایشان به خانواده نمی شد. توجه به بنیان خانواده را در هیچ زمان و موقعیتی حتی در خطرترین مسئولیت هایی که به عهده داشت فراموش نمی کرد. روزی از اصفهان مهمان ایشان شدم، در خلال همه رفتاری های زیادی که داشت، به منزل آمد؛ ولی لباسش را درنیامورد. پرسیدم اگر برنامه ای از قبل دارید، مزاحم شما نباشیم، به کارتان برسید. گفتند نه خواهرجان! امشب برنامه من بازدید از اتاق علیرضاست. ایشان بر خودشان واجب می دانستند در مقاطع زمانی خاصی مثلاً این عید با لباس رسمی از یکایک فرزندان خود در اتاق های شان بازدید عید داشته باشد؛ درست مثل دیدارهایی که در بیرون از منزل با دیگران داشت.^۱

ج) همراهی با خانواده در برهه های مختلف زندگی

مؤمن باید خانواده اش را در همه خوشی ها و نعمت ها سهیم سازد؛ حتی در غذا خوردن نیز با آنان باشد. خداوند می فرماید: «و خدا برخی از شما را در بهره وری از روزی، بر برخی دیگر برتری بخشیده است؛ پس کسانی که برتری داده شده اند، حاضر نیستند روزی خود و امکان بهره برداری آزادانه از آن را در اختیار بردگان خود قرار دهند تا

در آن با هم برابر باشند». ^۱ امام صادق علیه السلام در شرح این آیه فرمودند: «شایسته نیست کسی غذایی را به خود اختصاص دهد و خانواده‌اش را در آن سهیم نسازد». ^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله یکی از نشانه‌های تواضع را هم‌غذاشدن مرد با خانواده‌اش دانسته و فرمودند: «آیا شما را به پنج چیز آگاه نکنم که اگر در کسی باشد، متکبر نیست؟ چوپانی و بستن گوسفند، پوشیدن لباس پشمی، همنشینی با تهیدستان، سوارشدن بر الاغ [کنایه از مرکب ارزان‌قیمت] و هم‌غذاشدن مرد با خانواده‌اش». ^۳

همنشینی و هم‌غذاشدن با خانواده از جلوه‌های به‌یادماندنی سیره شهدای روحانی در ذهن و فکر همسران و فرزندان‌شان است. شهید بهشتی که همه روزهای هفته به دلیل مشغله‌های فراوان فرصت هم‌غذاشدن با خانواده را نداشت، به طور جدی روزهای جمعه را برای حضور در خانه و همراهی و غذاخوردن کنار خانواده اختصاص می‌داد. در سیره زندگی ایشان آمده است:

ایشان هر وقت فکر می‌کرد جمعه را باید با بچه‌هایش بگذرانند،

۱. «وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَأْدِي رِزْقِهِمْ عَلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ»؛ نحل: ۱۱.

۲. «لَا يَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَخْصَّ نَفْسَهُ بِشَيْءٍ مِنَ الْمَأْكُولِ دُونَ عِيَالِهِ»؛ علی بن ابراهیم قمی؛ تفسیر القمی؛ ج ۱، ص ۳۸۷.

۳. «أَلَا أَنْبَأُكُمْ بِخَمْسٍ مَنْ كُنَّ فِيهِ فَلَيْسَ بِمُتَكَبِّرٍ اغْتِقَالَ الشَّاةِ وَلُبِسَ الصُّوفَ وَ مُجَالَسَةَ الْفُقَرَاءِ وَ أَنْ يَرْكَبَ الْحِمَارَ وَ أَنْ يَأْكُلَ الرَّجُلُ مَعَ عِيَالِهِ»؛ میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۲، ص ۳۵.

می‌گذرانید و همان کار را هم جدی انجام می‌داد یا اگر مثلاً فرض کنید با بچه‌هایش می‌خواست در حیاط خانه بازی کند، این کار را هم جدی انجام می‌داد؛ یعنی هیچ حالت شوخی و شلوول حرکت کردن مطلقاً در او نبود و این یکی از خصلت‌های بسیار مهم ایشان بود و در کنار این خصلت این قدر مهربان و عاطفی بود که با احساس، جنبه‌های عاطفی قضایا را همیشه ملحوظ می‌داشت.^۱

د) توجه ویژه به خانواده در روز جمعه

روز جمعه در اسلام از جایگاه و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پیامبر اسلام ﷺ فرمودند:

روز جمعه برترین روزهاست. پاداش حسنات در آن دوچندان می‌شود و درجات در آن برتر و دعاها پذیرفته و برآورده می‌شود و اندوه‌ها در آن مرتفع و حوایج بزرگ برآورده می‌شود و آن روزی است که شمار رهاشدگان از آتش جهنم افزوده می‌گردد. هرکه حرمت و حق آن روز را بشناسد و دعا کند، خداوند او را از آزادشدگان از جهنم قرار می‌دهد و اگر در شب و روز جمعه بمیرد، همچون شهید مرده است و در قیامت ایمن مبعوث می‌شود. و هرکه حرمت آن را کوچک بشمارد و حق آن را تباه کند، خداوند متعال او را به آتش جهنم می‌اندازد، مگر آنکه توبه کند.^۲

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۷۰.

۲. «إِنَّ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَيُّدُ الْأَيَّامِ يُضَاعَفُ فِيهِ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ وَيَسْتَجِيبُ فِيهِ الدَّعَوَاتِ وَيَكْشِفُ فِيهِ الْكُرْبَاتِ وَيَقْضِي فِيهِ الْحَوَائِجَ الْعِظَامَ وَ

این روایت نشان از اهمیت خانواده‌داری و اهتمام به اهل خانه دارد؛ به ویژه در روز جمعه که روز تعطیل و متعلق به خانواده است. شهدای روحانی نیز طبق آیات و روایات، توجه و احسان به خانواده را در هر حالتی نیکو می‌دانستند؛ ولی در سیره آنها روز جمعه برای نیکی به خانواده اهمیت ویژه‌ای داشت تا بدین وسیله زمینه توجه به ارزش این روز و معنویت‌گرایی در روز جمعه را برای خانواده خود فراهم آورند.

یکی از شخصیت‌های روحانی زبانزد در اهتمام به خانواده در روزهای جمعه، شهید بهشتی بود. یکی از نزدیکان ایشان می‌گوید: بارها شاهد بودم بعضی می‌خواستند روز جمعه برای کاری که داشتند خدمت آقای بهشتی برسند و مشکل خودشان را مطرح کنند و نظر ایشان را بگیرند و آقای بهشتی به آنها می‌گفت جمعه من مال خانواده است.^۱

شهید بهشتی می‌کوشید تا جمعه‌ها را به گونه‌ای متفاوت در کنار خانواده سپری کند. فرزند شهید در این باره می‌گوید: در برنامه ریزی شخصی پدرم، روز جمعه وقت اختصاصی برای

هُوَ يَوْمُ الْمَزِيدِ لِلَّهِ فِيهِ عُتَقَاءٌ وَ طُلُقَاءٌ مِنَ النَّارِ مَا دَعَا بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ وَ قَدْ عَرَفَ حَقَّهُ وَ حُرْمَتَهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَجْعَلَهُ مِنْ عُتَقَائِهِ وَ طُلُقَائِهِ مِنَ النَّارِ فَإِنْ مَاتَ فِي يَوْمِهِ وَ لَيْلَتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَ بُعِثَ آمِناً وَ مَا اسْتَخَفَّ أَحَدٌ بِحُرْمَتِهِ وَ ضَيَّعَ حَقَّهُ إِلَّا كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُضْلِيَهُ نَارَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يَتُوبَ»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۳، ص ۴۱۴.

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۷۰.

منزل بود و روش ایشان این بود که جمعه‌ها تلفن را می‌کشیدند، مگر در مواقع ضروری که باید تلفن زده می‌شد.^۱

در قسمتی دیگر در این باره فرزند شهید بهشتی می‌گوید:

اوقات فراغت پدرم در منزل ما در روز جمعه به گونه‌ای متفاوت سپری می‌شد؛ مثلاً ایشان بازی‌های دوران نوجوانی خودشان به نام گل یا پوچ را با ما داشتند که انگشترشان را در یک دست‌شان مخفی می‌کردند تا ما حدس بزنیم در کدام دست است. گاهی که ما را سرگرم مشاهده برنامه‌های تلویزیونی می‌دیدند، با لحن ملاطفت‌آمیز منتقدانه‌ای می‌گفتند حیف نیست هوای بیرون به این خوبی و گل و سبزه باغچه را رها کنید و در اتاق بنشینید. بعد ما را تشویق می‌کرد در کار علف‌چیدن باغچه ایشان را همراهی کنیم و از طبیعت لذت ببریم.^۲

همچنین این شهید بزرگوار در روزهای جمعه زمان مشخصی را برای هم‌سخنی با اهل خانه و فرزندان خود قرار داده بود. فرزند ایشان این لحظات شیرین و به‌یادماندنی را این‌گونه توصیف می‌کند:

پدرم در خانه به ما وقت معینی را اختصاص می‌داد که غالباً جمعه‌ها بود؛ ولی اینکه مثل بیرون وقت را تعیین کند و در دفتر بنویسد، نبود؛ مثلاً می‌گفت عصر جمعه در این مورد با هم صحبت می‌کنیم؛ یعنی جمعه‌های ایشان تا زمان پیروزی انقلاب تماماً متعلق به ما بود. اما وقتی انقلاب شد، نیمی از روز جمعه

۱. همان، ص ۶۰.

۲. همان، ص ۹۱.

مال ما بود.^۱

با رجوع به منابع دینی و روایی، اهمیت اهتمام به امور خانه و خانواده به‌ویژه در روز جمعه نمایان می‌شود؛ البته اهمیت تنها دربرگیرنده امور و برنامه‌های جاری خانواده نمی‌باشد، بلکه بر اساس فرمایش رسول اکرم صلی الله علیه و آله توجه به مسئله رفاه و خورد و خوراک خانواده به‌ویژه در روز جمعه، از مصادیق نیکی به خانواده به شمار می‌آید. ایشان در این باره فرمودند: «اهل خانواده خود را در روز جمعه از میوه یا گوشتی بهره‌مند سازید تا با آمدن جمعه شادمان شوند».^۲

بر اساس این‌گونه روایات، شهید بهشتی به رفاه و تفریح خانواده توجه بسیاری داشت. در سیره ایشان آمده است: «قبل از انقلاب در سال ۵۴-۵۳ بعضی از دوستان برای تأمین رفاه خانواده و فرزندان خود که دانش‌آموزان مدرسه رفاه بودند، شرکتی به نام سبزه تأسیس کردند تا سالی چند بار در روزهای تعطیل جمعه، اوقات فراغت خود را در باغی که در نزدیک کرج اجاره کرده بودند، سپری کنند. آقای بهشتی هم جزء کسانی بود که عضو این طرح شده بود. در این باغ علاوه بر برنامه‌های تفریحی، جلسات مذهبی تشکیل می‌شد که سخنرانی در این مجالس، اقامه نماز جماعت و اداره جلسات پرسش و پاسخ مذهبی بر عهده ایشان بود».^۳

۱. همان، ص ۷۱.

۲. «أَطْرِفُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ أَوْ اللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ»؛

شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۶، ص ۲۹۹.

۳. پیشین، ص ۶۱.

ه) خدمت به برادران و خواهران

رابطه خواهر و برادر یکی از موضوعات مهم و مورد توجه در موضوع پیوند با خویشاوندان است. آنها برای یکدیگر تکیه‌گاه مطمئنی هستند که در برابر مشکلات می‌توانند به هم پناه ببرند و در طول زندگی عزت، آبرو و سبب قدرت برای یکدیگر باشند؛ در این باره امام زین العابدین علیه السلام می‌فرمایند: «شما می‌توانید از خواهر یا برادرتان برای مقابله با دشمنان کمک بگیرید».

بر اساس کلام نورانی امام سجاد علیه السلام کسانی که بین‌شان اخوت برقرار است، حقوق متقابلی بر گردن یکدیگر دارند. قبل از بیان هر حقی، باید دانست برادر و برادر یا برادر و خواهر یا خواهر و خواهر چه نفعی می‌توانند برای همدیگر داشته باشند؟ از این‌رو آن حضرت می‌فرماید:

حق برادرت بر تو این است که بدانی او دست [پشتیبان] و عزت و نیروی توست؛ پس از او به عنوان سلاح (ابزار) در جهت معصیت خدا استفاده نکن و به عنوان نیروی کمکی در ستم به خلق خدا به کار نگیر و از یاری‌رساندن به او در برابر دشمنانش و خیرخواهی برای او، دست بردار. چون چنین است، پس حقوقی هم بر همدیگر دارند که باید رعایت نمایند. هیچ‌وقت از برادر و خواهرت به عنوان اسلحه‌ای برای رسیدن به خواسته‌های باطل و نادرست استفاده نکن؛ زیرا با این کار حق او را رعایت نکرده‌ای،

بلکه گرفتار عذاب و عقوبتش ساخته‌ای.^۱

در روایتی آمده است: «هرکه برادرش را گرامی بدارد، خدا را گرامی داشته است؛ پس گمان شما درباره پاداش کسی که خدا را گرامی بدارد، چیست؟»^۲ به یقین گرامی داشت خداوند با عمل به سفارش و تأکید روایات مبنی بر احترام و اهتمام نسبت به برادر را می‌توان در سیره شهدای روحانی به نظاره نشست؛ چنان‌که مادر شهید روحانی ابراهیم اکبریان درباره برادردوستی فرزندش می‌گوید:

یادم هست آخرین دفعه‌ای که پسر من به مرخصی آمده بود، برای او پیراهنی خریدم و به خاطر اینکه پول کمی داشتم، نتوانستم برای برادرش هم پیراهن بگیرم. وقتی به خانه رفتم و پیراهن را به او دادم، اول از همه به من گفت: «پس کو برای برادرم» و من گفتم:

۱. «وَأَمَّا حَقُّ أَخِيكَ فَإِنْ تَعَلَّمَ أَنَّهُ يَدُكَ وَ عِزُّكَ وَ قُوَّتُكَ فَلَا تَتَّخِذْهُ سِلَاحًا عَلَى مَعْصِيَةِ اللَّهِ وَ لَا عُدَّةً لِلظُّلْمِ لِخَلْقِ اللَّهِ وَ لَا تَدْعُ نُصْرَتَهُ عَلَى عَدُوِّهِ وَ النَّصِيحَةَ لَهُ فَإِنْ أَطَاعَ اللَّهَ تَعَالَى وَ إِلَّا فَلْيَكُنِ اللَّهُ أَكْرَمَ عَلَيْكَ مِنْهُ»؛ ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۶۳.

گرچه در کلام امام سجاد علیه السلام لفظ «أخ» که مرادف کلمه «برادر» در زبان فارسی است، به کار گرفته شده است؛ ولی جای شک و شبهه‌ای نیست که مراد از آن اعم از خواهر و برادر است؛ زیرا افزون بر صدق اخوت در هر دو مورد، آوردن کلمه «أخ» و استعمال آن به معنای برادر و خواهر در جایی که هر دو مورد نظر باشند، در زبان عربی متداول است و نظیر این قضیه آوردن کلمه «مومن» و اطلاق بر زن و مرد مسلمان است.

۲. «مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ فَمَا ظَنُّكُمْ بِمَنْ يُكْرِمُ اللَّهَ أَنْ يَفْعَلَ اللَّهُ بِهِ»؛ شیخ حر عاملی؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱۷، ص ۱۸۹.

«نتوانستم برایش بخرم». او پیراهن را باز نکرد و به برادرش داد؛ ولی متأسفانه پیراهن برای برادرش کوچک بود و نتوانست او را بپوشد و دوباره او را به ابراهیم پس داد. او نیز به خاطر اینکه برادرش غصه نخورد، پیراهن را نپوشید و به جبهه رفت و شهید شد و آن پیراهن هنوز نو مانده و از او یادگاری نگه داشته‌ایم.^۱

این تنها نمونه‌ای از هزاران خاطره دلنشین شهدا در تعامل و مدارا با خانواده بود که در ارتباط شهید اکبریان به تصویر کشیده شد. بروز و ظهور این گونه رفتارهای اخلاقی و معنوی در سیره و زندگی شهدا، با الهام از سیره اهل بیت علیهم‌السلام و سنت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله سرچشمه می‌گرفت. در تاریخ اسلام آمده هنگامی که سن مبارک پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله به هفت‌سالگی رسید، به دایه‌اش حلیمه فرمود: «مادر! برادرانم کجایند؟ گفت: ای دل‌بندم! آنان گوسفندانی را به چراگاه برده‌اند که خدا آنها را به برکت تو به ما عطا فرمود. آن حضرت فرمود: ای مادر! با من به انصاف رفتار نکرده‌ای! پرسید: چرا ای فرزندم؟ فرمود: من در سایه هستم و برادرانم در آفتاب و گرمای شدید».^۲

این فرمایش پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله حاکی از رعایت اخلاق الهی در

۱. نرم‌افزار «نشانه»؛ به نقل از: اطلاعات دریافتی از کنگره سرداران و ۳۲۰۰۰ شهید استان‌های خراسان.

۲. «فَلَمَّا صَارَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ قَالَ لِأُمِّهِ حَلِيمَةَ: يَا أُمِّي! أَيْنَ إِخْوَتِي؟ قَالَتْ: يَا بُنَيَّ! إِنَّهُمْ يَرْعَوْنَ الْغَنَمَ الَّتِي رَزَقَنَا اللَّهُ إِيَّاهَا بِبَرَكَتِكَ. قَالَ: يَا أُمَّاهُ! مَا أَنْصَفْتَنِي. قَالَتْ: كَيْفَ ذَلِكَ يَا وَلَدِي؟ قَالَ: أَكُونُ أَنَا فِي الظِّلِّ وَإِخْوَتِي فِي الشَّمْسِ وَالْحَرِّ الشَّدِيدِ»؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۵، ص ۳۷۶.

برخورد با اعضای خانواده خود و نیز روح ایثار و فداکاری ایشان نسبت به برادران خود می‌باشد. در روزگار کنونی یکی از زیباترین صحنه‌های ظاهرشده از برادری در خانواده‌ها و نیز بین مؤمنان جامعه، دوران شکل‌گیری انقلاب و دفاع مقدس بود. اتحاد، همدلی، ایثار و فداکاری خانواده‌ها و مردم ایران سبب شد تا آنها جامعه‌ای متحد در برابر دشمنان خلق کردند؛ در نتیجه منجر شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و هشت سال ایستادگی و مقاومت جانانه در جبهه‌های حق علیه باطل شد. مردمی که حاضر شدند به دلیل منافع دیگران، از منافع و دیدگاه‌های خود چشم‌پوشی کردند و بدین‌سان رفتار و سیره آنها به زیباترین جلوه‌های عملی و الگوهای رفتاری برای نسل‌های پس از خود بدل شد. شهید بهشتی از شخصیت‌های سرشناس انقلاب اسلامی است که با وجود برخورداری از جایگاه عالی معنوی و علمی در جامعه، همواره برای حفظ حرمت دیگران به‌ویژه خواهران و برادران خود به نظر و تصمیم آنها احترام می‌گذاشت. ایشان با اینکه همیشه در نظر داشت خواهر کوچک‌ترش با روحانی واجد شرایط وصلت کند؛ اما انتخاب را بر عهده خودش گذاشت. در خاطرات ایشان آمده است: «خواهرش به ازدواج با طلبه و روحانی تمایلی نداشت؛ لذا در اصفهان ماند و بعدها خواستگاری یکی دیگر از بستگان را پذیرفت. آقای بهشتی با اینکه در این مورد نظر دیگری داشتند، ولی چون نظر خواهرشان را با

این خواستگار موافق دیدند، نظر او را پذیرفتند».^۱

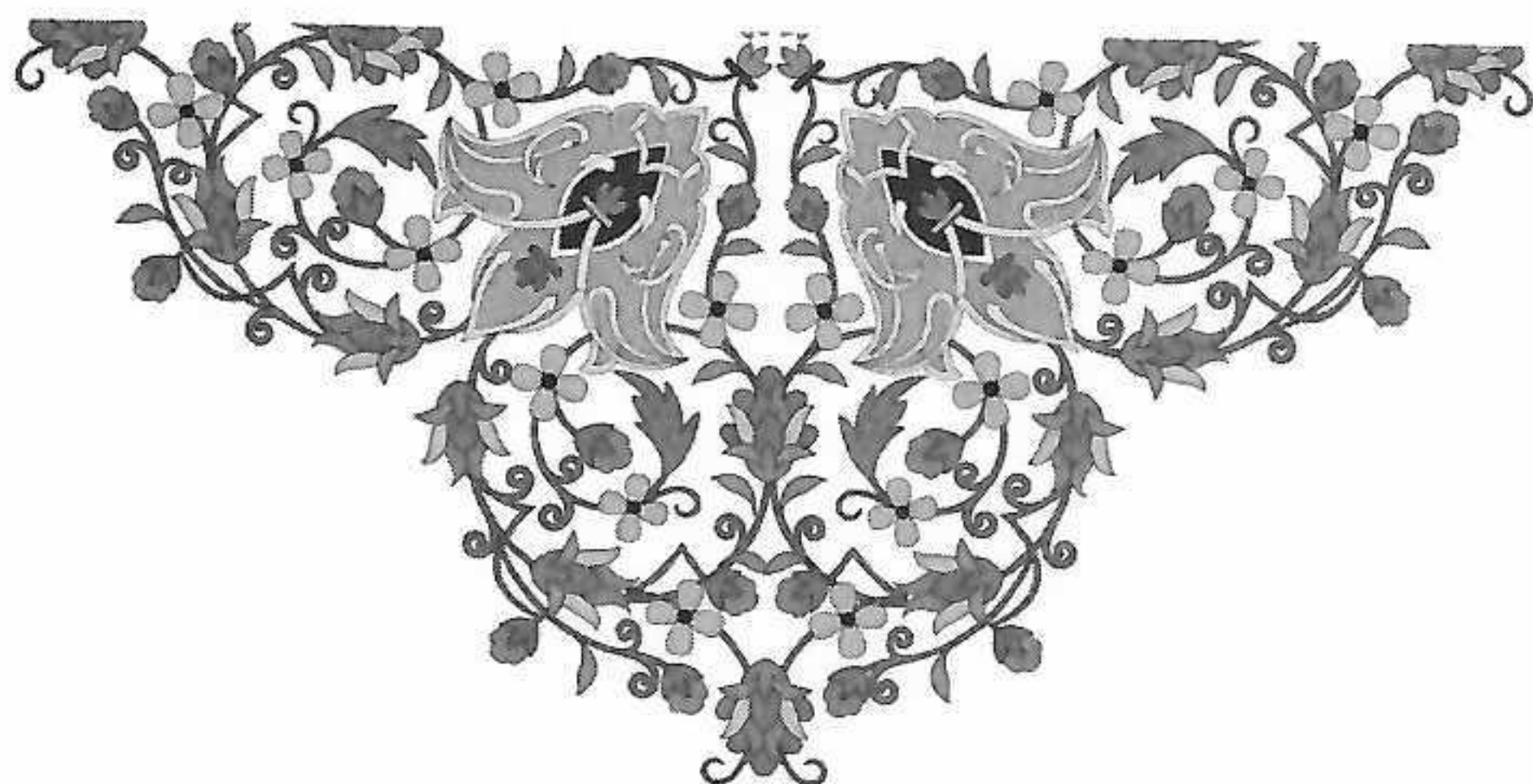
این خصلت نیکو نه تنها در زمان حیات در سیره و مرام شهدا تجلی داشت، بلکه پس از شهادت نیز در قالب سفارش‌هایی در وصیت‌نامه آنها به ثبت رسیده است. شهید ابراهیم فرجوانی نصیحت به برادر را در وصیت‌نامه خود نیز فراموش نکرده و می‌نویسد: «برادر جان! در اجتماعات مذهبی، نماز جماعت، نماز جمعه، دعای کمیل‌ها، نماز وحدت‌ها، شرکت کنید و به یاد شهدای صدر اسلام و امام حسین علیه السلام که در صحرای کربلا با یارانش در راه خدا و اسلام شهید شدند، باشید».^۲

ثمره توجه و اهتمام در نیکی به خواهر و برادر، آثار و برکات متعددی است که امام کاظم علیه السلام ضمن روایتی به آن اشاره فرمودند: «هر که با برادران و خانواده‌اش نیکوکار باشد، عمرش طولانی می‌شود».^۳ شاید منظور از عمر طولانی در این روایت، عمر بابرکت و زندگی نورانی باشد که شهدا مصداق کامل این چنین زندگی و سیره‌ای بودند.

۱. غلامعلی رجایی؛ سیره شهید بهشتی؛ ص ۴۶.

۲. مظفر چشمه سهرابی؛ گزیده موضوعی وصیت‌نامه شهدا با موضوع «امر به معروف و نهی از منکر»؛ ص ۹۴.

۳. «مَنْ حَسَنَ بَرَّةً يَأْخُوانِهِ وَأَهْلِيهِ مُدَّ فِي عُمَرِهِ»؛ ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص



فصل پنجم:

احترام و نیکی به والدین

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا * وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا» (اسراء: ۲۳ - ۲۴). و پروردگارت فرمان داده: جز او را نپرستید! و به پدر و مادر نیکی کنید! هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آنها، نزد تو به سن پیری رسند، کم‌ترین اهانتی به آنها روا مدار! و بر آنها فریاد مزن! و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو! و بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمت‌شان قرار ده!».

اشاره

پدر و مادر در جایگاه دو انسان فداکار که تمام بار مسئولیت‌های مربوط به تربیت فرزند را بر دوش دارند، نزد خداوند دارای جایگاه منحصر به فردی هستند. گرچه خداوند، علت حقیقی خلقت است؛ ولی والدین واسطه و علت ظاهری و مادی آفرینش فرزند و نیز عامل تربیت ابتدایی او هستند. والدین ریشه‌های زندگی هر فرد و جامعه‌ای بوده و بدون هیچ چشم‌داشتی، سرمایه زندگی‌شان را به پای فرزندان می‌ریزند. هیچ اندازه‌ای برای احسان به والدین وجود ندارد و احسان و مهربانی به آنان وظیفه‌ای است که خداوند بر دوش هر فردی نهاده است. بدین سبب در دین مقدس اسلام به اطاعت و احترام والدین تأکید بسیاری شده است؛ تا جایی که خدای متعال در کلام خود پس از ذکر توحید و بندگی، به احسان والدین توصیه کرده است:

«وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۱ خدای تو

فرمان داده است که جز او نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید». بنابراین برخورد مؤدبانه و همراه با احترام، دستگیری از آنان و کمک به آنان به‌ویژه در زمان پیری و سالخوردگی، تکریم ایشان نزد دیگران، رفتار عاشقانه و اطاعت‌پذیری و رفع نیازهای پدر و مادر، از وظایف فرزند به شمار می‌آیند و نه تنها سبب خشنودی و رضایت خداوند متعال می‌شوند، بلکه زمینه‌های رشد مادی و معنوی فرد در دنیا و سعادت او را در آخرت فراهم می‌کنند.

در ادامه ضمن معرفی جایگاه پدر و مادر در آیات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام، مهم‌ترین حقوق مشترک و اختصاصی والدین را از رهگذر خاطرات و سیره شهدای روحانی بازخوانی می‌کنیم.

الف) مهم‌ترین حقوق والدین از دیدگاه اسلام

در اسلام به اندازه‌ای که نسبت به احترام و تکریم والدین و آثار مطلوب و بزرگ آن سفارش شده، نسبت به مسائل دیگر توصیه نشده است. این مسئله بر کسی پوشیده نیست و از اموری است که نزد خداوند متعال جایگاه عظیمی دارد.

برای نمونه رعایت نهایت فروتنی و مهربانی در حق آنها در حال حیات و مرگ‌شان توصیه شده و معادل نماز، جهاد و حج به شمار رفته است؛ حتی تشکر از آنان مقارن شکر الهی قرار گرفته است. قرآن کم‌ترین بی‌احترامی در برابر پدر و مادر را اجازه نداده است. با وجود اینکه جهاد یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اسلامی است، تا

زمانی که جنبهٔ وجوب عینی پیدا نکند؛ یعنی داوطلب به اندازهٔ کافی باشد، بودن در خدمت پدر و مادر از آن مهم‌تر است و اگر سبب ناراحتی آنها شود، جایز نیست.^۱

بنابراین می‌توان گفت از مهم‌ترین حقوق واجب بر عهدهٔ انسان، حقوق فرزندان نسبت به والدین است. خداوند نیز در آیات متعددی از قرآن سخن از والدین و احسان و نیکی در حق آنها را به میان می‌آورد که البته حق نیز همین است که خداوند عالم نسبت به دو فرشتهٔ زمینی که از ابتدای تولد انسان زحمتهای فراوانی را متحمل شده‌اند، این‌گونه توجه و سفارش بکند. در قرآن نیکوکاری نسبت به والدین پس از عبادت خدا و نهی از شرک‌ورزیدن به او آمده و سپاس‌گزاری از پدر و مادر با شکرگزاری از خدا مقارن شده است؛ البته تا آنجا که فرمان‌برداری از والدین به مخالفت الهی نینجامد.

در گفتار ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز مسئلهٔ احترام و توجه به والدین چنان مورد توجه واقع شده که اطاعت‌پذیری و احترام به پدر و مادر از نشانه‌های ایمان و نگاه‌کردن به آنان عبادت و رفتار نیک با آنان از محبوب‌ترین اعمال در پیشگاه الهی دانسته شده و رضایت یا غضب خداوند در خشنودی یا ناخشنودی والدین از فرزند خود معرفی شده است. بنابر روایات کسی که به پدر و مادر خود نیکی می‌کند، مستحق ورود به بهشت می‌باشد و ثواب نیکی‌هایی که به نیابت از آنها انجام می‌دهد، بیشتر برای خود او ثبت می‌شود. از سوی دیگر

۱. ناصر مکارم شیرازی؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۲، ص ۹۵.

عاق والدین سبب محرومیت از بهشت، لعن خدا، سلب توجه و رحمت و نعمت پروردگار می‌شود.^۱

یکی از فرزندان حق‌شناس در حق والدین که در زمانه ما ظهور کرد، روحانی شهید عباس شیرازی بود. او با وجود گرفتاری‌های متعدد و فعالیت‌های گوناگون در دوران انقلاب و پس از آن، هرگز از نیکی و محبت و توجه به پدر و مادرش که در تربیت او زحمات‌های بسیاری کشیده بودند، غافل نمی‌شد. در هر فرصتی به دیدن‌شان می‌رفت و با تواضع و فروتنی تمام به آنان خدمت می‌کرد.^۲

همسر این روحانی شهید درباره احترام ویژه شوهرش به والدین خود می‌گوید: «زمانی که در قم بودیم، سعی می‌کرد هر چند وقت یک‌بار حتماً به کشکوئیه (شهرستانی در استان کرمان) برود. تا فرصتی پیش می‌آمد، مثلاً حوزه تعطیل می‌شد یا به هر دلیل دیگر وقت و استراحتی پیدا می‌کرد، اولین کارش این بود که به پدر و مادر سر بزند و اگر حیانه کاری هست، مثل پسته‌چینی و...، کمک کند».^۳

با الهام از سیره شهدای روحانی و بر اساس سفارش شریعت اسلام، ضرورت رعایت حقوق والدین و آثار و نتایج معنوی آن در

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۴، ص ۴۶.

۲. ابراهیم رستمی؛ شاهدان بصیرت؛ ص ۱۸۵.

۳. محمدعلی قربانی؛ سردار خطیب: سیری در زندگی شهید شیخ عباس شیرازی؛ ص ۱۳۹؛ به نقل از طایفه حائری، همسر شهید.

زندگی انسان بیش از پیش روشن می‌شود. با مرور سیره نورانی شهید زین العابدین عبدی در می‌یابیم که این روحانی شهید چگونه نسبت به رعایت خصلت ادب و احترام نسبت به دیگران به‌ویژه والدین خود کوشا بوده است. به گفتهٔ دوستان شهید: «وی علاوه بر پدر و مادر، با دیگران چنان رفتاری انسانی و اسلامی داشت که او را الگوی خود می‌دانستند و قول و عملش، برای آنها سند بود».^۱

اکنون پس از تبیین ضرورت و اهمیت رعایت حقوق والدین و بیان چند نمونه از مصادیق آن در خاطرات و سیره شهدای روحانی، در این بخش به معرفی برخی از مهم‌ترین حقوق والدین از نگاه منابع اسلامی می‌پردازیم و زوایای مهم رعایت این حق را از رهگذر سیره و زندگی شهدای روحانی مرور می‌کنیم.

۱. دعا برای والدین

رضایت والدین سبب گشایش روزی، افزایش عمر و دفع مرگ‌های بد از زندگی انسان است. اگر پدر و مادر از انسان راضی باشند، نخستین هدیهٔ نصیب او، جلب رضایت الهی است و در مرحلهٔ بعد، نقش و تأثیر مثبت و سازنده‌ای در زندگی و عاقبت به‌خیری انسان خواهد گذاشت.

یکی از راه‌های به‌دست‌آوردن رضایت والدین، دعا و استغفار فرزند از درگاه پروردگار برای والدین است؛ البته گفتنی است در

۱. مجموعه خاطرات شهدای طلبه و روحانی شهرستان چالوس، راوی: یکی از دوستان شهید.

وجوب نیکی به والدین و دعای خیر برای آنها، بین زنده و مرده بودنشان فرقی نیست؛ احترام و نیکی به والدین تکلیف مهمی است که حتی پس از مرگ آنها نیز استمرار دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرٌّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا»^۱ سرور نیکوکاران در قیامت مردی است که به والدین خود پس از مرگشان نیکی کند».

بر اساس این سفارش پیامبر صلی الله علیه و آله، در کتاب یادگاران درباره سیره عملی روحانی شهید علی رهنمون آمده است: «وقتی مادرش فوت کرد، نه گریه کرد، نه سروصدا راه انداخت، بلکه نشست تا صبح بالای سرش قرآن خواند».^۲

دعا کردن به هر زبان و گونه‌ای پسندیده است و نمونه‌هایی در روایات برای آن بیان شده است؛ مانند به‌جا آوردن قضای عبادات‌شان، انجام کارهای خیر و صدقه برای والدین، طلب آمرزش و مغفرت برای آنها، پرداخت دیون و قرض آنان و هر کاری که سبب رسیدن ثواب به پدر و مادر می‌شود. قرآن نیز به برخی از دعاها در حق والدین سفارش می‌نماید:

- پروردگارا! مرا و پدر و مادرم را بیامرز.^۳
- پروردگارا! همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند،

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۷۱، ص ۸۶.

۲. محمد رضاپور؛ یادگاران ۱۶: کتاب شهید محمدعلی رهنمون؛ ص ۱۱.

۳. «رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ»؛ نوح: ۲۷.

مشمول رحمت‌شان قرار ده.^۱

- پروردگارا! من و پدر و مادرم و همه مؤمنان را، در آن روز که حساب برپا می‌شود، بیامرز.^۲

انبوه سفارش‌های واردشده در قرآن و روایات، حجت را بر شهید حمیدرضا جعفرزاده تمام کرده بود تا برای ادای حق پدر و مادر خویش از کم‌ترین فرصت‌های ایجادشده دریغ نورزد. برادر شهید در وصف این ویژگی پسندیده او می‌گوید: «یادم می‌آید که مدت‌ها پدرم در بستر بیماری بود. هر وقت حمید به مرخصی می‌آمد، دیگر اجازه نمی‌داد که ما بالای سر پدر بمانیم. می‌گفت: شما زحمت خودتان را کشیده‌اید. بگذارید من هم در ثواب رسیدگی به پدر شریک باشم. بالای سر پدر می‌نشست و قرآن می‌خواند و برایش دعا می‌کرد».^۳

همان‌گونه که دعای فرزند در حق والدین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، دعای خیر والدین در حق فرزند نیز بسیار ارزشمند است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «دعای پدر برای فرزند، همچون دعای پیامبر برای امت است».^۴

۱. «رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛ اسراء: ۲۴.

۲. «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ»؛ ابراهیم: ۴۱.

۳. گروه مؤلفان؛ رسم خوبان؛ ج ۲۴، ص ۸۷.

۴. «دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ كَدُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ»؛ ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحه؛

۲. فروتنی و احترام در برابر والدین

خداوند در قرآن کریم دربارهٔ فروتنی و احترام در برابر والدین می‌فرماید: «و از سر مهربانی بال فروتنی را برای آن دو بگستر و بگو: پروردگارا! بر آنان رحمت آور، چنان که مرا در کودکی پروردند».^۱

بر اساس مضمون آیات قرآن کریم، می‌توان منش و سیره طلبه شهید علی ماهانی در برخورد با پدرش را مصداق و ترجمان آیه ۲۴ سوره اسرا دانست. پدر این شهید دربارهٔ فرزند خود می‌گوید: «یک بار هم ندیدم که این جوان حرمت موی سفید ما را بشکند؛ بی‌سوادى ما را به رخ ما بکشد. از در اتاق که وارد می‌شدم، از جا نیم‌خیز می‌شد. اگر بیست بار هم می‌رفتم و می‌آمدم، همین کار را می‌کرد. می‌گفت: این دستور خداست».^۲

دربارهٔ اهمیت و ضرورت نیکی و احترام به والدین، افزون بر آیات قرآن کریم، در روایات نیز تأکید و سفارش‌های متعددی آمده است. امام صادق علیه السلام فرمودند: «چشم‌هایت را جز از روی دلسوزی و مهربانی، به آنها (یعنی پدر و مادر) خیره نکن و صدایت را از صدای آنها بلندتر نکن. دست‌هایت را بالای دست‌های آنها نبر و جلوتر از آنان راه نرو».^۳ نیز در روایت دیگری فرمودند: «کسی که از

۱. «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذِّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛

اسراء: ۲۴.

۲. گروه مؤلفان؛ رسم خوبان؛ ص ۴۷.

۳. «لَا تَمْلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَ رِقَّةٍ وَ لَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا وَ لَا يَدَكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا وَ لَا تَقْدِّمْ قُدَّامَهُمَا»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۱۵۸.

روی نفرت به پدر و مادرش که به او ستم کرده‌اند نگاه کند، نمازش در درگاه الهی پذیرفته نمی‌شود».^۱ در روایت دیگری فرمودند: «و هر که با دیدهٔ مهربانی به چهرهٔ پدر و مادر نظر کند، خداوند حج مقبول شده برایش می‌نویسد».^۲

تأکید بر مهربانی و نهی از بداخلاقی و اهانت نسبت به والدین در برخورد فرزندان با آنها انگیزه اصلی شهدا برای رفتار و برخورد محترمانه و به دور از جسارت آنها در همه حال شده بود؛ به نحوی که پدر طلبة شهید صمد کرنوش نقل می‌کند:

فرزندم صمد در رابطه‌اش با من، نهایت احترام و ادب را رعایت می‌کرد و این امر همیشه باعث شرمندگی من می‌شد. سفری با هم به مشهدالرضا علیه السلام مشرف شدیم. در طول مسیر حتی یک بار هم زودتر از من سوار ماشین یا زودتر پیاده نشد. یادم هست در مشهد یک عکس دونفری به عنوان یادگاری گرفتیم؛ در آن عکس شهید مقداری پاهایش را خم کرده بود. علت آن را نمی‌دانستم. با خود می‌گفتم شاید حواسش نبوده؛ ولی بعداً دخترم از خود او پرسیده بود که چرا در عکس پاهایت را خم کرده‌ای؟ صمد جواب داده بود: برای اینکه نمی‌خواستم قدم از پدر بلندتر باشد و شاید او ناراحت شود.^۳

۱. «مَنْ نَظَرَ إِلَى أَبَوَيْهِ نَظْرَ مَاقَاتٍ وَ هُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۳۴۹.

۲. «مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْظُرُ إِلَى وَجْهِ وَالِدَيْهِ نَظْرَ رَحْمَةٍ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا حَجَّةً مَقْبُولَةً مَبْرُورَةً»؛ ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحه؛ ص ۷۰۷.

۳. گروه مؤلفان؛ یادواره شهدای روحانیت؛ ویژه بزرگداشت شهدای طلبه شهرستان مرند؛ ص ۲۲۷؛ راوی: پدر شهید.

همچنین در وصف اخلاص و کرنش روحانی شهید محمد حسن ابراهیمی در برابر پدر بزرگوارش نیز آمده است: «باوجود اینکه شهید ملبس به لباس روحانیت بود و از جایگاه اجتماعی بالایی برخوردار بود، در هر جایی و مکانی که پدر را می‌دید، بدون هیچ ملاحظه‌ای خم می‌شد و دست ایشان را می‌بوسید».^۱

سفارش روایات درباره پدر و مادر تنها به رفتار نیکو با آنها خلاصه نمی‌شود، بلکه اهل بیت علیهم‌السلام در همه ابعاد شیعیان را به رعایت حقوق والدین و حفظ حرمت آنها سفارش کرده‌اند. امام کاظم علیه‌السلام می‌فرمایند: «کسی نزد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آمد و از حق پدر و فرزند سؤال کرد. حضرت در پاسخ او فرمود: باید او را با نام صدا نزنند (بلکه بگویند پدرم!) و جلوتر از او راه نرود، قبل از او ننشینند و کاری نکنند که مردم به پدرش بدگویی کنند».^۲

این روایت نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده فروتنی فرزند در برابر والدین خود است؛ اوج این فروتنی و تواضع را می‌توان در اولویت‌بندی روحانی شهید قربانعلی عرب در سرکشی به خانواده‌اش در مرخصی‌هایی که از جبهه به خانه می‌آمد، مشاهده کرد. نویسنده کتاب این عمار در وصف حالات این شهید روحانی خاطره‌ای را بدین شرح آورده است:

۱. گروه مؤلفان؛ ماه گویان: گردآوری کنگره شهیدای روحانی استان بوشهر؛

ص ۲۹.

۲. شیخ کلینی؛ اصول کافی؛ ج ۲، ص ۱۵۹.

تازه از جبهه به اصفهان رسیده بود؛ اول به دیدن مادرش رفت و جویای حالش شد. بعد از آن به خانه خودش، سراغ زن و بچه‌اش رفت. اگر خواهرها و برادرها از اخلاق مادر شکایت می‌کردند می‌گفت: "بگذارید اگر حرفی هست، از مادرتون بشنوید". همیشه احترامش را حفظ می‌کرد. می‌گفت: "این مادر برای ما هم مادر بوده و هم پدر، خیلی باید هواشو داشته باشیم".^۱

۳. قلمرو اطاعت از والدین

محدوده فرمان‌برداری از پدر و مادر و حفظ حرمت آنها تا آنجاست که قرآن کریم به صراحت توصیه می‌کند اگر پدر و مادر کافر هم باشند، رعایت احترام آنها لازم است: «اگر آنها به تو اصرار کنند که مشرک شوی، اطاعت‌شان مکن؛ ولی در زندگی دنیا به نیکی با آنها معاشرت نما و در حق‌شان ستم و خشونت روا مدار».^۲

اهمیت این موضوع تا اندازه‌ای است که در چهار سوره از قرآن مجید، نیکی به والدین بلافاصله بعد از مسئله توحید و یگانگی پروردگار قرار گرفته است؛ نظیر آیات:

* «خدای یکتا را پرستید و هیچ چیز را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و ... نیکی و مهربانی کنید».^۳

۱. هاجر کرمانی؛ این عمار: بر اساس زندگی شهید قربانعلی عرب؛ ص ۴۰.

۲. «وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَى أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا»؛ لقمان: ۱۵.

۳. «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ»؛ نساء: ۳۶.

* «پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید».^۱

* «به جز خدا را نپرستید و نیکی کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران».^۲ در واقع هم‌ردیف بودن بیانگر آن است که اسلام تا چه اندازه برای پدر و مادر احترام قایل است. افزون بر تأکید در آیات متعدد قرآن کریم و تعیین محدوده اطاعت‌پذیری از والدین، امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «حق پدر بر فرزند این است که فرزند در هر چیزی جز معصیت خداوند، از پدر اطاعت کند».^۳ امام صادق علیه السلام حتی نگاه نفرت‌آمیز به والدین ستمگر را هم اجازه نداده و فرمودند: «کسی که از روی نفرت به پدر و مادرش که به او ستم کرده‌اند، نگاه کند، نمازش در درگاه الهی پذیرفته نمی‌شود».^۴ پس از کشف جایگاه مهم اطاعت از والدین، در نهایت به این فرمایش امام رضا علیه السلام واصل می‌شویم که فرمودند: «نیکی به پدر و مادر واجب و لازم است اگرچه مشرک و کافر باشند؛ ولی در معصیت خدا نباید اطاعت‌شان کرد».^۵

۱. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛ اسراء: ۲۳.

۲. «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِين»؛ بقره: ۸۳.

۳. «فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ»؛ نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ ص ۵۴۶، حکمت ۳۹۹.

۴. «مَنْ نَظَرَ إِلَىٰ أَبَوَيْهِ نَظَرَ مَاقَاتٍ وَهُمَا ظَالِمَانِ لَهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ لَهُ صَلَاةً»؛ همان، ص ۳۴۹.

۵. «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَا مُشْرِكَيْنِ وَلَا طَاعَةَ لَهُمَا فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ»؛ محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۱۰، ص ۳۵۶.

بر اساس روایاتی که بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت جز در موضع معصیت و نافرمانی خداوند، هیچ بهانه‌ای برای سرپیچی از اوامر و فرمان والدین پذیرفته نیست و اهل بیت علیهم‌السلام ما را به اطاعت‌پذیری از پدر و مادر سفارش کرده‌اند؛ تا آنجا که امام صادق علیه‌السلام خطاب به جابر، نیکی به پدر و مادر را از نشانه‌های شیعه خوانده و فرمودند: «ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی‌شوند مگر با نیکی به والدین».^۱

امام صادق علیه‌السلام در روایتی دیگر ترک نیکی به والدین را حتی درباره پدر و مادر فاجر جایز ندانسته و می‌فرمایند: «سه چیز است که خداوند متعال به احدی اجازه ترک آنها را نداده است: ۱. نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا فاجر؛ ۲. وفای به عهد با نیکوکار و بدکار؛ ۳. ادای امانت به نیکوکار و بدکار».^۲

با بررسی خاطرات دوران دفاع مقدس گاهی به رزمندگانی برمی‌خوریم که خانواده و والدین آنها با خط امام، انقلاب و جبهه همسو نبودند و با انقلاب اسلامی مخالفت داشتند؛ ولی فرزندان‌شان هرگز حرمت آنها را نشکستند و تنها با بیان لطیف و گفتگوی مهربانانه درصدد روشنگری آنها بودند.

۱. «فَوَاللَّهِ مَا شِيعَتُنَا إِلَّا مَنْ اتَّقَى اللَّهَ وَأَطَاعَهُ وَمَا كَانُوا يُعْرِفُونَ يَا جَابِرُ إِلَّا بِالتَّوَاضُّعِ وَ...

وَالْبِرِّ بِالْوَالِدَيْنِ»؛ شیخ کلینی؛ الکافی؛ ج ۲، ص ۷۴.

۲. «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَاحِدٍ مِّنَ النَّاسِ فِيهِنَّ رُخْصَةٌ بِرِّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرَيْنِ وَوَفَاءٌ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ وَادَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ»؛ ابن شعبه حرانی؛ تحف

العقول؛ ص ۳۶۷.

۴. احسان و نیکی قبل از ابراز نیاز والدین

طبق توصیه روایات، باید قبل از درخواست پدر و مادر نیاز آنها را برطرف کرد. شخصی می گوید معنای آیه «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»^۱ را از امام صادق علیه السلام پرسیدم. حضرت در پاسخ فرمودند: «احسان به والدین این است که رفتارت را با آنها نیکو کنی و مجبورشان نکنی تا چیزی را که نیاز دارند، از تو بخواهند؛ هرچند بی نیاز باشند».^۲

بر اساس توصیه اهل بیت علیهم السلام درباره احسان و نیکی به والدین، فرزند شهید حجت الاسلام شیخ فضل الله محلاتی در وصف روحیه رئوف پدر در برآورده کردن نیازهای والدین و کمک مخفی به آنها می گوید:

پدرم فرزند بزرگ خانواده بود. به پدر و مادر خود احترام زیادی می گذاشت و مواظب سلامت آنها بود. در ماه حداقل یکی دو بار به محلات می رفت و برای احوالپرسی به آنها سر می زد. اگر احتیاج می شد، آنها را به دکتر می برد. او نسبت به مادرش احترام ویژه ای قایل بود. اگر می خواست کمک مالی به والدین خود بکند، مخفیانه می گذاشت توی کیف مادرش؛ طوری که ناراحت نشوند. حتی یک بار هم نشنیدیم که نسبت به ایشان از کلمه "تو" استفاده کند؛ حتی وقتی مادر خواب بود، از بالای سرش رد نمی شد.^۳

۱. اسراء: ۲۳.

۲. «الْإِحْسَانُ أَنْ تُحْسِنَ صُحْبَتَهُمَا وَلَا تَكْلَفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئاً هُمَا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ وَإِنْ كَانَا

مُسْتَغْنَيْنِ»؛ میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۵، ص ۱۷۳.

۳. مسعود انصاری راد؛ پرواز در پرواز؛ ص ۶۰.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرمودند: «چهار صفت در هریک از مؤمنان باشد، خدا او را در والاترین مرتبه بهشت، در غرفه‌هایی برتر از همه غرفه‌های بهشتی و عالی‌ترین مرتبه شرف جا می‌دهد...؛ کسی که به پدر و مادر خود انفاق کند، با آن دو مدارا کند، به آنان نیکی کند و آن دو را اندوهگین نسازد».^۱

۵. خشنودکردن والدین

بر اساس روایتی، نخستین چیزی که خدا در لوح محفوظ نگاشته این است: «خدایی جز من نیست و هرکه پدر و مادرش از او خشنود باشند، من از او خشنود هستم».^۲ انسان می‌تواند با رعایت این مسئله از نظر معنوی خود را به جایگاه بالا و سعادت اخروی برساند و با رعایت نکردن آن می‌تواند خود را به شقاوت و سوق به بدبختی‌ها بکشانند. امام صادق علیه السلام نیکی به والدین را یکی از عبادات مهم برای رسیدن به رضایت پروردگار دانسته و می‌فرماید: «نیکی به پدر و مادر، از حُسن معرفت بنده به خدا سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا هیچ عبادتی، زودتر از رعایت حرمت پدر و مادر مسلمان، به رضایت

۱. «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَسْكَنَهُ اللَّهُ فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ فِي غُرْفٍ فَوْقَ غُرْفٍ فِي مَحَلِّ الشَّرَفِ كُلِّ الشَّرَفِ مَنْ آوَى الْيَتِيمَ وَنَظَرَ لَهُ فَكَانَ لَهُ أَبًا رَحِيمًا وَمَنْ رَجَمَ الضَّعِيفَ وَاعَانَهُ وَكَفَاهُ وَمَنْ أَنْفَقَ عَلَىٰ وَالِدَيْهِ وَرَفَقَ بِهِمَا وَبَرَّهُمَا وَلَمْ يَحْزَنْهُمَا»؛ شیخ مفید؛ الأُمَالِی؛ ص ۱۶۷.

۲. «وَرُوِيَ: أَنَّ أَوَّلَ مَا كَتَبَهُ اللَّهُ فِي اللَّوْحِ الْمُحْفُوظِ إِنِّي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا مَنْ رَضِيَ عَنْهُ وَالِدَاهُ فَأَنَا عَنْهُ رَاضٍ»؛ شیخ مفید؛ الأُمَالِی؛ ص ۱۷۶.

خدا منجر نمی شود».^۱

در خاطرات روحانی شهید احمد مشایخی دربارهٔ اهتمام به جلب رضایت و خشنودی والدین آمده است:

اولین روزی که لباس روحانیت پوشید، برای خشنودی پدر عکسی گرفت و در پشت عکس چنین نوشت: "بسم الله الرحمن الرحيم. قال الله تعالى: رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ" تقدیم به پیشگاه مقدست، ای آن که خدایم بعد از نام خود نام تو را آورد: "وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا"؛ تقدیم به پیشگاه آن که در طول عمرم، جز شرم به او نرسید و حال آنکه معبودم فرموده بود: "وَصَلِّ عَلَى الْإِنْسَانِ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا"؛ از پیشگاه آن معظم می خواهم از سر تقصیراتم بگذرد و از خدا بخواهد، اگر در آینده عالم شدم، عالمی عامل شوم.^۲

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز رضایت خداوند را در گرو رضایت پدر و مادر دانسته و فرمودند: «هر که پدر و مادر خویش را راضی کند، خدا را راضی کرده است و هر که آنان را به خشم آورد، خدای را به خشم

۱. «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ حُسْنِ مَعْرِفَةِ الْعَبْدِ بِاللَّهِ إِذْ لَا عِبَادَةَ إِلَّا لِلَّهِ بُلُوغاً بِصَاحِبِهَا إِلَى رِضَى اللَّهِ مِنْ حُرْمَةِ الْوَالِدَيْنِ الْمُسْلِمِينَ لَوَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى»؛ محمد محسن فیض کاشانی؛ تفسیر الصافی؛ ج ۴، ص ۱۴۴؛ محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۱، ص ۷۷.

۲. ابراهیم رستمی؛ شاهدان بصیرت؛ ج ۲، ص ۲۰۳.

آورده است».^۱

خشنود کردن والدین در اسلام افزون بر تکلیف شرعی بودن، معادل اعمال عبادی بزرگ دانسته شده است. چنان که پیامبر اسلام ﷺ مهربانی نسبت به والدین را برابر با حج مقبول دانسته و می‌فرمایند:

هر فرزند نیکوکاری که با مهربانی به پدر و مادرش نگاه کند، در مقابل هر نگاه، ثواب یک حج کامل مقبول به او داده می‌شود. سؤال کردند حتی اگر روزی صد مرتبه به آنها نگاه کند؟ فرمود: آری خداوند بزرگ‌تر و پاک‌تر است از آنچه به ذهن می‌رسد».^۲ در جایی دیگر فرمودند: «بنده‌ای که مطیع پدر و مادر و پروردگارش باشد، روز قیامت جایش در والاترین مقام بهشت است».^۳ همچنین پیامبر ﷺ نیکی به والدین را سبب افزایش طول عمر دانسته و فرمودند: «خداوند از رهگذر نیکی فرزند به پدر و مادر، عمر او را افزون می‌کند».^۴

همه این مضامین و تعابیر بیانگر برکات و آثار خیر نیکی به

۱. «مَنْ أَرْضَى وَالِدَيْهِ فَقَدْ أَرْضَى اللَّهَ وَمَنْ أَسَخَطَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ أَسَخَطَ اللَّهَ»؛ متقی هندی؛

کنز العمال؛ ج ۱۶، ص ۴۷۰؛ ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحه؛ ص ۷۶۰.

۲. «مَا وَلَدٌ بَارٌّ نَظَرَ إِلَى أَبِيهِ بِرَحْمَةٍ إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حِجَّةٌ مَبْرُورَةٌ فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ

إِنْ نَظَرَ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِائَةَ نَظْرَةٍ قَالَ نَعَمْ اللَّهُ أَكْبَرُ وَأَطْيَبُ»؛ محمدباقر مجلسی؛

بحار الانوار؛ ج ۷۱، ص ۷۳.

۳. «الْعَبْدُ الْمُطِيعُ لَوَالِدَيْهِ وَلِرَبِّهِ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ»؛ ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحه؛

ص ۵۷۸.

۴. «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ يَزِيدُ فِي الْعُمُرِ»؛ همان، ص ۳۷۳.

والدین است که سبب عاقبت به خیری فرزند می شود. پدر طلبه شهید عباس صالحی می گوید:

دکان میوه فروشی داشتم و خانه ای پر از رفت و آمد. به خاطر عیال وار بودنم دخل و خرجم به سختی جور می شد. بیشتر وقت ها که سرم شلوغ بود، عباس می آمد کمکم می کرد. یک سال نزدیک ایام نوروز وقتی صبح زود با عباس رفتیم که در مغازه را باز کنیم، همین که کرکره ها را دادم بالا، دیدم تمام میوه ها خراب شدند؛ جا خورده بودم، کارد بهم می زدی خونم در نمی آمد. کلی بار آورده بودم بفروشم تا خرج شب عید بچه ها را در بیاورم؛ اما تیرم به سنگ خورده بود. داشتم به صندوق های میوه نگاه می کردم و غصه می خوردم. عباس که انگار فهمیده بود برای چی غصه می خورم، با اینکه ده ساله بود، آمد جلو و گفت: بابا اشکال نداره، غصه نخور؛ من امسال کفش و لباس شب عید نمی خوام، همین لباس هایی که دارم فعلا خوبه، همین ها را می پوشم. همین طور که داشت این حرف ها را می زد، اشک از چشمانم سرازیر شد، با پشت دست اشکم را خشک کردم، رو کردم به عباس و گفتم خدا عاقبت به خیرت کنه بچه که این قدر فهم داری. وقتی خبر شهادت عباس را دادند، حرف آن روزم مثل برق از چشمانم گذشت: "خدا عاقبت به خیرت کنه بچه".^۱

۱. مسعود مختاری؛ عمامه های خاکی؛ ص ۱۲۶.

۶. گریز از موضع نفرین و عاق والدین

انسان در مکتب اسلام، همواره مکلف به سپاس‌گزاری از پدر و مادر است؛ او باید در همه حال جز در نافرمانی از خداوند متعال، فرمان‌پذیری کرده و بکوشد چنان‌که حق پدر و مادر است، به آنها خدمت و رسیدگی کند؛ به‌ویژه اگر کهنسال و ناتوان شده‌اند. قرآن کریم در این باره چنین سفارش می‌کند:

«إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا»^۱ اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به کهنسالی رسیدند، به آنها کلمه‌ای ناخوشایند مگوی و با آنان پرخاشگری مکن و با ادب و احترام با آنان سخن بگوی.»

یکی از راه‌های پیشگیری از نارضایتی والدین به‌ویژه در پیری و ناتوانی، پرهیز از به‌زحمت انداختن و رنج آنها است؛ بنابراین شهدا همواره در پی این بودند که والدین خود را به زحمت نیندازند و سبب ناراحتی آنان نشوند. مادر شهید حجت‌الاسلام سیدمحسن روحانی درباره رفتار فرزند شهیدش می‌گوید: «هرگاه فرصتی دست می‌داد و از جبهه به خانه می‌آمد، لباس‌هایش را خودش می‌شست و می‌گفت: مادر! راضی نیستم در این باره به شما زحمت بدهم»^۲.

شهدا دریافته بودند نارضایتی و عاق والدین سبب افتادن انسان در حضيض ذلت شده و دین و دنیای او به ورطه نابودی سوق داده

۱. اسراء: ۲۴.

۲. علیرضا صداقت؛ زندگی به رنگ خدا؛ ص ۸۸.

خواهد شد. در همین باره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «به فرزندی که عاق والدین شده است، گفته می‌شود هر کاری می‌خواهی، انجام بده که من تو را نمی‌آمرزم».^۱ در روایت دیگری از ایشان نقل شده است: «بترسید از اینکه عاق پدر و مادر و مغضوب آنها شوید؛ زیرا بوی بهشت از پانصدسال راه به مشام می‌رسد؛ ولی هیچ‌گاه کسانی که مورد خشم پدر و مادر هستند، بوی آن را استشمام نخواهند کرد».^۲

یکی از شخصیت‌های برجسته روحانیت که شهد معارف و دستورات دین را نوش کرده و در زندگی خود به کار بسته بود، شهید حجت الاسلام عبدالله میثمی است. وی با وجود جایگاه رفیع و مشغله‌های فراوان در قرارگاه خاتم، به قصد خدمت به والدین و پیشگیری از ناراحتی و رنجش خاطر آنها، به رفقای خود سفارش می‌کرد:

اگر رفتید اصفهان، این پول را به پدر و مادرم بدهید و بگویید فلانی داد. او راجع به احسان به والدین خیلی تأکید داشت و هر موقعی که ما را می‌دید، سفارش می‌کرد به پدر و مادرتان سرکشی کنید و گاهی که ما می‌گفتیم راه دور است و وقت کم و کار زیاد، می‌گفت: نه شما بروید، گشایش حاصل می‌شود و اگر قصدتان زیارت پدر و مادر باشد، خدا خودش خرجی راه را از جایی که فکرش را نمی‌کنید، برای‌تان تأمین می‌کند و کارهای عقب‌مانده

۱. «يُقَالُ لِلْعَاقِ إِعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنِّي لَا أَعْفِرُ لَكَ»؛ محمد بن محمد شعیری؛ جامع

الانخبار؛ ص ۸۰.

۲. ناصر مکارم شیرازی؛ برگزیده تفسیر نمونه؛ ج ۲، ص ۶۳۰ و ۶۳۱.

هم به نحوی که انتظار ندارید، پیش می‌رود.^۱

بازخوانی سیره و خاطرات شهدا به ما می‌آموزد که می‌توان با وجود مخالفت‌های پدر و مادر و حتی تندخویی و کم‌حوصلگی آنها در برخورد با فرزندشان، با نرم‌خویی و احترام، دل آنها را به دست آورد و رضایت‌شان را جلب نمود. خواهر طلبه شهید حسن وکیل آزاد دربارهٔ راضی‌نشدن والدینش برای رفتن پسرشان به جبهه و شیوهٔ جلب رضایت آنها توسط برادر شهیدش می‌گوید:

با وجود اینکه یکی از برادرانم (ایوب) شهید شده بود، حسن تاب ماندن نداشت و می‌خواست هرطور که شده، رضایت پدر و مادرم را جلب کند و به جبهه برود. پدرم به او گفت: "هرچه بخواهی، برایت فراهم می‌کنم تا راحت زندگی کنی، برادرت هم تازه شهید شده، نزد ما بمان تا حداقل سالگرد برادرت بگذرد". اما او راضی نمی‌شد؛ سرانجام گفت: "امام دستور داده و واجب است که به جبهه بروم". غسل شهادت گرفت و به پای پدرم افتاد تا شاید دل او را به دست آورد؛ ولی چون نتوانست رضایت آنها را کسب کند، سرانجام به عنوان روحانی رزمی تبلیغی به جبهه رفت و چندبار به من تلفن کرد و گفت پدر و مادرم را راضی کن و من این کار را کردم. حسن یک‌سال بعد از شهادت ایوب، رضایت حضرت دوست را به جان خرید و همنشین برادر شهیدش گشت.^۲

۱. مریم برادران؛ یادگاران ۵: کتاب شهید میثمی؛ ص ۶۰.

۲. نیل گراک وارن؛ در جستجوی عشق؛ ص ۱۲۶.

ب) حقوق اختصاصی مادران

به یقین بین همه مادران، مادران شهدا از اجر و منزلت بیشتری نزد خدا برخوردارند. مادران شهدا دو برتری بر سایر مادران دارند؛ توفیق تربیت فرزندانی که در راه ولایت و دین جان فشانی می کنند و دیگری صبر در برابر شهادت و فراغ فرزند دل‌بند خود. بنابراین به طور بدیهی در سیره شهدا می بینیم که خوب‌ترین انسان‌ها، توسط خوب‌ترین انسان‌ها تکریم می شوند.

شهدا با تأمل در آیات و روایات دریافته بودند به یقین زحمتی که مادر به ویژه در ایام کودکی در قبال فرزندان خود متحمل می شود، نسبت به پدر بیشتر است و این زحمت و مشقت بیشتر، تکریم و احترام بیشتری را هم می طلبد؛ چنان که در روایات معصومین علیهم‌السلام نسبت به احترام به مادر سفارش‌های ویژه‌ای شده است؛ از این رو شهیدان کوشیدند در دوران حیات معنوی خود خدمت‌گزاری و شکرگزاری ویژه‌ای از مادران خود به عمل آورند. قرآن کریم درباره احسان و نیکی به پدر و مادر می فرماید: «ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند».^۱ خداوند در ادامه این آیه شریفه به مشقت‌های مادر هنگام بارداری و پس از آن اشاره کرده و آن را جداگانه بیان می کند تا انسان را به یاد گذشته خویش بیندازد و بدین ترتیب بیشتر قدردان زحمات‌ها و رنج‌های مادرش باشد:

مادرش او را با ناراحتی حمل می کند و با ناراحتی بر زمین

۱. «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا»؛ احقاف: ۱۵.

می‌گذارد و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی‌ماه است؛ تا زمانی که به کمال قدرت و رشد برسد و به چهل‌سالگی بالغ گردد؛ می‌گوید: پروردگارا! مرا توفیق ده تا شکر نعمتی را که به من و پدر و مادرم دادی، به‌جا آورم و کار شایسته‌ای انجام دهم که از آن خشنود باشی و فرزندان مرا صالح گردان؛ من به‌سوی تو باز می‌گردم و توبه می‌کنم و من از مسلمانانم.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره اولویت نیکی به مادر قبل از نیکی به پدر چنین سفارش نمودند: «مادرت، مادرت، مادرت را مراقب باش و سپس پدرت».^۲

افزون بر توصیه‌هایی که نسبت به اهمیت و اولویت احترام و نیکی به مادر در منابع دینی آمده است، مقام معظم رهبری درباره اهمیت حق مادر در اسلام می‌فرمایند:

اسلام در برخی جاها زن را بر مرد ترجیح داده است؛ مثلاً آنجا که مرد و زن، پدر و مادری هستند که فرزندی دارند؛ این فرزند اگرچه فرزند هر دو نفر است، اما خدمت‌گزاری فرزند در مقابل مادر، لازم‌تر است. حق مادر بر گردن فرزند، بیشتر و وظیفه فرزند

۱. «حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ»؛ أحقاف: ۲۶.

۲. «أُمُّكَ، أُمُّكَ، ثُمَّ أُمُّكَ، ثُمَّ أَبَاكَ، ثُمَّ الْأَقْرَبَ فَلِأَقْرَبَ»؛ ابوالقاسم پاینده؛ نهج الفصاحه؛ ص ۲۶۳.

نسبت به مادر سنگین تر است.^۱

امام سجاد علیه السلام حق مادر و فداکاری‌های او را در «رساله حقوق» یکایک برشمرده و سپس به فرزندان نسبت به رعایت حق مادر چنین سفارش می‌فرمایند:

اما حق مادر بر تو آن است که بدانی او تو را نه‌ماه حمل کرده است؛ طوری که هیچ‌کس حاضر نیست این چنین دیگری را حمل کند و به تو شیره جانش را خورانده است؛ طوری که هیچ‌کس دیگر حاضر نیست این کار را انجام دهد و با تمام وجود با گوشش چشمش، دستش، پایش، مویش، پوست بدنش و جمیع اعضا و جوارحش تو را حمایت و مواظبت نموده است و این کار را از روی شوق و عشق انجام داده و رنج و درد و غم و گرفتاری دوران بارداری را برای تو تحمل نموده است؛ تا وقتی که خدای متعال تو را از عالم رحم به عالم خارج انتقال داد. پس این مادر بود که حاضر بود گرسنه بماند و تو سیر باشی؛ برهنه بماند و تو لباس داشته باشی؛ تشنه بماند و تو سیراب باشی؛ در آفتاب بنشیند تا تو در سایه او آرام استراحت کنی؛ ناراحتی را تحمل کند تا تو در نعمت و آسایش به زندگی ادامه داده و رشد نمایی و در اثر نوازش او به خواب راحت و استراحت لذیذ دست یابی. شکم او خانه تو و آغوش او گهواره تو و سینه او سیراب‌کننده تو و خود او حافظ و نگه‌دارنده تو بود. سردی و گرمی دنیا را تحمل می‌کرد تا تو در

۱. بیانات در جمع گروهی از پرستاران، ۱۳۷۳/۷/۲۰، نرم‌افزار «حدیث ولایت»، ص ۹۷.

آسایش و ناز و نعمت زندگی کنی. پس شکرگزار مادر باش به اندازه‌ای که برای تو زحمت کشیده است و نمی‌توانی از او قدردانی نمایی؛ مگر به عنایت و توفیق خداوند متعال.^۱

در نظر حضرت زین العابدین علیه السلام مقام مادر به اندازه‌ای بالاست که حضرت به جای بیان حقوق واجب، به توصیف فداکاری‌ها و ایثارهای مادر اشاره می‌کنند و در پایان چنین امر می‌کنند که در برابر همه این زحمات، فرد باید شکرگذار مادر باشد و کسی نمی‌تواند شکرگذار مادر خویش باشد، مگر اینکه خداوند به او توفیق دهد؛ بنابراین هر قدمی که انسان به منظور خدمت به مادر خویش بردارد، می‌تواند با هدف شکرگزاری از او باشد.

ج) حقوق اختصاصی پدران

چنان که در بخش احترام به مادر بیان شد، سیره و رفتار شهیدان همواره برای نسل پس از دفاع مقدس نمونه و الگویی آموزنده است. تعامل و احترام آنها با والدین آسمانی خود بیانگر منزلت بی‌همتای

۱. «فَحَقُّ أُمِّكَ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَطْعَمَتْكَ مِنْ ثَمَرَةِ قَلْبِهَا مَا لَا يُطْعِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَ أَنَّهَا وَقَّتْكَ بِسَمْعِهَا وَ بَصَرِهَا وَ يَدَيْهَا وَ رِجْلَيْهَا وَ شَعْرِهَا وَ بَشَرِهَا وَ جَمِيعِ جَوَارِحِهَا مُسْتَبْشِرَةً بِذَلِكَ فَرِحَةً مُوَابِلَةً مُحْتِمِلَةً لِمَا فِيهِ مَكْرُوهُهَا وَ أَلْمُهَا وَ ثِقْلُهَا وَ غَمُّهَا حَتَّى دَفَعَتْهَا عَنْكَ يَدُ الْقُدْرَةِ وَ أَخْرَجَتْكَ إِلَى الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ أَنْ تَشْبَعَ وَ تَجُوعَ هِيَ وَ تَكْسُوكَ وَ تَعْرَى وَ تُرْوِيكَ وَ تَظْمَأُ وَ تُظْلَلَّ وَ تَضْحَى وَ تُنْعَمَ بِبُؤْسِهَا وَ تُلَذَّذَ بِالنُّومِ بِأَرْقِهَا وَ كَانَ بَطْنُهَا لَكَ وَ عَاءٌ وَ حَجْرُهَا لَكَ حِوَاءٌ وَ تَذِيُّهَا لَكَ سِقَاءٌ وَ نَفْسُهَا لَكَ وَ قَاءٌ تُبَاشِرُ حَرَّ الدُّنْيَا وَ بَرْدَهَا لَكَ وَ دُونَكَ فَتَشْكُرُهَا عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ وَ لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ إِلَّا بِعَوْنِ اللَّهِ وَ تَوْفِيقِهِ»؛ ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۶۳.

آنها در پیشگاه الهی است.

در اسلام تأکید می‌شود مؤمن به کسی گفته می‌شود که در تمامی امور مهم با پدر خویش مشورت کند و بدون اذن و اجازه قلبی وی کاری را انجام ندهد. با ترسیم چنین جایگاهی برای پدر و اهمیت احترام به وی، نمی‌توان به سادگی از این مسئله عبور کرد؛ مانند آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الوالدُ وَسَطُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَإِنْ شِئْتَ فَأَحْفَظْهُ وَإِنْ شِئْتَ فَضَيِّعْهُ»^۱ پدر میان بهشت است؛ اگر خواهی آن را نگهدار و اگر خواهی آن را ضایع دار».

این بدان معناست که تبلور لطف الهی در گروی رضایت پدر است؛ گرچه در دنیای امروز جایگاه پدر مهجور مانده است، در مکتب اسلام و آیات مختلف نظیر سوره یوسف سفارش شده بی‌اجازه پدر حتی نباید به مسافرت رفت. مسئله اطاعت از پدر از موضوعاتی است که خداوند نسبت به حضور یا غیاب او برخورد برابر می‌کند؛ بدین ترتیب که حتی اگر پدر حاضر نبود، اطاعت از گفته‌های او بر فرزند واجب است! مصداق قرآنی آن در آیات ۶۷ و ۶۸ سوره مبارکه یوسف آمده است؛ آنجایی که فرزندان یعقوب در غیاب پدر به حکم وی اطاعت کردند و از دروازه‌های مختلف وارد مصر شدند.

البته تنها در یک صورت از فرمان پدر می‌توان امتناع کرد؛ در صورتی که پدر فرزند را سفارش به معصیت کند؛ البته در آن شرایط

۱. میرزا حسین نوری؛ مستدرک الوسائل؛ ج ۱۵، ص ۲۴۰.

هم باز فرزند باید تلاش خود را برای رفع نیازهای وی انجام دهد. بر فرزند واجب است به غیر از موضوع شرک به خداوند در اطاعت از فرامین پدر کوشا باشد و بی منت و بی حساب لطف خود را شامل "ولی" خود کند. جایگاه والدین تا جایی است که حتی فرزند نمی تواند پدر و مادر کافرش را وادار به اطاعت از خداوند کند.

امام سجاده علیه السلام از پدر به «ریشه انسان» تعبیر می کنند که این مسئله به اهمیت نقش پدر در زندگی فرد اشاره دارد. ایشان در «رساله حقوق» می فرمایند: «هر خوبی در خویش را باید در خوبی پدر خود جستجو نمایید». ایشان در ادامه در برابر این موهبت الهی، انسان را به نیکی به پدر سفارش کرده و می فرمایند: «و اما حق پدرت این است که بدانی به راستی او ریشه [وجود] توست و تو شاخه [درخت وجود] اویی و چون او نبود، تو نیز نبودی؛ پس هرگاه در خویش چیزی دیدی که پسندیده آمد، آگاه باش که این نکویی در تو، ریشه در پدرت دارد؛ پس خدای را ستایش نما و به اندازه آن نکویی، سپاسش دار».^۱

تجلی سفارش های نورانی امام سجاده علیه السلام درباره حق پدر را در سیره طلبه شهید احمد کارایی به نظاره می نشینیم. پدر شهید می گوید: «هرگاه که از راه می رسید، می پرسید "بابا کجاست؟"

۱. «وَأَمَّا حَقُّ أَبِيكَ فَتَعْلَمُ أَنَّهُ أَصْلُكَ وَ أَنَّكَ فَرْعُهُ وَ أَنَّكَ لَوْلَاهُ لَمْ تَكُنْ فَمَهْمَا رَأَيْتَ فِي نَفْسِكَ مِمَّا يُعْجِبُكَ * فَاعْلَمْ أَنَّ أَبَاكَ أَصْلُ النِّعْمَةِ عَلَيْكَ فِيهِ وَ أَحْمَدِ اللَّهَ وَ اشْكُرْهُ عَلَى قَدْرِ ذَلِكَ»؛ ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۶۳.

همین که می فهمید رفتم باغ، سریع خودش را می رساند. دستم را می گرفت و می گفت: "بابا شما تو سایه بشینید، چشمتون اذیت می شه. اصلاً شما باید به عبادت و استراحتت برسی. من خودم همه کارها رو انجام می دم".^۱

از نظر جایگاه و مرتبه، پدران شهدا همچون مادران ایشان، در دو جنبه بر سایر پدران برتری دارند؛ تربیت و تلاش برای به ثمر رساندن فرزندانی مجاهد و دیگری تحمل بر دشواری ازدست دادن فرزند خود.

شهدا با علم به مقام والای پدران خود، در برابر آنها با نهایت مهر و عطوفت برخورد می کردند. شهید عباس صالحی بین شهدای روحانی یکی از مصادیق زیبای شفقت و ملاحظت در برخورد با پدر بود؛ چنان که پدر شهید نقل می کند:

نزدیک نماز صبح بود، بلند شدم تا وضو بگیرم؛ همین که کلید لامپ‌های خانه را زدم و چراغ‌ها روشن شد، دیدم صدای زنگ خانه به صدا درآمد. رفتم در را باز کردم، دیدم عباس پشت در است؛ تعجب کردم و گفتم عباس جان! بابا! خوش آمدی بیا تو. الان رسیدی؟ گفت: نه بابا! چندساعتی میشه رسیدم! از داخل کوچه نگاه کردم، دیدم خواب هستید؛ دلم نیامد زنگ بزنم از خواب بیدارتان کنم، منتظر ماندم تا وقتی برای نماز بیدار شدید، زنگ بزنم! از نجابت این بچه بغض گلویم را گرفته بود.^۲

۱. گروه مؤلفان؛ به رنگ صبح؛ ص ۵۲.

۲. مسعود مختاری؛ عمامه‌های خاکی؛ ص ۱۳۱.

منابع

کتب

۱. ابراهیمی، احمد رضا؛ کتاب راوی (مخاطب دانشجوی دختر)؛ قم: مؤسسه روایت سیره شهدا، ۱۳۹۶ ش.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین؛ عوالی اللئالی؛ قم: سیدالشهدا، ۱۴۰۳ ق.
۳. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور؛ السرائر؛ قم: انتشارات جامعه مدرسین، [بی‌تا].
۴. ابن بابویه، محمد بن علی؛ الأمالی (للصدوق)؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، [بی‌تا].
۵. _____؛ علل الشرائع؛ قم: انتشارات مکتبه الداوری، چاپ اول، [بی‌تا].
۶. _____؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام؛ تهران: نشر صدوق، ۱۳۷۳ ش.
۷. _____؛ الخصال (للصدوق)؛ مترجم: مدرس گیلانی؛ تهران: نشر جاویدان، ۱۳۶۲ ش.
۸. _____؛ من لایحضره الفقیه؛ تهران: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۹. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی؛ دعائم الاسلام؛ قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ ق.
۱۰. ابن سعد، محمد؛ الطبقات الکبری؛ تحقیق: محمد عبدالقادر

۲۰۰ | سیره خانوادگی شهدای روحانیت

عطا؛ بیروت: دارالکتب العلمیه ۱۴۱۰ ق.

۱۱. ابن شهر آشوب، محمد؛ مناقب آل ابی طالب (علیه السلام)؛

قم: انتشارات علامه، ۱۳۷۹ ش.

۱۲. ابن عدی، عبدالله؛ الكامل؛ تحقیق: یحیی مختار غزاوی؛

بیروت: دارالفکر، چ سوم، ۱۴۰۹ ق.

۱۳. ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن؛ تاریخ مدینه دمشق؛

بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ق.

۱۴. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دارصادر،

۱۳۷۵ ق.

۱۵. ازغندی، علی اکبر؛ جرعه نوشان: بازتاب سیره نظری و عملی

مولای متقیان در اندیشه و کردار سرداران شهید استان خراسان؛

مشهد: نشر مرندیز، ۱۳۸۴ ش.

۱۶. استادزاده، گردآوری؛ حوزه علمیه شهید شاه آبادی؛ تهران: بنیاد

علوم و معارف اسلامی، ۱۳۹۱ ش.

۱۷. آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غرر الحکم و درر الکلم؛

مصحح: سیدمهدی رجایی؛ قم: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.

۱۸. آیت اللهی، سیدمهدی؛ آموزش دین یا تعالیم اسلام؛ قم: جهان

آرا، ۱۳۸۸ ش.

۱۹. بلاذری، احمد بن یحیی؛ انساب الاشراف؛ تحقیق: محمد باقر

المحمودی؛ بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۳۹۷ ق.

۲۰. بهبودی، هدایت الله؛ شرح اسم؛ تهران: موسسه مطالعات و

پژوهش های سیاسی، ۱۳۹۰ ش.

۲۱. بهشتی، سید محمد حسین؛ ولایت، رهبری، روحانیت؛ تهران: نشر بقیه، ۱۳۸۶ ش.
۲۲. بهمنی، محمد؛ سنگ صبور همه؛ قم: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۳ ش.
۲۳. تمیمی آمدی، ابوالفتح؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ قم: دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۴. تیموری، رمضان؛ مبشر شهادت؛ تهران: نشر شاپور، ۱۳۹۰ ش.
۲۵. جعفریان، حبیب؛ زندگی نامه سید محمد حسین طباطبایی؛ تهران: انتشارات روایت فتح، ۱۳۹۷ ش.
۲۶. جمعی از پژوهشگران؛ گلشن ابرار: خلاصه‌ای از زندگی اسوه‌های علم و عمل؛ قم: نشر معروف، ۱۳۸۵ ش.
۲۷. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ قم: مرکز نشر اسرا، ۱۳۹۲ ش.
۲۸. چشمه سهرابی، مظفر؛ گزیده موضوعی وصیت نامه شهدا؛ تهران: نشر شاهد، ۱۳۹۷ ش.
۲۹. حر عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ قم: مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۳۰. حرّانی، حسن بن علی بن شعبه؛ تحف العقول عن آل الرسول؛ قم: [بی نا]، ۱۳۷۶ ش.
۳۱. حسین خانی، هادی؛ تربیت الگویی زنان در قرآن؛ تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲ ش.
۳۲. حسینی زاده، سید علی؛ سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵ ش.

۳۳. حلی، احمد بن فهد؛ عدة الداعی؛ قم: انتشارات دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۳۴. حلی، حسن بن یوسف؛ قواعد الاحکام؛ قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۵. خامنه‌ای، سیدعلی؛ خاطرات و حکایت‌ها؛ قم: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۸۰ ش.
۳۶. خطیب بغدادی، احمد بن علی؛ تاریخ بغداد؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
۳۷. خمینی، روح‌الله؛ صحیفه امام؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۶۸ ش.
۳۸. دیلمی، حسن بن محمد؛ ارشاد القلوب؛ قم: رضی، ۱۴۱۲ ق.
۳۹. رازی، محمد بن عمر؛ التفسیر الکبیر؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی‌تا].
۴۰. رجایی، غلامعلی؛ سیره شهید بهشتی؛ تهران: نشر شاهد، ۱۳۸۵ ش.
۴۱. رستمی، ابراهیم؛ شاهدان بصیرت؛ قم: نشر اجتهاد، ۱۳۹۰ ش.
۴۲. سبزواری، سید عبدالاعلی؛ مهذب الاحکام؛ قم: دار التفسیر، ۱۳۸۶ ق.
۴۳. سیدناصری، ستوده؛ پاره‌ای از خورشید؛ تهران: نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۷ ش.
۴۴. شرفی، محمدرضا؛ خانواده متعادل؛ تهران: نشر انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۹۳ ش.

۴۵. شریف الرضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه (للصبحی صالح)؛ قم: دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۴۶. شعیری، محمد بن محمد؛ جامع الاخبار؛ نجف: مطبعة حیدریة، [بی تا].
۴۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ الروضة البهیة؛ قم: دار التفسیر، ۱۳۹۳ ش.
۴۸. صالحی، هاشم؛ نهج الفصاحه؛ ترجمه: ابراهیم احمدیان؛ قم: گلستان ادب، ۱۳۸۶ ش.
۴۹. صداقت، علیرضا؛ زندگی به رنگ خدا (نگاهی به سبک زندگی شهدا)؛ قم: بین الحرمین، ۱۳۹۳ ش.
۵۰. صنعانی، عبدالرزاق؛ المصنف؛ تحقیق: حبیب الرحمن الاعظم؛ بیروت: منشورات المجلس العلمی، ۱۴۰۳ ق.
۵۱. طباطبائی، سیدعلی؛ ریاض المسائل؛ قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۸ ق.
۵۲. طبرسی، علی بن حسن بن فضل؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۸۵ ق.
۵۳. _____؛ مکارم الاخلاق؛ قم: شریف رضی، چ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
۵۴. طوسی، محمد بن حسن؛ النهاية؛ بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۴۰۰ ق.
۵۵. _____؛ تهذیب الاحکام؛ تهران: دارالکتب الاسلامیة، چ چهارم، ۱۳۶۵ ش.

۵۶. _____؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۵۷. عالم‌زاده نوری، محمد؛ راه و رسم طلبگی؛ قم: موسسه فرهنگی ولاء منتظر، ۱۳۸۹ ش.
۵۸. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید؛ تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۵۰ ش.
۵۹. فاضل لنکرانی، محمد؛ تفصیل الشریعة (کتاب النکاح)؛ قم: مرکز فقه الائمه الاطهار علیهم‌السلام، ۱۴۲۱ ق.
۶۰. فاضل هندی، محمد بن حسن؛ کشف اللثام؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۵ ق.
۶۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد؛ روضة الواعظین؛ قم: دلیل ما، ۱۴۲۳ ق.
۶۲. فرید، مرتضی؛ الحدیث (روایات تربیتی)؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶ ش.
۶۳. فیض کاشانی، محمد محسن؛ تفسیر الصافی؛ تهران: مکتبه الصدر، ۱۳۷۳ ش.
۶۴. _____؛ مفاتیح الشرائع؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، [بی‌تا].
۶۵. قربانی، محمد علی؛ سردار خطیب: سیری در زندگی شهید شیخ عباس شیرازی؛ تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۶۶. قمی، علی بن ابراهیم؛ تفسیر القمی؛ تهران: دار الکتاب، ۱۳۶۳ ش.

۶۷. کرمانشاهی، احسان؛ مجمع ملکوتیان؛ قم: مؤسسه روایت سیره شهدا، ۱۳۹۱ ش.
۶۸. کرمانی، هاجر: این عمار: بر اساس زندگی سردار شهید قربانعلی عرب؛ اصفهان: نشر ستارگان درخشان، ۱۳۹۰ ش.
۶۹. کلارک وارن، نیل؛ در جستجوی عشق زندگی؛ ترجمه: مهدی قراچه‌داغی؛ تهران: انتشارات اوحدی، ۱۳۹۲ ش.
۷۰. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش.
۷۱. گروه مؤلفان؛ رسم خوبان؛ قم: انتشارات قدر ولایت، ۱۳۸۹ ش.
۷۲. گروه نویسندگان، کنگره شهدای روحانی استان بوشهر؛ ماه گویان؛ قم: نشر نقش، ۱۳۸۴ ش.
۷۳. گروه نویسندگان؛ یادگاران؛ تهران: بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس، ۱۳۸۵ ش.
۷۴. متقی هندی، علی بن حسام الدین؛ کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال؛ تحقیق: محمد ودعمر الدمیاطی؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ ق.
۷۵. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۷۶. محدث نوری، حسین بن محمد؛ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، لاحیاء التراث، ۱۳۶۹ ش.
۷۷. محدثی، جواد؛ شمع محفل خاتم؛ تهران: نشر بسیج، ۱۳۶۶ ش.

۷۸. محقق حلی، جعفر بن حسن؛ شرائع الاسلام؛ قم: اسماعیلیان، ۱۴۰۸ ق.
۷۹. محمدی اشتهاردی، محمد؛ داستان دوستان: مجموعه داستان‌های جذاب و حکمت‌آموز؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۸۰. محمدی صیفار، مهدی؛ مشق عشق؛ تهران: معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، [بی‌تا].
۸۱. مختاری، مسعود؛ عمایه‌های خاکی؛ قم: انتشارات شهید کاظمی، ۱۳۹۷ ش.
۸۲. _____؛ هجرت از حجره؛ قم: وثوق، ۱۳۹۹ ش.
۸۳. مفید، محمد بن محمد؛ المقنعة؛ قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۸۴. _____؛ الأمالی؛ قم، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۸۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ دائرة المعارف فقه مقارن؛ قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۸۵ ش.
۸۶. _____؛ تفسیر نمونه؛ به قلم جمعی از نویسندگان؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
۸۷. منصور، جهانگیر؛ قانون مدنی با آخرین اصلاحیه‌ها و الحاقات؛ تهران، دیدار، ۱۳۷۹ ش.
۸۸. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین، ۱۴۳۲ ق.
۸۹. نراقی، ملا احمد؛ معراج السعاده؛ قم: نشر جمال، ۱۳۸۹ ش.

۹۰. نراقی، ملا مهدی؛ جامع السعادات؛ ایران: چاپ سنگی، ۱۳۱۲ش.

۹۱. نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ تصحیح: اسماعیل بن احمد طرابلسی؛ بیروت: دارالطباعة العامره، ۱۳۳۴ ق.

۹۲. وجدانی، مصطفی؛ سرگذشت‌های ویژه‌ای از زندگی امام خمینی؛ تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۶ ش.

نشریات و نرم‌افزارها

۱. حاجی‌پور، زهرا؛ «پلاک‌های فاطمی: بنت‌الهدی صدر در آینه خاطرات منتشرنشده»؛ مجله «طوبی»، بهار ۱۳۸۷، شماره ۲۸.

۲. گفتگو با خانواده شهید حجت‌الاسلام علی اوسطی؛ «مردی در آرزوی گمنامی»؛ مجله «نامه جامعه»، بهمن ۱۳۸۳، شماره ۵.

۳. زینهاری، مهری؛ «نقش تشویق و تنبیه در تربیت کودک»؛ مجله «پیام زن»، مهر ۱۳۷۱، شماره ۷.

۴. مجله «شاهد یاران»، ش ۴۴، سال ۱۳۸۸ ش.

۵. «نگاهی به ویژگی‌های رفتاری اولین بانوی مسلمان نسبت به پیامبر»؛ نشریه «مبلغان»، آذر ۱۳۸۰، ش ۲۳، (نویسنده مقاله نامعلوم).

۶. نرم‌افزار نشانه، به نقل از: اطلاعات دریافتی از کنگره سرداران و ۳۲۰۰۰ شهید استان‌های خراسان.

گرچه گروه بسیاری از رزمندگان در سنین نوجوانی و جوانی و قبل از ازدواج، به حضور حق تعالی بار یافتند؛ اما کسانی که توفیق عمل به سنت رسول خدا ﷺ را یافتند، با همه وجود در خدمت خانواده بودند و قلوبشان سرشار از احساس محبت، صفا و همیاری با همسر و فرزندان بود. هر گاه تکلیف را در مرخصی و دیدار خانواده می دیدند و بی درنگ به حضور خانواده و همسرشان می شتافتند و به آنان خسته نباشید می گفتند؛ در کارهای خانه یاری شان می کردند؛ لبخند بر لبان شان و محبت در دل شان موج می زد؛ با بچه ها بازی می کردند؛ به درس و مشق شان می رسیدند؛ به بستگان سری می زدند؛ پدر و مادرشان، خواهران و برادران شان را احترام می کردند و به امورشان رسیدگی می نمودند.

بوستق

شماره کتاب: ۳۳۴۹

ISBN 964-09-2492-X



9 789640 924921

کتاب الکترونیک



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

معاونت فرهنگی و تبلیغی

گروه تولید محتوا

تلفن: ۰۲۵-۳۱۱۵۱۲۴۷

tabligh@dte.ir